زبان کُردی

و جایگاه آن در میان زبان‌های دنیا

به قلمِ دکتر رفیق شوانی
برگردانِ دکتر جبار میرانی

زبان کُردی

و جایگاه آن در میان زبان‌های جهان

سرشناسه	: شوانی، رفیق، ۱۳۳۲ -
عنوان قراردادی	: زمانی کوردی و شوینی له ناو زمانه کانی جیهاندا .فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: زبان کردی و جایگاه آن در میان زبان‌های جهان/ نویسنده رفیق شوانی؛ ترجمه جبار میرانی.
مشخصات نشر	: سنندج: کانی کتیب: شوان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۸ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س‌م.
شابک	: 978-600-7968-22-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: کردی
موضوع	: کردی -- دستور
موضوع	: کردی -- تاریخ
موضوع	: زبان -- رده‌بندی
موضوع	: زبان‌های ایرانی -- تاریخ
شناسه افزوده	: میرانی، جبار، ۱۳۴۹ -، مترجم
رده بندی کنگره	: PIR۳۲۵۶ ۱۳۹۴ ۹ش۱۲۱/
رده بندی دیویی	: فا۹ک۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۳۵۹۶۲

زبان کُردی

و

جایگاه آن در میان زبان‌های جهان

نویسنده: دکتر رفیق شوانی
ترجمه: جبار میرانی

زبان کُردی و جایگاه آن در میان زبان‌های جهان

تألیف: دکتر رفیق شوانی

ترجمه: جبار میرانی

تایپ: مرکز توسعه کتاب

صفحه‌آرا: سمن (سیران) پرویزی

ناشر: کانی کتیب

ناشر همکار: شوان

شابک: 978-600-7968-22-2

نوبت چاپ: اول/۱۳۹۵

ناظر چاپ: شوان طاهری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: کانی کتیب

+۹۸ ۸۷ ۳۳۱۲۵۲۵۹

تقدیم:

این اثر که به کاهش نور چشمانم انجامید، تقدیم است به:

ـ تمام آن تلاش‌هایی که دلسوزانه مشغول استحکام سقف خانه‌ی باز زبان کُردی‌اند.

ـ به آن خانواده‌های که دور از وطن و زبان کُردی، با جگر گوشه‌هایشان به زبان کُردی سخن می‌گویند.

ـ به آن ملّت اصیل و بزرگی که در سرزمین و وطن خود از طرف بیگانگان مورد ستم واقع شده است و در برابر دیدگان دنیا سعی می‌گردد همچون ملّت‌های سرخ‌پوست آمریکایی درنده و وحشی قلمداد شود؛ شگفتا چه تلاش‌هایی که نکردند که کرد هم به همان سرنوشت دچار گردد.

رفیق شوانی
۲۰۰۷/۸/۶
هەولێر/کوی ساختمان‌های دانشکده‌ی مهندسی

فهرست

پیشگفتار مترجم

دکتر رفیق شوانی در کتاب حاضر به بحث در مورد جایگاه زبان کردی در میان تقسیم بندی‌های متفاوت از زبانهای جهان می‌پردازد. این کتاب اطلاعات بسیاری را در مورد بیشتر زبانهای جهان بویژه زبان کردی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در این پیشگفتار با الهام از ترجمه‌ی کتاب حاضر و با استفاده از اکثر موضوعات ارزشمند آن این فرضیه را مطرح می‌سازیم که زبانهای باستانی اوستایی-مادی در خانواده‌ی زبانهای ایرانی دو زبان متمایز نیستند؛ بلکه اساساً هر دو یک زبان واحد به شمار می‌آیند. علاوه بر این، فرض می‌کنیم که زبانهای کهن رشته کوه زاگرس از لحاظ پدیده‌های زبانی شامل مشخصه‌های واجی، ساختواژی و... تأثیرات فراوانی را بر صورت آغازین زبان کردی گذاشته‌اند. به این منظور استدلالها، اسناد و داده‌های زبانی و دیدگاههای تعدادی از زبانشناسان معاصر را در این خصوص به منظور اثبات دو فرضیه بالا ارائه می‌دهیم. در این راستا، به این نتیجه مقدماتی می‌رسیم که گویش‌های کنونی زبان کردی بازمانده‌ی زبان باستانی مادی- اوستایی و زبانهای کهن رشته کوه زاگرس هستند. در آغاز شایسته است به این واقعیت اشاره کنیم که از دیدگاه زبانشناسان، زبانهای کردی و فارسی هر دو به یک ریشه یعنی خانواده زبانهای ایرانی در مجموعه‌ی هندوآریایی برمی‌گردند. به علاوه، همانطور که پیشتر اشاره شد تأثیرات همه‌ی زبانهای ملت‌های همسایه از سومری

تا هوری و هیتی در گذر زمان بر زبان کردی آشکار است.

زبان آنچنان نقش مهمی در زندگی انسان دارد که می‌توان گفت بدون زبان زندگی به این شکل امکان ندارد و تا حدودی زیادی از جریان باز می‌ایستد. می‌توان پدیده‌ی زبان را از نقطه نظرهای بسیاری بررسی نمود. قبل از هر چیز زبان پدیده‌ای ضروری در زندگی اجتماعی است و با سنن و فرهنگ اجتماع در ارتباط تنگاتنگ است. بزرگترین نقش زبان برقراری پیوندهای اجتماعی در میان انسان هاست. همچنین از زبان به صورت آگاهانه برای ابراز اندیشه، احساس و هنر استفاده می‌شود. پژوهش در مورد این پدیده‌ی بسیار مهم انسانی چندین مرحله‌ی پیش از علم را طی کرده است ولی هم اکنون هم به طور مستقل به عنوان یکی از دانش‌های انسانی در دانشگاه‌ها جایگاه سزاوار خویش را تثبیت نموده است. زبان همراه با متغیرهایی همچون نژاد، مذهب، سنن اجتماعی و فرهنگی و غیره، هویت و شناسنامه‌ی هر ملتی را تشکیل می‌دهند. در این راستا زبان یکی از اساسی ترین اسباب تشکیل دهنده‌ی هویت هر ملتی است. در این مسیر شناخت و معرفی زبان کُردی به شیوه‌ای علمی و بر اساس اصول زبانشناسی و تاریخی وظیفه‌ای بس خطیر است و به تلاش بیشتر فرهیختگان این حوزه نیاز دارد.

تعدادی از شرق شناسان به دلایل خاص خود زبان و فرهنگ ما را مطالعه کرده اند. برخی از اندیشمندان داخلی هم در این رابطه قلم فرسایی کرده‌اند و می‌توان گفت که افتخاری بس بزرگ است که کتابخانه‌ی کُردی بر اثر تلاش‌های این بزرگان هر روز بیشتر از پیش غنی می‌گردد و زوایای آشکار و پنهان آن روشن تر میشود. بنابراین پیشگفتار حاضر با توجه به کتاب کنونی نگاهی اجمالی به تاریخ زبان کُردی دارد.

قبل از هر چیز بحث را با داستانی از قرآن کریم آغاز می‌کنیم که در سایر ادیان

آسمانی هم وجود دارد و آن هم داستان شگفت انگیز طوفان نوح است. بر اساس این داستان بعد از طوفان هیچ انسان و موجود زنده‌ای به جز حضرت نوح و همراهانش بر روی زمین نماندند. بر اساس آیه‌ی (واستوت علی جودی ۱۱، ٤٤) کشتی نوح بعد از طوفان بر سر کوه جودی در استان شرناخ در شمال کُردستان آرام گرفت. با توجه به این داستان می‌توان گفت کُردستان دومین لنگرگاه و گهواره‌ی بشر بر روی زمین به شمار می‌رود و برای بار دوم پس از آخرین عصر یخبندان زندگی انسانها مجدداً شکوفا می‌شود و به سرزمین‌های دیگر هم انتشار می‌یابد. این داستان ما را به نتیجه‌ای اولیه می‌رساند که زبان مردمان این سرزمین، زبان آغازین و منشاء زبان‌های دیگر است. با این همه زمان و مکان داستان طوفان به اعصار بسیار کهن بر می‌گردد و نمی تواند همچون پشتوانه‌ای علمی برای تائید کُرد بودن حضرت نوح و قومش نگریسته شود.

با این حال منطقی تر آن است که بنابر اسناد تاریخی منشاء زبان کُردی را قبل از ورود آریایی‌ها به فلات ایران در میان ملل کهن رشته کوه زاگرس جستجو کنیم. این ملت‌ها یکی پس از دیگری و یا همزمان در این سرزمین فرمانروایی کرده‌اند و بر اساس اصول زبانشناسی مقایسه‌ای یا تاریخی می‌توانیم آثار این زبان‌ها را بر روی کُردی معاصر مشاهده و مطالعه کنیم. دکتر رفیق شوانی نمونه هایی از وجود واژگان این زبان‌ها را در زبان کُردی امروزین آورده است. این زبان‌ها از نظر وجود واژه‌های مشترک و مشابه و همچنین مشخصه‌های آوایی متغیر با زبان کُردی پیوند دارند. پس با توجه به این روابط شایسته است زبان کُردی را همچون زبانی زاگرسی در نظر بگیریم؛ زیرا نام زاگرس در نزد کُردها رفیع و گرامی و سند اصالت و جایگاه شکوفایی فرهنگ کُردها در طول تاریخ است. پدیده‌ی تبدیل آواهای (ه، خ، س، ش) به همدیگر در کُردی کنونی همسان با آن زبانها مشاهده

می‌گردد مانند تبدیل کاسی به کاشی و خوزی به هوزی. همچنین دکتر شوانی تعدادی از واژه‌های موجود در زبان کُردی را باقیمانده‌ی واژگان زبانهای زاگرس نشینان باستان دانسته است. برای نمونه، واژه‌های که نیشک، گه‌ل، شار، گوان، یه ک، شه ش، که ورگ، هیلانه ی را سومری؛ واژه‌های ئاوی بل و بوم را لولویی؛ کویخا، سه‌ریاس، ئاسوَ، ئاسن، ماسی، ئاگر، هوز و خیزان را کاسی؛ خور و ئیسک و وه‌رد را هیتی دانسته است. با این همه، مقایسه و مقابله‌ی واژه‌های آن زبانها با کلمات گویش‌ها و گونه‌های متنوع زبان کردی اکنون به تلاش بیشتر با در نظر گرفتن اصول زبانشناسی در زمانی نیاز دارد.

زبانشناسان زبانهای ایرانی باستان را به چهار زبان سکایی، فارسی کهن، مادی و اوستایی تقسیم می‌کنند. می‌دانیم که بعد از ورود آریایی‌ها به فلات ایران، مادها در غرب، پارس‌ها در مرکز و جنوب، و پارت‌ها در شرق اسکان گزیدند. زبانشناسان همچنین زبان کردی نوین را زبانی شمال غربی متعلق به خانواده‌ی ایرانی مجموعه غربی هندوآریایی به شمار می‌آورند؛ ولی آنها زبان فارسی را زبانی جنوب غربی وابسته به خانواده‌ی زبانهای ایرانی در مجموعه‌ی زبان هندو آریایی می‌دانند. هر کدام از این دو زبان با وجود اشتراکات دارای ویژگیهای خاص آوایی ، واجی، نحوی، ساختواژی و معنای خود هستند مثلاً دو واج (ل) و دو واج (ر) در کردی و تنهای یک واج (ل) و یک واج (ر) در فارسی وجود دارند؛ آواهای (ز، د، و) هم در زبان فارسی به (ژ، ی، م) در زبان کردی قابل تبدیل هستند. بر اساس کتاب حاضر، زبان کردی از چهار گویش عمده شامل کرمانجی شمالی، کرمانجی مرکزی، کردی جنوبی و گورانی-زازایی تشکیل می‌شوند.

از اینها گذشته، برای جستجوی ریشه تاریخی زبان کردی نمی توان زرتشت و اوستا را نادیده گرفت. در زمینه‌ی زمان و مکان تولد و زندگی زرتشت پیامبر

آریایی‌ها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، ولی غالب تاریخ دانان بر این باورند که زرتشت در غرب فلات ایران به دنیا آمده و در همانجا به تبلیغ و گسترش آیینش مشغول شده است. سرزمینی که زرتشت در اوستا آنرا توصیف می‌کند تنها با محل اسکان مادها تطابق دارد. بعداً مادها با ملل زاگرس نشین ادغام و متحد شدند و به گسترش قلمرو قدرت و نفوذ خود در پستی و بلندی‌های دشت‌ها و کوهستان زاگرس پرداختند تا جایی که توانستند امپراتوری قدرتمند آشوریان را نابود کنند. بنابراین به احتمال زیاد و تحت تاثیرات متقابل زبان‌های ملل زاگرس نشین و مادها گویش نوینی ایجاد شد که زرتشت اوستا را با آن سرود. تفاوت اوستا با پارسی باستان و عدم تطابق زمان و مکان سرودهای اوستا با عصر هخامنشیان فرضیه‌ی درستی یکی بودن زبان اوستایی مادی را بیشتر تقویت می‌کند. در این زمینه بنا به نظر تدسکو و لامیه دو زبان باستانی ایرانی وجود دارد که یکی از آنها پارسی کهن، زبان هخامنشیان، و منشاء زبان فارسی نوین است و دیگری اوستا است که تا کنون منشاء ملی و زبان نوین آن آشکار نشده است (محمدپور: ١٣٧٦). به علاوه، با توجه به " کتاب راهنمای زبانهای ایرانی" وجود مشخصه‌های آوایی نسبتاً مشترک و مشابه در مادی و اوستایی مانند **sp**، **dz**، **ts**، **rΘ (1386:156)** و تفاوت بسیار آنها با پارسی باستان ایرانی استدلال دیگری بر فرضیه‌ی اوستایی بودن زبان مادها و یکسانی زبان اوستایی-مادی باستان است. از لحاظ زمانی-تاریخی هم اکثر تاریخ نویس‌ها تاریخ مهاجرت آریایی‌ها را به فلات ایران بین سال‌های ١٠٠٠ تا ٧٠٠ ق.م و زمان زندگی زرتشت ٦٦٠ تا ٥٨٣ ق.م می‌دانند که تاریخ زندگی زرتشت با زمان زمامداری مادها یعنی ٧٥٠ تا ٥٥٠ ق.م مطابقت دارد. اضافه بر این همه، محمدپور (١٣٧٦) برای حمایت از فرضیه شباهت اوستایی و مادی و منشأ زبان کردی دانستن آن نقل قولهای را از بزرگانی همچون

ملک الشعرای بهار، معین، پورداد، کمال مظهر و محمد امین هورامی می‌ذکر می‌کند. در این رابطه می‌نویسد که معنی و صورت تعدادی از واژگان و بویژه تمایز مذکر و مؤنث در اسم فاعل و مفعول هورامی همانند اوستایی است. او در ادامه نیز می‌نویسد که دارمستر فرانسوی هم با اطمینان بسیار اوستایی و مادی را یکی می‌پندارد و و اظهار داشته که زردشت خود کرد بوده و به شیوه‌ی مردمان این منطقه سخن گفته و لباس پوشیده است.

زبان کردی بعد از دوره‌های مذکور با گذر زمان تغییرات زیادی در آن اتفاق افتاده است. در این خصوص، کامران رحیمی (۱۳۸۷:۴۳،٤٤) بر اساس دیدگاه‌های دانشمندانی مانند دکتر احسان یارشاطر و دکتر ازکایی می‌نویسد که علاوه بر زبان رسمی پهلوی شمالی و جنوبی، پهلوی غربی هم در مادستان رایج بوده است که تاریخ دانان به آن گویش فاله وی گفته اند. آنها همچنین خاطر نشان ساخته‌اند که نباید زبان کردی و گویشهای آن را متمایز از فاله وی و ریشه این زبان را متفاوت از مادی بدانیم. همچنین در حمایت بیشتر از ادعای فوق یکی از زبانشناسان برجسته‌ی معاصر به نام دکتر غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۸۰:۳۸۹) با مقایسه‌ی داده‌های واژه‌های امروزی کردی ایلامی و گویش فاله وی دوران ساسانی به این نتیجه می‌رسد که هفتاد و یک درصد آنها با هم شباهت دارند. اضافه بر اینها، ارتباط موبدان و مغان یعنی مبلغان آئین زردشتی در طول تاریخ با مادها حتی بعد از دوران حکومت مادها برای تاریخ نویسان مسئله‌ای آشکار است. در گذر تاریخ، غالب ملت‌های پیرامون هم برای اشاره به سرزمین کنونی مادها واژه‌های ماد، ماه ، مار، ماد کوچک و بزرگ را بکار برده اند. بعلاوه، دکتر موکریانی(۲۰۰۲:۱۲۳) سند دیگری را در اثبات ادعای همسانی کردی و مادی- اوستایی از نوشته‌های متعلق به اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم میلادی به زبان

مادی یاد می‌کند که نمونه‌ای از آن دست-نوشته‌ای کلیسایی گویش کرمانجی با الفبای آلبانی تحت عنوان زبان مار یا ماد به شکل زیر است:

Pakez xode, pakez zahm, pakez vemark, koj hat i xace eskerme, rahmat e ma.

ایشان در ادامه به نقل از شیخ ابوبکر احمد بن وحشیه النبتی: وفات ۸۲۱ م، در اثر (شوق المستهام فی المعرفه رموز الاقلام) از گونه‌ای زبان خاص کردی نوشتاری سخن می‌راند. هم چنین وی از دو نویسنده به اسامی (بینوشاد و ماسی السوراتی) نام می‌برد که اطلاعاتی راجع به کتاب‌ها و ادبیات کردی گردآوری والفبای خاصی را هم برای زبان کردی ابداع کردند.

در نتیجه‌گیری پیشگفتار حاضر بر کتاب دکتر شوانی بنابر استدلاهای فوق، دلایل تاریخی و همچنین اصول زبانشناسی مقایسه‌ای یعنی قواعد کلی و طبیعی ترین شکل تغییر، اشتراکات وشباهت‌های حاصله در واژه‌های بنیادین، میتوان به این نتیجه اولیه دست یافت که گویشهای زبان کردی امروزین به زبان اوستایی-مادی آمیخته با زبانهای ملل کهن زاگرس نشین بر می‌گردند. طبیعی است که زبان کردی معاصر همان زبان مادی-اوستایی باستانی نباشد؛ بلکه، تحت تأثیر زبانهای ملل حاکم و ساکن در پیرامون سرزمین کردها در گذر تاریخ به چهار گویش و گونه‌های متعدد تبدیل شده باشد.

در پایان لازم به توضیح است که که این پیشگفتار سرآغازی کلی در مورد زبان کردی بر اساس کتاب کنونی است و برای تبیین و حمایت بیشتر از بحثهای مذکور، مطالعات بیشتر و ارائه‌ی اسناد محکمتر ضرورت دارد. پیشتر از این، به دنبال تحولات خاورمیانه و تأثیرات آن بر آموزش به زبان کردی در بخشهای دیگر و هم چنین بر آشتی و ایجاد فضای بازتر در شمال، کثرت گرایی و آزادی بیشتر در جنوب، و انقلاب و خودگردانی دموکراتیک در غرب کردستان (روژئاوا)،

اکنون و ظیفه‌ی روشنفکران، دست اندرکاران و قانونگذاران ماست که به فکر آموزش و تدریس این زبان دیرین در زادگاه مادری خویش باشند که خوشبختانه به تازگی شاهد شروع این راه هستیم. در پایان از کلیه خوانندگان گرامی کتاب حاضر تقاضا دارم که پیشنهادات ارزنده‌ی خویش را به پست الکترونیک بنده ارسال فرمایند.

Email: jabarm40@gmail.com

علاوه بر کتاب حاضر از منابع زیر نیز در این مقدمه استفاده شده است:

فارسی:

۱- دولت خواه، جلیل، ۱۳٦٤، *اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان، انتشارات مروارید، تهران*

۲- روودی‌گر، اشمیت،۱۳۸٦، *راهنمای زبان های ایرانی، جلد اول، مترجمان آرمان بختیاری و... چاپ شمشاد تهران*

۳- کریمی‌دوستان، غلامحسین، ۱۳۸۰، *کوردی ایلامی (بررسی گویش بدره ای)*، دانشگاه کردستان، سنندج

٤- محمدپور، عادل،۱۳۷٦، *«گویش هورامی و تغییرات تاریخی آن» گواری ئاوینه، ژماره ی ۳۵-۳٤*

کوردی:

۱- ره‌حیمی، کامران، ۱۳۸۷، *بنه‌ماکانی وشه سازی، مجمع علمی زبان کوردی، نشر گوتار، سه قز.*

۲- موکریانی، کوردستان، ۲۰۰۸، *سه‌رده‌مه‌کانی زمانی کوردی و ...* بلاو کراوه‌کانی ئاراس، هه‌ولیر

۳- حه‌وته نامه‌ی سوران، ۱۳۹۰، *ژماره‌ی ۲، تایبه‌ت به پاریزگای کرماشان. کرماشان*

مقدّمه

از نظر زبان و نژاد، ریشه‌ی ملّت کرد به ملّت‌های سومر، ایلامی، لولویی، گوتی، کاسی، اوراتویی و سوبارتو و هیتی بر می‌گردد. منابع زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی به ویژه کُردی از نظر کلمات مشترک، امری نظیر این مطلب را ثابت کرده‌اند و از این نظر ده‌ها نمونه در دست است.

این ملّت‌ها در مناطق مختلف کُردستان در کوهپایه‌های زاگرس زیسته‌اند. برای مثال، لولوبی‌ها در منطقه‌ی «شهرزور» و «زهاب»، گوتی‌ها در دشت‌های قشلاق کرکوک و حومه، اوراتوی‌ها در اطراف دریاچه‌ی «وان» و [کوه] «آرارات»، و کاسی‌ها در غرب ایران سکونت داشته‌اند. بعدها به علّت تغییرات تاریخی و ظهور دولت ماد، همه‌ی این ملّت‌ها در درون ملّت بزرگِ ماد ادغام گشته و به یک ملّت تبدیل شده‌اند. همچنان که پیش‌تر ذکر شد، همه‌ی این اقوام خاستگاه مردمی هستند که اکنون در کُردستان وجود دارند، در دامن زاگرس زندگی می‌کنند و در آنجا که سرزمین اجدادیشان است، به رشد و بالندگی ادامه می‌دهند.

این ملّت‌ها به سبب گسترش قدرت ماد، با آنها ادغام گشتَند و به مردم یک سرزمین تبدیل شدند. شایان ذکر است که این ملّت‌ها در تغییر و تحوّلات تاریخ، دورانی را به خود اختصاص داده و در یک دوره‌ی تاریخی می‌زیسته‌اند. تشکیل دولت ماد نتیجه‌ی از بین رفتن حکومت آن‌ها بر همان سرزمین‌ها بوده است.

اگر به این ملّت‌ها و زبانشان نام «ملّت‌های زاگرس» اطلاق گردد، شایسته است؛ چراکه همه‌ی آن‌ها در آنجا متولّد و ساکن و در معرض رشد و دگرگونی واقع

شدند. بنا بر این، مشترکات زبانی، فرهنگی، و تاریخی در میان آن‌ها وجود داشته است.

بعد از این ملّت‌ها، مرحله‌ی دیگری از تاریخ این منطقه آغاز می‌گردد که عبارت است از: ظهور مادها و دولت آنان در پایان قرن هشتم پیش از میلاد تا اوایل نیمه‌ی دوم قرنِ ششم قبل از میلاد (۷۷۰ ـ ۵۵۰ ق م). آن‌ها بزرگ‌ترین دولت یا امپراتوری را تشکیل دادند و زبانشان جانشین همه‌ی آن زبان‌ها گشت.

بر اساس یک نظریه، اگر «اوستایی» زبان «مادی» نباشد، بی‌تردد گویشی از آن زبان است. ذکر این نکته‌ی مهمّ ضروری است که به دنبال از بین رفتن عصر ملّت‌ها و زبان‌های زاگرسی، دوره‌ی زبان‌های ایرانی اوستایی و مادی در سرزمین آریایی‌ها و همراه با ملّت‌های دیگر آریایی آغاز گشت و خانواده‌ی زبان‌های ایرانی ظهور کرد.

بعد از نابودی دولت ماد و به‌ویژه بعد از توطئه‌ی تقسیم کُردستان در میان چند کشور با زبان‌های متفاوت همچون فارسی، عربی، تُرکی، آذری و حتی روسی، زبان ملّت کرد در کُردستان تحت تأثیر زبان‌های ملّت‌های حاکم بر سرزمین کُردها قرار گرفته است.

هر یک از این ملّت‌ها به آرامی در پی نابودی زبان کُردی بوده‌اند. در این راستا بعد از نابودی مادها و به حکومت رسیدن ملّت‌هایی همچون یونانی، ایلامی، و بابلی، نوبت به ورود لشکریان اسلام به این سرزمین و اشغال آن رسید که اولین اقدام آن‌ها سوزاندن کتاب اوستای زردشت بود. آنچه را که برای خویش مفید یافتند، بُردند، از آن استفاده کردند، و زیربنای تمدّن و حکومت خویش را با آن پایه‌گذاری کردند. تمدّن کُردها پیش‌تر از تمدّن آن‌ها طلایه‌دار تشکیل دولت، دانش کشاورزی، و کاشت بذر بوده است.

بنا بر این، بعد از نابودی مادها تا روزگار کنونی، سرزمین کُردها تحت

حاکمیّت آنها است. آن‌ها با هدف تحقیر و عقب نگه داشتن کُردها، نام و آوازه‌ی زشت را به زبان و فرهنگشان نسبت می‌دهند و حتی تلاش کرده‌اند آن را از چشم ملّت خود نیز بیندازند و خوار بشمارند. اما همه‌ی ملّت‌ها، حاکمان و روشنفکران آن‌هایی که سرزمین کُردها را اشغال کرده‌اند بدانند که کُرد در تمدّن آنها همکار و شریک است. برای نمونه، اگر کُرد نمی‌بود تُرک‌ها نمی‌توانستند جمهوری ترکیه را تأسیس کنند و در شرق قدرت برتر باشند. در جنگ میان صفوی و عثمانی نیز کُرد در داخل ایران یار و یاور ایرانیان بود. تمدّن عرب و اسلام هم اگر دارای چهار پایه‌ی اصلی باشد، بی‌تردید کُرد یکی از پایه‌های آن است. کُرد در زمینه‌های گوناگون علمی، ادبیات، زبان، دستور و نقد ادبیِ عربی، پیشگام بوده است. برای مثال، اولین دستورنویس عربی ابن‌الحاجب،اولین ناقد عربی، ابوالقاسم آمِدی و چندین شاعر بزرگ و پیشگام زبان عربی همچون بیتوشی،عباس محمود العقاد، احمد امین، احمد شوقی، رصافی و زهاوی کُرد بوده‌اند.

از همه مهم‌تر، اگر کُرد نمی‌بود، اعراب اکنون دارای ۲۲ دولت نبودند. اسلام هم به شکل کنونی نبود و در برابر صلیبیان پیروز نمی‌شد. به رهبری صلاح‌الدین ایوبی کُرد بود که پیروزی پایدار برای اسلام، زبان عربی، فرهنگ و سنن عربی - اسلامی به دست آمد.

با این همه، آن‌ها اکنون همه‌ی این خدمات را فراموش کرده‌اند و در عوض به ملّت صلاح‌الدین نه تنها به دیده‌ی احترام نمی‌نگرند، بلکه او را تحت نام کُرد به رسمیّت نمی‌شناسند و صلاح‌الدین را به عنوان قهرمان ملّت عرب و اسلام عربی می‌شناسند. آن‌ها نه به وجود کُرد معتقدند و نه هیچ حقی را برای کُرد خواهان‌اند.

به هر حال، این سخنان بخشی از تاریخ است. در واقع کُرد باید فعّالانه پاسخ تمام این ستم‌های تاریخیِ روا داشته شده را در حقّ خود را بدهد و به دنبال روشن کردن واقعیّت‌های تاریخی از انحرافات موجود باشد.

کتاب حاضر، تلاشی در راستای پاسخ به پرسش‌هایی در مورد آصالت زبان کُردی است و جایگاه آن را در میان زبان‌های دنیا از نظر مکان جغرافیایی، یعنی کُردستان و دیگر جنبه‌ها همچون: دستور زبان، ارتباط خویشاوندی و شباهت زبان‌شناختی، رشد و شکوفایی، ریشه و اصالت باستانی، مکان پیدایش و رد زبان آغازین آن در میان ملّت‌های دیرین مشخّص می‌کند. تاریخ اصالت و ارتباط این زبان با زبان‌های دامنه‌ی رشته‌کوه زاگرس حداقل به هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، یعنی دوران سومری‌ها در سرزمینی به نام سومر در بین دجله و فرات بر می‌گردد.

متأسفانه آثار کمی در باره‌ی زبان کُردی و به ویژه ارتباط تاریخی آن با زبان‌های زاگرس‌نشینان ـ که اساس و ریشه‌ی آن را تشکیل می‌دهند ـ نوشته شده است.

پژوهش‌های امروزی زبان کُردی بیشتر مربوط به حوزه‌ی دستور زبان است؛ نه تعیین شناسنامه‌ی تاریخی آن. کتاب حاضر، مشخّصات زبان کُردی، و جایگاه آن را در میان زبان‌های دنیا، اعم از خانواده‌ی زبانی و مجموعه‌ی زبانی خود مشخّص می‌کند. در کتاب کوشش شده است زبان کُردی از نظر ساخت واژه، نحو و آواشناسی، در میان گروه زبان‌های مربوط به خود دسته‌بندی شود. این زبان از لحاظ تعداد واج‌ها در ردیف زبان‌های ۳۷ واجی قرار دارد.

نوشته‌ی حاضر زبان کُردی را براساس جدیدترین تقسیم‌بندی زبان‌های دنیا طبقه‌بندی می‌نماید و تلاش می‌شود مجموعه‌ی زبانی را با چندین شیوه و رویکرد متفاوت مانند خویشاوندی، ارتباط زبان‌شناسی، شکوفایی زبانی، همانندی ریشه‌ی کلمات، و دستور مشخّص سازد و با استفاده از نقشه و نمودار تقسیم زبان‌ها را آسان‌تر کند تا خواننده سریع‌تر و بهتر آن را درک نماید.

در پایان امیدوارم با این کار در راستای بالا بردن دیوارِ خانه‌ی بازِ زبان کُردی کمکی کرده باشم. این برای من شادی‌آور و آرام‌بخش است.

تعریف و تعیین جایگاه زبان کُردی در میان زبان‌های دنیا

زبان انسان پدیده‌ی زنده‌ی (۱) اجتماعی، موهبت ذاتی ارزشمند و بحث برانگیز است(۲). زبانَ از بامداد حیات انسانی به وجود آمده است، و به سبب آن، اجتماع و ارتباطات انسانی شکل گرفته‌اند. روز به روز هم این پدیده‌ی ارتباط‌دهنده‌ی اجتماعی با تغییر و نو شدن زندگی، در حال رشد و پویایی است، تغییر می‌کند، شکوفا می‌شود، بخش‌های آن تازه و به‌روز می‌گردد و کارکردهای مشترکی را در جوامع متفاوت بر عهده دارد (۳).

زبان، وسیله و ابزار خلّاقی است که انسان اکتساب کرده است و هرگز نمی‌تواند آن را کنار بگذارد؛ زیرا به کمک زبان می‌تواند نیازهایش را بر آورده سازد که ارضای آن‌ها بدون زبان به طور کامل برای وی میّسر نیست.

زبان اهمیّت بسزایی در تبیین نقش موضوعات تأثیرگذار در جامعه‌ی انسانی دارد. از این رو مایه‌ی تفکّر است. به همین خاطر، کاربران زبان، برای یافتن اجزاء، مفاهیم و روابط آن، و نیز مفاهمه با همدیگر و رفع ابهام در تلاشند تا سیستم زبان را تعریف کنند و رازهای آن را بگشایند تا بر روش تعیین ویژگی‌ها، قواعد و دستورها، و تحلیل تکوین آن دست یابند (٤).

بدیهی است که تحقیق در مورد زبان اهمیّت شایانی دارد؛ به‌ویژه اگر در باره‌ی زبانِ ملّتِ ستمدیده‌ی هزاران ساله‌ای باشد که برای تحقیر آن از طرف دشمنان اشغالگرش، ده‌ها و صدها لقب بد را یدک می‌کشد، بر اهمیّتش افزوده می‌گردد.

گویا زبان کُردی، زبان اجنه یا شاخه‌ای از زبانی دیگر است تا بدین وسیله بتوانند آن را از چشم مردم خویش نیز بیندازند و به آن به عنوان زبانی مجزا و مستقل، و ملّتی مستقل نگریسته نشود.

در این بحث تلاش می‌شود با زبان کُردی از نقطه نظری متفاوت آشنا شویم و جایگاه و ویژگی‌های آن را در میان زبان‌های دنیا مشخّص کنیم.

زبان‌شناسان زبان‌های ملّت‌های جهان را به چند خانواده‌ی زبانی تقسیم کرده‌اند. چند ویژگی و خصوصیّت مشترک همانند ریشه و منشأ، دستور، و اصول تکوین زبان این ملّت‌ها را به هم پیوند می‌دهد(۵). جدیدترین پژوهش‌ها در مورد ریشه و جایگاه زبان بر اساس قاره‌ها است(٦) که البته طبقه‌بندی مر ... نیست؛ زیرا بر اساس خویشاوندی زبانی نیست. به علاوه، زبان‌های متفاوت هم، در یک منطقه وجود دارند.

بر آن هستیم که دیدگاه زبان‌شناسان را برای تقسیم‌بندی زبان‌های جهان بر اساس هر یک از عناصر ریشه و منشأ، دستور زبان، روش تکوین، نظام ترتیب اجزای کلام، و جایگاه زبان‌ها توضیح دهیم و سپس ویژگی‌ها و نمونه‌هایی از آن‌ها را در خانواده‌های زبانی مختلف نشان دهیم.

بعضی از دانشمندان زبان، زبان‌ها را به چند خانواده بر اساس ریشه و منشأ تقسیم‌بندی می‌کنند. در این روش، اعضای هر خانواده بر طبق ارتباط خویشاوندی و شباهت زبان‌شناسی از لحاظ ریشه‌ی کلمه، ساختار دستور، و ساخت واژه طبقه‌بندی می‌گردند(۷). بر این مبنا، هر خانواده‌ی زبانی از چند ملّتکه به آن زبان سخن می‌گویند، تشکیل می‌شود که از ملّت‌ها و جوامع انسانی متفاوت به وجود می‌آیند و از لحاظ منشأ، به یک ملّت یا به ملّت‌های نزدیک به هم بر می‌گردند و مجموعه‌ای از ارتباطات جغرافیایی، تاریخی، و اجتماعی در میان آن‌ها وجود دارد.

معروف‌ترین انگاره‌ای که زبان را بر اساسِ «خانواده‌ی زبانی» تقسیم کرده باشد، انگاره‌ی ماکس مولر است که زبان ملّت‌ها را به سه خانواده‌ی زبانی تقسیم کرده است:

ـ خانواده هندو اروپایی   ـ خانواده حامی   ـ خانواده تورانی

این تقسیم‌بندی بر اساس شباهت خویشاوندی است.

انگاره‌ی ماکس مولر چند اشکال است؛ زیرا شامل همه زبان‌های دنیا یا هم خانواده‌های زبانی نمی‌شود و در بر گیرنده همه‌ی زبان‌های ملّت‌های جهان نیست. برای مثال، به خانواده‌ی زبانی ملّت‌های چینی و تبتی و زبان و ملّت‌های وابسته به این خانواده اشاره نکرده است، علاوه بر آن زبان‌های ساکنان سرخ پوست آمریکایی، زبان‌های سیاهان آفریقا و استرالیا را نادیده گرفته است.

قبل از آنکه جایگاه زبان کُردی را در میان این خانواده‌های زبانی مشخّص سازیم لازم است روشن کنیم که آیا کاربرد عبارت خانواده‌ی زبانی هندو و اروپایی در مقابل عبارت مجموعه آریایی که منشأ و مبدأ خانواده‌ی زبانی ایرانی، هندی، و اروپایی و هیتی می‌باشد صحیح و درست است؟ (۸)

این سؤال نیازمند پاسخی علمیاست. عبارت آریایی دارای دامنه‌ی گسترده‌ای و از نظر تاریخی نژاد است و شامل ویژگی‌های زبان‌شناسی، اجتماعی، جغرافیایی و انسان‌شناسی می‌باشد. تعدادی از ملّت‌ها و مردم مختلف وجود دارند که در منشأ و مبدأ از نظر ویژگی‌های مذکور به هم شباهت دارند و خانواده‌ی زبانی و نژادی ملّت‌های ایرانی و هند و اروپایی را تشکیل می‌دهند. هر خانواده‌ای از چند زبان تشکیل می‌شود که از یک منشأ زبانی سرچشمه می‌گیرند و دارای ویژگی‌های مشترک فراوان هستند. اما در نتیجه‌ی دگرگونیهای تاریخی ویژگی‌های زبان‌ها هم در مراحل پیاپی تاریخ تغییر کرده‌اند.

از طرف دیگر شاخه‌ها و زیر شاخه‌ها از منشأ و ریشه نشأت می‌گیرند؛ نه اینکه ریشه از شاخه و زیر شاخه سرچشمه گرفته باشد. به این دلیل آریایی به مثابه‌ی نژاد شامل تعدادی از ملّت‌ها و مردم می‌باشد؛ آریایی در بردارنده‌ی شاخه‌ی ایرانی، هندی، اروپایی و هیتی می‌باشد؛؛ زیرا اکثر سخنوران این خانواده‌ی زبانی جزء نژاد آریایی هستند و دانشمندان فقه اللغه قدیم از عبارت «زبان آریایی» برای اشاره به

آنها استفاده کرده‌اند. در حالی که زبان‌شناسان نوین از کاربرد آن احتراز کرده‌اند و به جای آن عبارت «زبان‌های هند و اروپایی» را به کار برده‌اند (۹).

اما بهتر و علمی‌تر آن است که از عبارت اساسی یعنی خانواده آری که از واژه «آریا» سرچشمه گرفته و سپس آریایی شده است استفاده گردد. همه ملّت‌های ایرانی، هندی و اروپایی فرزندان آریایی‌ها هستند که دو ویژگی مهمّ زیرآنها را به هم پیوند می‌دهد:

۱. واژه‌های مشترکی در میان این خانواده زبانی یعنی آریایی وجود دارد.

۲. از یک نژادند و در سرزمین «آریا» (۱۰) همسایه، شریک و هم وطن هم و دارای فرهنگی مشترک بوده‌اند.

بعد از این توضیح به تقسیم‌بندی ماکس مولر بر طبق مبدأ و منشأ ارتباط خویشاوندی و شباهت زبان‌شناسی زبان‌ها می‌پردازیم. بر این اساس، زبان کُردی زبانی ایرانی وابسته به خانواده‌ی آری می‌باشد و اینگونه نیست که اکنون به اشتباده می‌گویند زبان کُردی زبان هند و اروپایی است و مناسب‌تر است که بگویند زبانی «هند و آریایی» است .

در این خصوص د.فهمی اشناوی در مقاله‌ای که درباره‌ی کرد نوشته است می‌گوید، " آن کُردی که به توپ بازی فارس و ترک تبدیل شده، در منشأ انسان اصیل و دیرینی است و از آن زمان که کشتی نوح بر سر کوه جودی بر اساس قرآن آرام گرفت زبان کُردی (۱۱) منشأ زبان‌های هند و اروپایی شد که بیشتر زبان‌های آسیا و اروپا از آن سرچشمه گرفته‌اند."

در جای دیگر می‌گوید، "زبان کُردی زبان مادر و مادر زبان فارسی و زبان‌های اروپایی می‌باشد (۱۲)."

تقسیم‌بندی زبان بر اساس شباهت زبان‌شناسی و ارتباط خویشاوندی

دانشمندان زبان بر اساس منشأ، شباهت زبان‌ها، ارتباط خویشاوندی و وجود واژه‌های مشترک در میان چندین زبان مرتبط، مجموعه‌ها و خانواده‌های زبانی را شکل می‌دهند. هر چه ارتباط از نظر وجود واژه‌های مشترک و همانند و ارتباط خویشاوندی همچون شباهت سنن، عادات و میراث فرهنگی مشترک نزدیکتر باشد، خانواده‌های زبانی و ملّت‌ها مانند خانواده‌های زبانی و ملّت‌های ایرانی یا هندی، سامی، حامی یا بربری و غیره مشخّص‌تر تشکیل می‌گردد.

همچنین اگر چگونگی ارتباط خویشاوندی و شباهت زبان و ملّت به نسبت نوع اول دورتر باشد، مجموعه‌ی زبان و ملّت به جای خانواده‌ی زبان و ملّت شکل می‌گیرد. برای نمونه مجموعه‌ی زبانی ملّت‌های آریایی یا مجموعه سامی و حامی یا چینی‌تبتی هر کدام شامل چندین خانواده‌ی زبان و ملّت می‌شوند که بسیار بهم نزدیک می‌باشند. مثلاً مجموعه‌ی آری از سه خانواده‌ی زبان و ملّت مانند: خانواده زبان و ملّت‌های ایرانی، خانواده‌ی زبان و ملّت‌های هندی، و خانواده‌ی زبان و ملّت‌های اروپایی تشکیل می‌گردد. حتی میزان شباهت زبانی در میان یک خانواده هم کم و بیش متفاوت است. برای مثال، میزان شباهت کُردی و فارسی در میان خانواده‌ی ایرانی از همه‌ی اجزای دیگر این خانواده بیشتر است.

بر این اساس به صورت زیر مجموعه‌های زبانی مشخّص شده‌اند:

مجموعه‌ی زبانی آری: (خانواده‌ی ایرانی، خانواده‌ی هندی، خانواده‌ی اروپایی)

مجموعه‌ی زبانی سامی‌حامی (سامی، حامی، بربری، چادی)

مجموعه‌ی زبانی اورالی (اورالی ـ آلتایی)

مجموعه‌ی زبانی چینی و تبتی‌برمه‌ای (تبتی، برمه‌ای ـ چینی)

این تقسیم‌بندی ناقص و دارای اشکال است چون که تمام زبان‌های دنیا را در بر نمی‌گیرد. بنا بر این،، زبان‌ها را به روش‌های دیگری تقسیم‌بندی می‌کنند و هر تقسیم‌بندی که شامل بیشتر زبان‌های دنیا گردد، واقعیّتر و علمی‌تر است.

در زیر شیوه‌ی تقسیم‌بندی مجموعه‌های زبانی، خانوادهای زبان، و واحدهای زبانی وابسته به هر یکِ از آن‌ها را نشان می‌دهیم:

۱ـ مجموعه‌ی زبانی آریایی (هندوآری)

این مجموعه شامل بخش‌های زبانی است:

۱ـ بخش شرقی

۲ـ بخش غربی (اروپایی)

بخش شرقی از سه خانواده‌ی زبانی تشکیل می‌شود:

خانواده‌ی زبانی ایرانی: کردی، فارسی، بلوچی، پشتویی (افغانی)، تاجیکی، تاتی، تالشی، سغدی، اوستی، گیلکی، مازندرانی

خانواده‌ی زبانی هندی: هندی، هندو، پنجابی، بهاراتی، بنگالی، آسامی، اردو، نپالی، سینهالی، کشمیری

خانواده‌ی زبانی هیتی:

الف) ارمنی

ب) هیتی، هیتی هیروگلیفی، لوکیایی، لوتایی، لیدیایی.

خانواده‌ی زبانی اروپایی از اجزای تشکیل می‌شود:

ـ **ژرمنی:** آلمانی، انگلیسی، هلندی، (دانمارکی، نروژی، سوئدی، ایسلندی، فری: زبان‌های اسکاندیناوی)

لاتینی: فرانسوی، اسپانیولی، پرتغالی، ایتالیایی، رومانیایی، کاتالانی

سلتی: برتانی، ایرلندی، گالی، واکسی، ولشی، مانکزی، کرنشی.

سلاوی: چکی، سلواکی، روسی، لهستانی، اکراینی، بلغاری، مقدونی، صربی ـ کرواتی.

زبان‌های بالتیکی: لاتوی، لیتوانی.

زبان‌های منفرد: یونانی، آلبانی، کولی‌ها، زیگانی

۲ـ مجموعه‌ی سامی ـ حامی: سامی، حامی، بربری، چادی

۱) **سامی:** عربی، عبری، هاتی ـ امهری، سریانی، مندانی

۲) **بربری:** زبان ساکنان اصیل شمال آفریقا (لیبی، تونس، الجزایر، مغرب، صحرای الجزایر)

۳) **حامی:** سومالیایی، گالیایی، عفاری

۴) چادی: هوسائی

۳ـ مجموعه‌ی اورالی ـ آلتایی (آلتیکی):

۱) **شاخه‌ی آلتایی یا تاتاری:** ترکی، مغولی، تنوکسی، منانچو

۲) **شاخه‌ی اورالی یا جود:** چرمسی، فنلاندی، استونی، مجاری، فینی.

زبان‌های زیر هم جزء این مجموعه‌اند: ازبکی، هنگاری، قرقیزی، قزاقی (کازاکی ـ قوزاقی) بُریاتی، داگوری ـ خرچینی در شوروی و چین.

۴ـ مجموعه‌ی زبانی چینی و تبتی ـ برمه‌ای:

تبتی ـ برمه‌ای: تبتی، هانی، ایی، بائی، جونکا، برمه‌ای، لولو، کاچین.

چینی: کانتونی، فوکین، آموئی و تایوانی، اوو، یوئه، کژیـا، هاکـا، مـین، سـیانگ (چیانگ)

در ادامه، جایگاه و مکان تکلّم با چهار مجموعه‌ی زبانیِ فوق نشانداده می‌شود.

۱ـ مجموعه آری (هندوآری): موقعیّـت جغرافیـایی وسـیعی را در بـر گرفتـه است. بزرگ‌ترین زبانِ گسترش‌یافته در جهان است و تمام ساکنان اروپـا، آمریکـا، استرالیا و شمال آفریقا، جدای از بعضی ساکنان اروپا همچون باسک، فینی، مجاری و ترکی و ... و ساکنان بومی آمریکا، استرالیا، و آفریقا، که به جـز تعـداد انـدکی از آن‌ها بقیه در حال نابودی هستند، به این زبان سخن می‌گویند.

تعداد زیادی از ساکنان آسیا از جمله هندوسـتان، ایـران، کردسـتان، افغانسـتان، قفقاز میانه، ارمنستان (۱۳)، حواشی شمال و جنوب آسیا تـا پیرامـون آسـیای دور همچون سریلانکا و مولداوی با زبان‌های آری سخن می‌شوند. (١٤)

بزرگ‌ترین رویداد در محدوده‌ی این مجموعه‌ی زمانی در قرن ١٦ مـیلادی بـه وقوع پیوست که آن گسـترش زبـان‌هـای ملّـت‌هـای اروپـایی هماننـد انگلیسـی، اسپانیایی، پرتغالی، فرانسوی، در آنجا به واسطه‌ی اشغال آن از طرف اروپائیان بود. بدلیل گسترش زبان انگلیسی در استرالیا، نیوزیلند و در جنوب آفریقا، و همچنـین گسترش زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و پرتغالی در قاره آمریکا این زبان‌ها در قاره آمریکا دارای بیش‌ترین سخنور نسبت به جایگـاه اولیـه خـویش مـی‌باشـند. زبـان روسی هم به همان شکل به سـبب سیاسـت اشـغالگری تـا منـاطق سـیبری (۱۵) گسترش یافته است. از این مجموعه زبانی سه خانواده‌ی زبانی نشأت می‌گیرند:

۱ـ خانواده‌ی زبانی اروپایی

۲ـ خانواده‌ی زبانی هندی

۳ـ خانواده‌ی زبانی ایرانی

در منابع جدید (١٦) این تقسیم‌بندی زبان‌های آری به طـور مسـتند بـه چهـار

خانواده‌ی زبانی که شامل خانواده زبانی هند و هیتی هم می‌شود به شکل زیر تغییر یافت:

۱ـ خانواده‌ی زبانی اروپایی

۲ـ خانواده‌ی زبانی هندی

۳ـ خانواده‌ی زبانی ایرانی

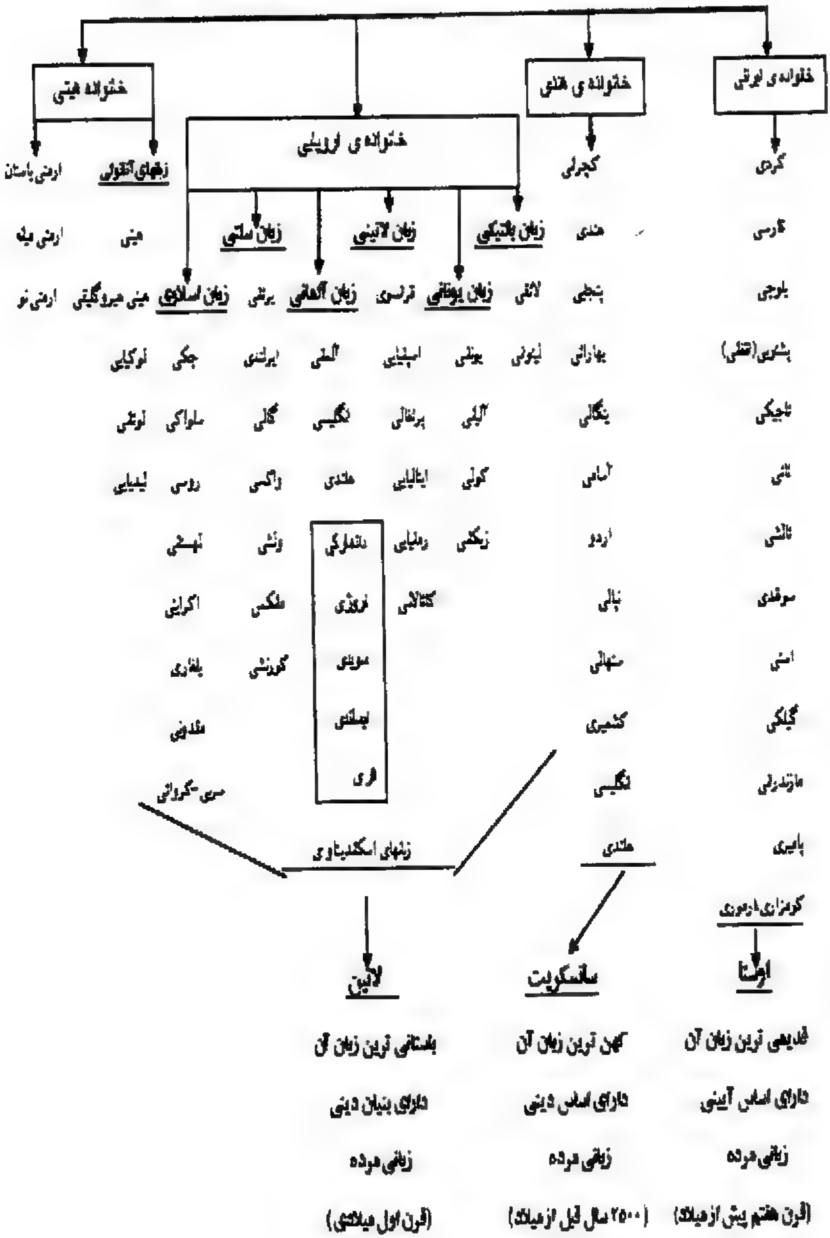
٤ـ خانواده‌ی زبانی هندوهیتی

چگونگی نام گذاری مجموعه‌ی زبانی آری یا هندوآری

این اصطلاح خانواده‌های زبانی اروپایی، هندی، ایرانی و هیتی را شامل می‌شود. نام گذاری این مجموعه زبانی به صورت هند و اروپایی نادرست است؛؛ زیرا از نظر علمی و واقعیّت تاریخی و زبان‌شناسی نام گذاری آن به شکل آری یا هند و آری صحیح‌تر است. به سبب واژه‌ی «آریا» و «آریایی»، پیشینه‌ی چندین هزار ساله‌ی تاریخی و زبان‌شناسی آن، و حتی موقعیّت جغرافیایی و اسکان خلق‌های آری نژاد در موطن «آریا»، واژه ی«آریایی» بهتر است. بعداً این واژه تغییر کرده و به «آریانا» تبدیل شده است که این اصطلاح در برگیرنده کل فلات ایران می‌باشد؛ چرا که از شرق تا رود سند و از غرب تا رشته‌کوه زاگرس را شامل می‌شود؛ واین سرزمین مردم آریایی بوده است.

پس اروپائیان به اروپا و هندیان به هندوستان مهاجرت کرده و مردم اروپایی، هندی، ایرانی، و سپس هیتی را به وجود آورده‌اند.

نمودار(۱)- مجموعه ی زبان آریایی (هندواروپایی) بر اساس شباهت زبانشناسی و ارتباط خویشاوندی



عامل علمی و مشترکی که این مردم را تحت نام یک مجموعه‌ی زبانی گرد می‌آورد و همه‌ی آن‌ها را از نظر خصوصیّات و ویژگی‌های شبیه به هم نزدیک می‌کند نام سرزمین مشترک آن‌ها یعنی «سرزمین آریا» است. اکثر منابع زبانی نشان می‌دهند که زبان ملّت‌های آری از زبان آغازین هندو منشأ گرفته‌اند و آری ویژگی مشترک همه‌ی آن زبآنها است؛ بدین سبب بهتر است به آن‌ها «مجموعه‌ی زبانی آری یا هندوآری» گفته شود.

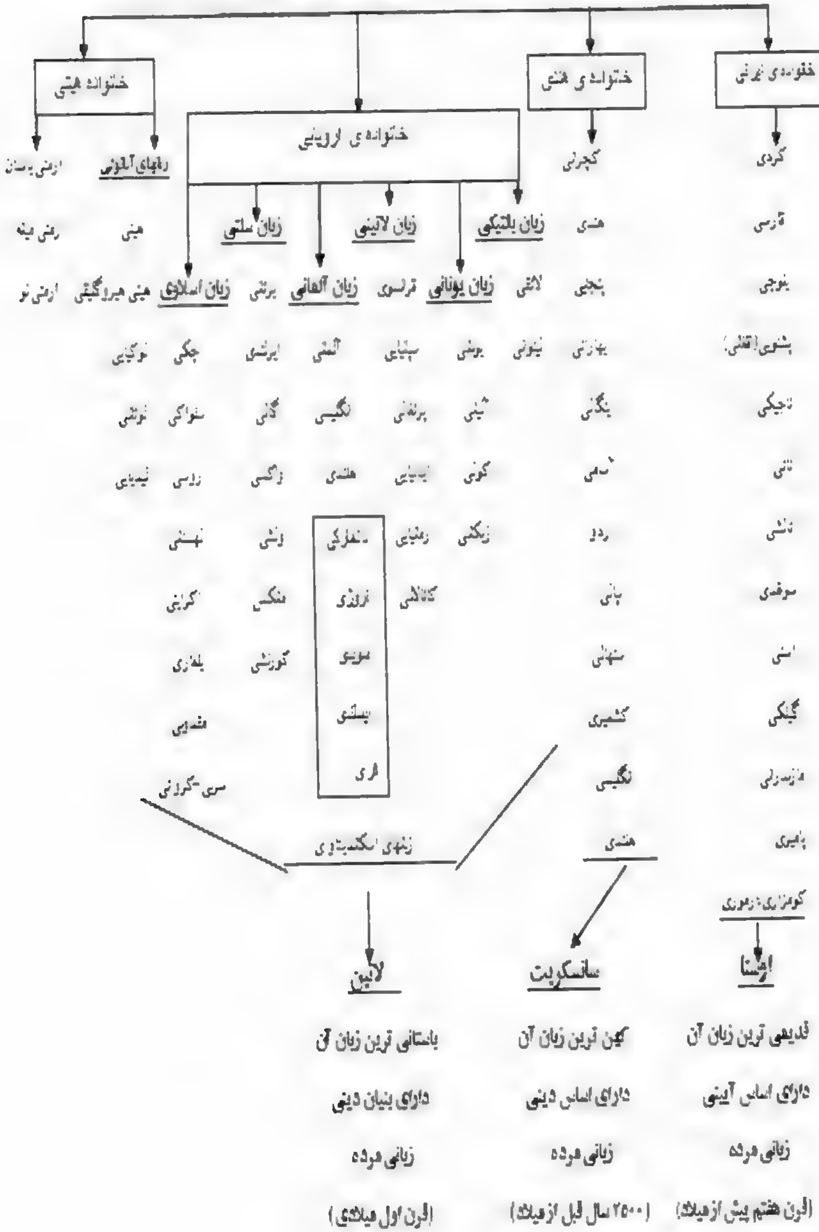
واژه‌ی هندو یعنی زبان آغازین سانسکریت منشأ زبان‌های آری است و واژه‌ی «آری» یا «آریا» به مثابه اسم تمام این مردم به شکل‌های متفاوت به کار رفته و تعمیم یافته است ازجمله: آریان، آری، آور، آتر، ایران، یران، ارومیه، (ورمی) آران، آتران، آیر، آهورا، اربیل، اربیلیوم، اوراتو، اوراتری، آرزانی، نائیری، ایروان، اردوان، آرارات، ارزنجان، ایرلند، اروپا، اورشلیم، ارمنی وغیره. سپس تکواژ جمع (ان) یا پسوند مکان (ان) به آن اضافه شده است. مانند: ایوان، هیوان، میان و آلان، خیزان، قامیشان، آریان؛ مشاهده‌ی ریشه‌ی واژه‌ی آریا در این کلمات اصالت وجود این نامها را در زبان این ملّت‌ها تأیید می‌کند.

از سوی دیگر، وجود واژه‌ی ایروان (اریوان) و ارمنی منشأ زبان ارمنی را به مجموعه‌ی زبانی آری بر می‌گرداند.

این نمونه‌ها به صورت اتفاقی وارد این زبان‌ها نشده‌اند بلکه نشانگر مبدأ و محل اسکان مشترک و همزیستی این ملّت‌ها بر روی ک یک سرزمین در روزگاران دور و دراز می‌باشند که بعدها به دلایلی چند از هم جدا شده‌اند؛ این واژه‌ها یادگار آن دوران باستانی هستند و اکنون این ملّت‌ها به آن گذشته‌ی باستانی و اصیل خویش می‌بالند.

امروزه هم واژه‌های مشترک فراوانی در میان این زبان‌ها پیدا می‌شود: مانگ، استیره، و دوو در زبان کُردی برابر با **two, Star, Moon** در انگلیسی، و ماه،

نمودار(۱)- مجموعه ی زبان آریایی (هند و اروپایی) بر اساس شباهت زبانشناسی و ارتباط خویشاوندی



عامل علمی و مشترکی که این مردم را تحت نام یک مجموعه‌ی زبانی گرد می‌آورد و همه‌ی آن‌ها را از نظر خصوصیّات و ویژگی‌های شبیه به هم نزدیک می‌کند نام سرزمین مشترک آن‌ها یعنی «سرزمین آریا» است. اکثر منابع زبانی نشان می‌دهند که زبان ملّت‌های آری از زبان آغازین هندو منشأ گرفته‌اند و آری ویژگی مشترک همه‌ی آن زبآنها است؛ بدین سبب بهتر است به آن‌ها «مجموعه‌ی زبانی آری یا هندوآری» گفته شود.

واژه‌ی هندو یعنی زبان آغازین سانسکریت منشأ زبان‌های آری است و واژه‌ی «آری» یا «آریا» به مثابه اسم تمام این مردم به شکل‌های متفاوت به کار رفته و تعمیم یافته است ازجمله: آریان، آری، آور، آتر، ایران، یران، ارومیه، (ورمی) آران، آتران، آیر، آهورا، اربیل، اربیلیوم، اوراتو، اوراتری، آرزانی، نائیری، ایروان، اردوان، آرارات، ارزنجان، ایرلند، اروپا، اورشلیم، ارمنی وغیره. سپس تکواژ جمع (ان) یا پسوند مکان (ان) به آن اضافه شده است. مانند: ایوان، هیوان، میان و آلان، خیزان، قامیشان، آریان؛ مشاهده‌ی ریشه‌ی واژه‌ی آریا در این کلمات اصالت وجود این نامها را در زبان این ملّت‌ها تأیید می‌کند.

از سوی دیگر، وجود واژه‌ی ایروان (اریوان) و ارمنی منشأ زبان ارمنی را به مجموعه‌ی زبانی آری بر می‌گرداند.

این نمونه‌ها به صورت اتفاقی وارد این زبان‌ها نشده‌اند بلکه نشانگر مبدأ و محل اسکان مشترک و همزیستی این ملّت‌ها بر روی ک یک سرزمین در روزگاران دور و دراز می‌باشند که بعدها به دلایلی چند از هم جدا شده‌اند؛ این واژه‌ها یادگار آن دوران باستانی هستند و اکنون این ملّت‌ها به آن گذشته‌ی باستانی و اصیل خویش می‌بالند.

امروزه هم واژه‌های مشترک فراوانی در میان این زبان‌ها پیدا می‌شود: مانگ، استیره، و دوو در زبان کُردی برابر با **two, Star, Moon** در انگلیسی، و ماه،

ستاره،

و دو در زبان فارسی می‌باشند. همچنین **wind ,nine** در انگلیسی برابر با باد و عدد نه در فارسی ومعادل با وا، و نو در کُردی هستند. دراوستایی مانگهه معادل ماه می‌باشد. واژه‌های گوجان، چوار، آخور، ده، که وش، در زبان کُردی به ترتیب برابر با (گاوازان، چووس، آخور، داس، که وش یا کوشیک در زبان ارمنی می‌باشند.

ویژگی‌های مجموعه‌ی زبانی آری (هندوآری)

نزدیک نیمی از مردم جهان با این مجموعه‌ی زبانی سخن می‌گویند و در گفتار روزانه آن را به کار می‌برند. خویشاوندی میان زبان‌های جزء این مجموعه کاملا آشکار است؛ با این وجود، بعضی از این زبان‌ها دارای ویژگی منحصر به فرد خویش همچون سیستم اشتقاق واژه هستند. استفاده از نشانه‌ی حرف اضافه پیشین یا پسین، جمع مکسر و غیره در میان زبان‌های این مجموعه به صورت یکسان وجود ندارد. با بررسی جنبه‌های این مجموعه‌ی زبانی ویژگی‌های زیر در آن‌ها یافت می‌شود:

۱ـ تعداد واژه‌ها و عناصر ثابت مانند: (حروف ربط، نقش نمای اضافی و حروف اضافه‌ی پیشین یا پسین) کمتر از تعداد واژه‌های صرفی همچون اسم، ضمیر و فعل می‌باشد.

۲ـ دسته‌ای ازشناسه‌های صرفی مانند علامت جمع، وشناسه‌ی فعل هنگامی که بر سر واژه‌ها بیایند معنی دار می‌شوند ولی به تن‌هایی بی معنی هستند.

۳ـ شناسه‌های صرفی امکان دارد همزمان دارای چندین نقش دستوری باشند. مثلاً نشانه‌ی (**ons**) در پایان فعل‌های فرانسوی علامت شمار اول شخص جمع و زمان است.

٤ـ این دسته از شناسه‌های تصریفی همیشه در پایان واژه دیده می‌شوند و هیچ

وقت در آغاز واژه نمی‌آیند.

۵ـ در میان زبان‌های این مجموعه، گردش واکه ایی در واژه‌های یافت می‌شود که از یک بن مشتق شده‌اند، برای مثال، در فعلهای **.sing، sang، sung** انگلیسی.

٦ـ در این مجموعه‌ی زبانی فعل تنها با توجه به فاعل صرف می‌شود و مفعول در صرف فعل نقش ندارد. برای نمونه تعداد افراد در ضمایر فاعلی متصل در جمع و مفرد بودن فعل نقش دارند. یعنی فاعل و فعل از این نظر باید با هم مطابقت داشته باشند.

۷ـ تعداد واژه‌های مستقل در جمله فراوان است، و ترتیب واژه‌ها در جمله به طور دقیق بیانگر مفهوم و حالت دستوری ویژه‌ای نیست. برای مثال، اگر بر اهمیّت واژه‌ای تاکید شودآن واژه در آغاز جمله برجسته می‌شود. صفت بعد از موصوف و متمم هم قبل از گزاره می‌آیند، اما در بعضی از زبان‌های این مجموعه برای مثال، در انگلیسی قبل از اسم می‌آیند.

۸ـ می‌توان جمله‌ی پرسشی را بدون استفاده از ضمیر پرسشی وبدون تغییر ترتیب کلمات در جمله ساخت؛ یعنی می‌توان با تغییر آهنگ جمله سؤال پرسید.

۹ـ می‌توان از یک ریشه واژه‌های متفاوت به صورت‌های گوناگون و متنوع درست کرد (۱۷)؛ برای مثال، از بن مصدر «پرسیدن» یعنی «پرسش» می‌توان واژه‌های پرس، پرسیار، پرسه، پرسگه، ده پرسم، بپرسم، پرسیومه را ساخت.

پدیده‌ی شباهت در میان خانواده‌های زبانی مجموعه‌ی آریایی

پدیده‌ی مشترک و مشابه خانواده‌ی زبان‌های مجموعه‌ی آریایی، وجود زبان باستانی هر یک از از آنها است که نشانگر کتاب مقدس و اسناد نوشتاری واقعی در تاریخ باستان و قدیم آنهااست. به این دلیل مردم آن‌ها به گذشته‌ی روشن و دیرین خود افتخار می‌کنند. آن زبان‌ها شامل سانسکریتی، اوستایی، و لاتینی به ترتیب در هر یک از خانواده‌های زبانی هندی، ایرانی و اروپایی می‌باشند که اکنون به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

سانسکریتی:

این زبان متعلق به مجموعه‌ی زبانی هند و آریایی و قدیمی‌ترین زبان هندوها در هندوستان می‌باشد. تاریخ آن به آغاز هزاره‌ی دوم قبل از میلاد بر می‌گردد. قدیمی‌ترین متن کتاب مقدس ودا با آن نوشته شده است. واژه‌ی سانسکریت به معنی «پاک»، «صاف و برگزیده» می‌باشد و پانینی، دستور دان هندی، دستور زبان آن را در قرن ۵ میلادی نگاشته شده است.

تاریخ سانسکریت باستان به (۱۰۰۰ تا ۵۰۰) سال قبل از میلاد بر می‌گردد. به صورت زبان معیار (زبان نوشتار) از طرف دانشمندان و نویسندگان به کار رفته که در سال‌های اخیر به شکل زبان گفتار توجه پژوهشگران را از نو به خود جلب کرده است. آگاهی از شباهت در ساختار زبان سانسکریت با لاتین و یونانی در پایان قرن ۱۸، دلیل اساسی گسترش تاریخ نقد می‌باشد. (۱۸)

اوستا:

قدیم‌ترین صورت زبانی خانواده‌ی ایرانی است و به عنوان منشأ زبان کُردی در نظر گرفته می‌شود که از نظر تاریخی تغییر وتحوّل یافته است. همراه با زبان مادی دارای تاریخی بسیار قدیمی می‌باشند؛ با این تفاوت که جدای از چند واژه اثری از مادی باقی نمانده است؛ در حالی که اوستا زبان کتابی مقدس و باستانی‌ترین زبان خانواده‌ی ایرانی و در دسترس دانشمندان است. این زبان از نظر دستوری بسیار قدیمی و دیرین است واز این لحاظ دست کمی از سانسکریتی و ودایی ندارد. از نظر صرف، اوستا زبانی تصریفی است که فعل، اسم و ضمیر در آن صرف می‌شوند و دارای انواع گوناگون بن اسم و فعل می‌باشد؛ چراکه بخش‌های گوناگون اوستا در دوره‌های متفاوت و در سرزمین‌های مختلف به وجود آمده است (به نظر من، آن سرزمین متفاوت همان زیستگاه زبان‌های ایرانی دوره‌ی باستان و میانه می‌باشد که بررسی‌های زند و پازند در مورد آن‌ها انجام شده است. نویسنده). بعلاوه، روشن است که این زبان یکدست نیست و دو گویش اصلی مشخَّص در آن به چشم می‌خورد. یکی از آن‌ها گویش گات‌ها و دیگری اوستا به شکل خرده اوستا یا اوستای کوچک می‌باشد. بر اساس دیدگاه نه چندان معتبری تفاوت میان بخش‌های زبان گات‌ها و بخش‌های دیگر اوستا به سبب تغییرات در نسخه برداری متن اوستا روی داده است که احتمال دارد زبان گات‌ها در زمان نسخه نویسی، زبانی مرده بوده باشد. به این سبب نگارش متن گات هارا به خود زردشت نسبت می‌دهند. به نقل از برخی از نویسندگان پارس، زردشت فعالیت خود را از سرزمین باختر باستان آغاز کرده است. امکان درستی این نظر ضعیف است و نمی‌تواند ثابت کند که تمام یا بخش مشخَّصی از اوستا در باختر (۱۹) نوشته شده است. به علاوه این برداشت که آن را زبان زندی خوانده‌اند نیز درست به نظر نمی‌رسد. زند آن زبان فارسی میانه است که اوستا را با آن شرح داده‌اند

یعنی برای تفسیراوستا در دوره ساسانی نوشته شده است تا با آن اوستا را بفهمند. در هر دوره شرحی بر اوستا نوشته شده است، مثلاً زند بعد از زردشت در مورد بخش گات‌ها نوشته شده است و پازند به منظور تشریح محتوی زند در دوران بعدی به نگارش درآمده است.

به زبان کتاب نامبرده در فارسی میانه «زبان اوستا» می‌گفتند. شایان ذکر است که ریشه‌ی زبان کُردی در میان سه زبان مقدس سانسکریتی، اوستایی و لاتینی به اوستایی بر می‌گردد و اوستا قدیم‌ترین صورت زبان کُردی می‌باشد و از این لحاظ مرحله‌ی باستانی زبان کُردی در عصر دولت ماد و زردشت در قرن ۷ قبل از میلاد محسوب می‌شود. برای تعیین جایگاه جغرافیایی زبان‌های ایرانی منابعی وجود دارند که مکان و موقعیّت مذکور در بالا را به صورت زیر مشخّص می‌کنند.

جایگاه آن در آسیای میانه، آن سوی قفقاز، و افغانستان، تمام سرزمین‌های خاورمیانه و خاور نزدیک یعنی از هندوستان در شرق تا میان دورود در غرب قرار دارد (شامل کُردستان هم می‌شود). خانواده‌ی زبانی هندی نزدیک‌ترین خانواده به زبان‌های ایرانی و سانسکریت ودایی باستانی‌ترین شکل آن است. ودا هم باستانی‌ترین کتاب و اثر ادبی هند و آریایی می‌باشد.

ویژگی مشترک زبان‌های مجموعه‌ی آریایی وجود سه زبان باستانی دارای کتاب‌های مقدس آئینی می‌باشد که زبان آئین هستند و مراسم دینی بر اساس آن‌ها انجام گرفته است؛ آن‌ها حتی زبان علمی عصر خویش نیز بوده‌اند و شامل سانسکریتی، اوستایی و لاتینی می‌باشند. به این سبب لازم است درباره‌ی آن‌ها همچون یادگارهای سه خانواده‌ی زبانی هندی، ایرانی و اروپایی سخن بگوییم.

زبان لاتینی سومین پدیده‌ی مشترک مجموعه‌ی زبانی آریایی (هند و آریایی) می‌باشد.

۳ـ لاتینی: latin

زبانی باستانی و منشأ خانواده‌ی زبانی اروپایی و شامل زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و رومانیایی می‌باشد. بدین سبب به عنوان مادر زبان‌های لاتینی و رومی نگریسته می‌شود. مردم در هزاره‌ی اول قبل از میلاد در روم و سرزمین‌های اطراف با آن صحبت می‌کردند. بعداً به دلیل وجود شرایط مناسب و زمینه‌ی لازم به زبان امپراتوری روم در تمام اروپا و خاورمیانه تبدیل شد.

زبان لاتینی در حدود قرن سوم میلادی زبان گفتار روزانه سراسر امپراتوری روم بود و سایه‌ی خود را بر سر همه شاخه‌های علمی کشانده بود. در آغاز همه شاخه‌های علمی زیر چترد تاثیر این زبان بودند. زبان آئین و حکومت در کلیسای کاتولیک بود؛ سپس علوم دنیوی و آئینی را با آن می‌خواندند و کم کم به زبان دانش‌های دیگر همانند دانش نژاد، زبان، قانون، هنر و تاریخ تبدیل شد و تا روزگار امروز از اصطلاحات و عبارات علمی آن استفاده می‌شود و از طریق آموزش و تعلیم وارد اکثر زبان‌های دنیا شده است. سپس به صورت تدریس دستور در مدارس تأثیر بسزایی گذاشته است. گونه‌ی لاتینی مسیحی هم به وجود آمد که به واسطه‌ی ترجمه انجیل به اوج رشد و شکوفایی خود رسید. نام آن ترجمه والگیت **(valgate)** بود که به طور گسترده در قرن‌های میانه انتشار یافت (۲۰).

این زبان به علّت اضمحلال قدرت کلیسا و آئین در نتیجه‌ی جدایی دین و دولت در قرن ۱۶ میلادی کم کم از گسترش باز ایستاد و محدود به چارچوب کلیسا گردید؛ ملّت‌های اروپایی زبان‌های ملی خود را به کار بردند و بتدریج کتاب‌های زبان و دستور فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی نوشته و منتشر شد. آنچه از روزگار زبان باستانی لاتینی باقی ماند اصطلاحهای علمی آن است که در تمام دنیا کاربرد دارد.

بعد از این موضوع اکنون به خانواده‌های زبانی مجموعه‌ی آریایی می‌پردازیم:

۱ـ خانواده‌ی زبانی ایرانی

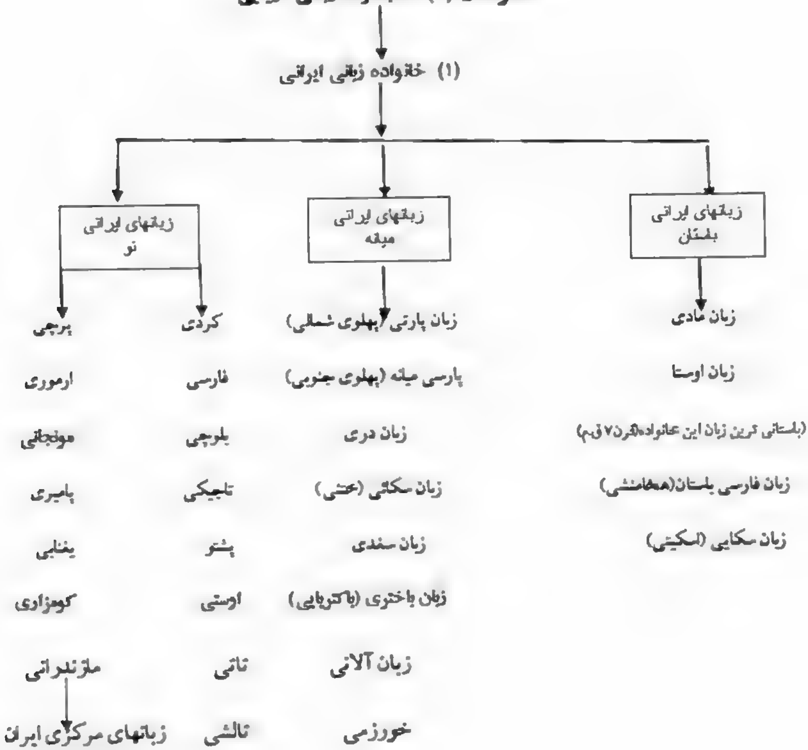
خانواده زبانی ایرانی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های زبان آریایی (هند و آری) است که حیطه‌ی وسیعی را در غرب و جنوب آسیااز هند تا سریلانکا و مالدیو در بر می‌گیرد (۲۱). آن را در سرزمین‌های کردستان، ایران، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان، تاجیکستان، گرجستان به کار می‌برند. در اطراف قفقاز هم تعدادی از زبان‌های ایرانی به کار می‌روند که هیچ کدام از آن‌ها دارای تعداد بیشتر از یک میلیون سخنور نمی‌باشند. (۲۲)

باستانی‌ترین سند نوشتاری زبان‌های خانواده‌ی ایرانی اوستا می‌باشد که با آن آئین زردشت را گردآوری کرده‌اند. تاریخچه آن به قرن (۷ قبل از میلاد) بر می‌گردد و شعار آئینی آن (پندار خوب، گفتار خوب، کردار خوب) می‌باشد و در شرق ایران انتشار یافته است. مردم آریایی به‌ویژه ایرانی و هندی به گذشته‌ی فرهنگ دینی خود افتخار می‌کنند و ایرانی‌ها آن را نماد اصالت مردم خانواده‌ی زبانی ایرانی می‌دانند. با کمال تأسف کتاب اوستا که با باستانی‌ترین صورت زبانی خانواده ایرانی نوشته شده بود توسط لشکریان یونانی، ایلامی، بابلی و بعداً هم بوسیله سپاه اسلام سوزانده شد.آنها بخش‌هایی را که برایشان سودمند بود اقتباس و شالوده‌ی تمدّن خود را با آن پایه‌گذاری کردند. در خانواده زبانی ایرانی زبان فارسی دارای متون نوشتاری رسمی در دوره‌ی حکومت پادشاهان هخامنشی می‌باشد و سنگ نوشته‌ها، بناها و قصرهای آن‌ها با زبان فارسی است.

زبان نوشتاری اکنون ملّت‌های ایرانی در ایران و عراق با تغییراتی از الفبای عربی گرفته شده است. کُردها در ترکیه و سوریه از لاتینی و در جمهوری‌های شوروی پیشین از حروف سریلیک استفاده می‌کنند.

جایگاه زبان کُردی با توجه به ارتباط خویشاوندی و شباهت زبانی جزء این خانواده‌ی زبانی می‌باشد و به دلیل ارتباط آن به موضوع بحث کنونی بار دیگر زبان‌های زیر شاخه‌ی این خانواده را نشان می‌دهیم: کردی، فارسی، بلوچی، پشتویی (افغانی)، اوستی، تاجیکی، تاتی، تالشی، مونجانی، آرموری، پرچی، پامیری، کومزاری، مازندرانی، گیلکی، زبان‌های مرکز ایران (۲۳) (بعدا" در بحث از دوره‌ی نوین زبان‌های ایرانی به کُردی و هر کدام از زبان‌های بالا می‌پردازیم).

نمودار (۲)- مجموعه زبانی آریایی



زبان‌های ایرانی بر اساس خویشاوندی از یک منبع مشترک منشأ گرفته‌اند و از نظر منشأ و ریشه و ساخت دستوری در واژه‌های اساسی با هم ارتباط دارند.

در پایان هزاره‌ی دوم و سر آغاز هزاره اول قبل از میلاد، قبایل باستانی در آسیای مرکزی و سرزمین‌های حوالی آن خود را با نام «آریا» می‌خواندند. واژه‌ی آریایی در زبان اوستا به همان شکل برای اشاره به نام قبایل ایرانی زبان به کار رفته است که به داخل ایران مهاجرت کرده یا در دشت‌های کناره‌ی دریای سیاه اسکان گزیده‌اند.

هنوز هم اسم یکی قبیله‌های آریایی و مادی، سکایی ـ سرمدی است که به آن در لاتین آلان می‌گفتند؛ در یونان باستان هم آلانوی اسم خاص رئیس قبیله‌های سکایی غرب آریانتس می‌باشد. آریارامینس در قیاس با اسم یکی از اجداد داریوش اول در یادها مانده است و پادشاهان هخامنشی قرون (٦ـ ٤ ق.م) از اقوام پارس بودند و خود را آریایی می‌خواندند.

واژه‌های گرفته شده از منشأ و اساس آریایی در باستانی‌ترین نوشته‌های ایرانی (اوستا و کتیبه‌های فارسی باستان) در میان قبیله‌های سکایی، سرمدی و مادی دیده شده است. شکل واژه‌ی ایران (**eran**) در ابتدا آریانام یا ایرانام(**airanam**) بود که بعداً به ایران (**eran**) در فارسی میانه تبدیل شده است. در فارسی معاصر هم ایران **iran** و ایرون **eron**، و در تاجیکی کنونی از واژه‌ی آریا **arya**، حالت اضافی آریانام (**aryanam**) گرفته شده است. اصطلاح زبان‌های ایرانی از این واژه‌ها گرفته شده است (٢٤).

منظور از اصطلاح فوق زبان‌های داخل مرزهای جغرافیای کنونی ایران نیست؛ بلکه همچنان که پیش‌تر اشاره شد شامل آن زبان‌هایی است که از نظر شکل، ریشه و منشأ با هم شباهت دارند و بازمانده‌ی تغییرات در زبان‌های باستانی ایران و و گسترش زبان‌های ایرانی نو هستند.

۲ـ خانواده‌ی زبانی هندی

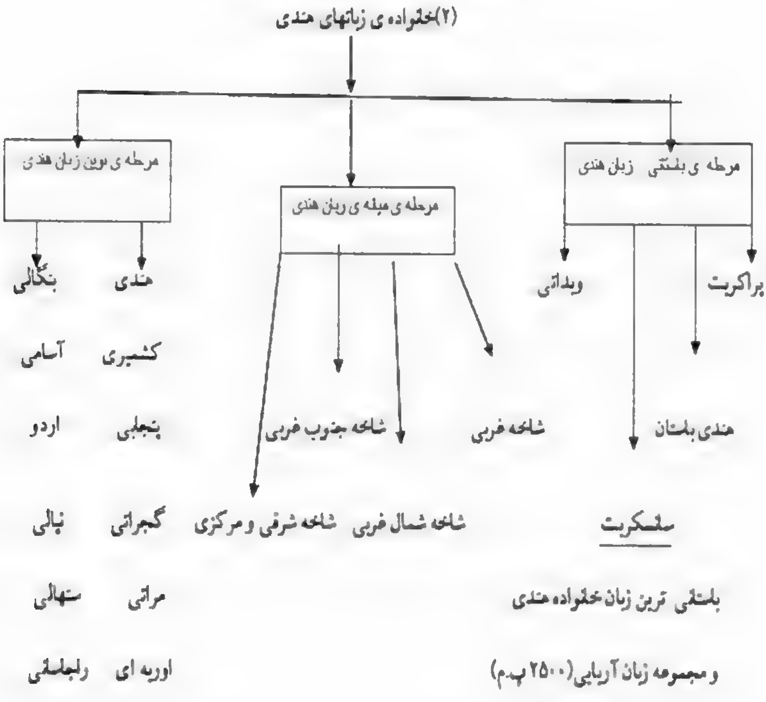
این خانواده‌ی زبانی شاخه‌ای اصلی از مجموعه‌ی زبان‌های آریایی است. مانند خانواده‌ی زبان‌های دیگر این مجموعه، سه مرحله تاریخی شامل باستان، میانه و نو را پشت سر گذاشته است. دوره‌ی باستان آن در بر گیرنده‌ی زبان‌های هندی قدیم است؛ زبان سانسکریت آن همراه زبان‌های ایرانی قدیم شاخه‌های اصلی مجموعه‌ی زبان‌های آریایی را تشکیل می‌دهند.

واژه‌ی سانسکریت به معنی «روشن» و پاک است؛ این زبان باستانی‌ترین زبان دنیا می‌باشد که پانینی متون زبان‌شناسی را با آن راجع به واژه سازی و جمله سازی در قرن چهارم قبل از میلاد نوشته است. علاوه بر آن زبان‌شناسان بر آن باورند که زبان‌های آریایی میانه و نو از زبان سانسکریت منشأ گرفته واز آن پراکنده شده‌اند.

این خانواده‌ی زبانی شباهت فراوانی با زبان‌های ایرانی دارد. هر دو زبان سانسکریت و اوستایی همچون دو خواهر با پدر و مادر و اجداد مشترک می‌باشند. در این زمینه چند واژه را به عنوان شاهد می‌آوریم: واژه‌ی «دور» کردی، فارسی و بلوچی باقیمانده‌ی اوستای، پارسی هخامنشی و هندی باستان است. در زبان سانسکریت و اوستایی واژه‌ی مادر «ماتا» و واژه‌ی «گرم و گرما» در این دو زبان «تاتا» است که در تعدادی از مجموعه گویش‌های کُردی جنوب و گرمسیری و حتی هورامی و ماچو«کاکه‌ی و زنگنه» واژه «تاوستان» را با حذف صوت/ت/ دوم برای آسانی تولید به کار می‌رود. همچنین (تاو) و (تین) به معنای شدت گرما و آتش در کُردی کنونی رواج دارد. واژه‌ی «باج» و «باژ» کردی، به فارسی و گورانی باقیمانده‌ی (باج) پارسی باستان و (بهاج) سانسکریت می‌باشد. واژه‌ی ارخوان کُردی و ارغوان فارسی دارای ریشه‌ی سانسکریت «راگه فان ـ **(ragavan)** از (راگا) به معنای سرخ و پسوند (وان) نسبت گرفته شده است (۲۵).

زبان‌های مرحله‌ی باستان زبان‌های هندی شامل شاخه‌ی غربی، شمال غربی، جنوب غربی یا جنوبی، شرقی و میانه می‌باشد. زبان و گویش این دوره که زبان‌های نو از آن‌ها گرفته شده‌اند شامل زبان‌های راجبانی، خاندشی، گجراتی، بهیلی جزء زبان‌های شاخه‌ی غربی می‌باشند. زبان سنگالی باقیمانده‌ی زبان شاخه‌ی جنوب غربی، زبان کشمیری باقیمانده‌ی زبان شاخه‌ی شمال غربی، هندی میانه و زبان‌های آسامی، بنگالی، بهاری، اوری (اوریه ای) باقیمانده‌ی شاخه شرقی هندی می‌باشند. این زبان‌ها همراه با سندی، پنجابی، اردو، هندوستانی بازمانده و نمونه‌ی زبان‌های هندی نو می‌باشند. به هر یک از زبان‌های این خانواده‌ی زبانی در زیر می‌پردازیم.

نمودار (۳)-مجموعه زبانی آریایی



۳.خانواده‌ی زبانی اروپایی:

نمی‌توان این خانواده‌ی زبانی را به عنوان منشأ و ریشه خانواده‌ی زبانی دیگری مانند ایرانی، هندی و هیتی محسوب کرد؛ زیرا خود به تن‌هایی یکی از خانواده‌های مجموعه‌ی زبانی آریایی (هندوآریایی) را تشکیل می‌دهد. در اصل ملّت‌های اروپایی در منطقه‌ی آریانا در فلات ایران و از روی دریای بالیک به طرف اروپا رفته و در آنجا پراکنده شده‌اند و زبان و ملّت‌های مختلف اروپا مانند (آلمانی، لاتینی، سلاوی، سلتی، بالکانی و...) از آن‌ها به وجود آمده است و به این دلیل متعلق به مجموعه‌ی زبانی آریایی (هندوآریایی) می‌باشند و از زبان سانسکریتی و زبان منطقه‌ی آریا نشأت گرفته‌اند و واژه‌های مشابه ومشترک در میان این زبان‌ها خود سند گویای این واقعیّت می‌باشد. آن‌ها در نتیجه شکوفایی و دگرگونی زبان‌شناسی و تاریخی با هم تفاوت پیداکرده ند. بنا بر این، خاستگاه زبانی در سرزمین آریا گهواره‌ی زبان و ملّت‌های ایرانی، هندی، اروپایی و هیتی است. عبارت هند و اروپایی به صورت اصطلاحی زبان‌شناسی فرهنگ و تاریخ مشترک این ملّت‌ها را نشان می‌دهد.

جایگاه خانواده‌ی زبانی اروپایی:

این مکان شامل بیشتر کشورهای اروپایی می‌شود و ساکنان اروپا، آمریکا، استرالیا و جنوب افریقا به استثنای تعداد کمی از مردم اروپا مانند باسک، فین (فینی)، و مجاری با آن صحبت می‌کنند.

زبان‌های اروپایی جای زبان‌های بومی سرخ پوستان آمریکایی و ساکنان اصیل استرالیا و جنوب آفریقا را گرفته‌اند. همچنین این خانواده‌ی زبانی در روسیه (شوروی سابق)، کشورهای بالکان (چک، سلواکی، صربستان، کرواسی، آلبانی، یونان، لهستان، اُکراین، بلغارستان و مقدونیه)، کشورهای آن سوی دریای بالتیک

(لیتوانی - لیتونی، روسیه‌ی سفید)، کشورهای اروپای غربی (هلند، آلمان، انگلستان، کشورهای اسکاندیناوی)، کشورهای لاتین زبان (فرانسه، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، رومانی)، سرزمین‌های ایرلند، گالی، ولش، واکوس و ...) و در ارمنستان و آناتولی به کار می‌رود.

زبان‌های این خانواده‌ی زبانی در نوشتار از حروف و الفبای انگلیسی، حروف سریلیکی روسی وسلاوی، و حروف لاتینی استفاده می‌کنند.

زبان لاتین در میان این خانواده‌ی زبانی در قرون باستان و میانه نقش زبان آئین، علم، قانون و هنر را تا قرن ۱۸ به عهده داشته است و اصطلاحات آن بر سر تمام زبان‌ها پروبال کشانده است و اکنون هم در آن‌ها به کار می‌رود.

نمودار (٤)- مجموعه ی زبانی آریایی

(۳) خانواده ی زبانهای اروپایی

ژرمنی	بالتیکی	لاتینی	سلتی	اسلاوی	یونانی
آلمانی	لاتوی	فرانسوی	برتانی	چکی	یونانی
انگلیسی	لیتوانی	اسپانیایی	ایرلندی	اسلواکی	آلبانی
هلندی		پرتغالی	گالی	روسی	کولی
<u>زبانهای اسکاندیناوی</u>		ایتالیایی	واکسی	لهستانی	زیکانی
دانمارکی		رومانی	ولشی	اوکرایینی	
نروژی		کاتالانی	مانکسی	بولغاری	
سوئدی			کورنشی	مقدونی	
ایسلندی				صربی-کرواتی	
فری					

٤ـ خانواده زبانی هندوهیتی (براساس منشأ شباهت و خویشاوندی)

در منابع به ندرت از این خانواده‌ی زبانی به جز ارمنی که آنهم بصورت مستقل و نه عنوان زیر شاخه‌ی این زبان بحث شده است. این خانواده‌ی زبانی یکی از شاخه‌های اصلی مجموعه‌ی زبانی آریایی می‌باشد و در بسیاری منابع جزء مجموعه‌ی هند و اروپایی محسوب گشته است. از دیدگاه علمی، این مجموعه بازمانده‌ی زبان‌های آریایی و دارای واژه‌های مشترک با آن‌ها می‌باشد و به هنگام بحث از زبان‌های این مجموعه ارمنی هم بررسی شد که آریایی بودن آن را ثابت می‌کند. به این سبب می‌توان آن را با نام هیتی و نه هند و هیتی نام برد (٢٦).

این خانواده شامل زبان‌های آناتولی و ارمنی می‌گردد که از هر کدام از آن‌ها زبان‌های دیگری منشعب می‌شود. دو زبان مذکور بازمانده‌ی زبان هیتی می‌باشند. مردم هیتی همچون مردم دیگر این مجموعه آریایی نژاد (٢٧) و یکی از ملّت‌هایی بودند که در سراسر آسیای صغیر دارای دولت و قدرت بوده‌اند. آن‌ها حدود سال‌های ١٢٠٠ ق م مورد هجوم ملّت‌های دیگر واقع و نابود شدند.

در آغاز قرن بیستم و در پژوهش‌های باستان‌شناسی (بوغاز کوی) واقع در ١٥٠ کیلو متری شرق آنکارا اسنادی از این زبان به دست آمد که حاکی از تعلق نمونه‌های این زبان به مجموعه‌ی زبان‌های آریایی می‌باشد (٢٨). مجموعه‌ی هندو هیتی از زبان‌های زیر تشکیل می‌شود.

١ـ زبان آناتولی

٢ـ زبان ارمنی

زبان آناتولی در بردارنده زبان‌های زیر است: هیتی، هیتی هیروگلیفی، کولیایی، لوتایی، لیدیایی.

زبان ارمنی شامل این زبان‌ها است:

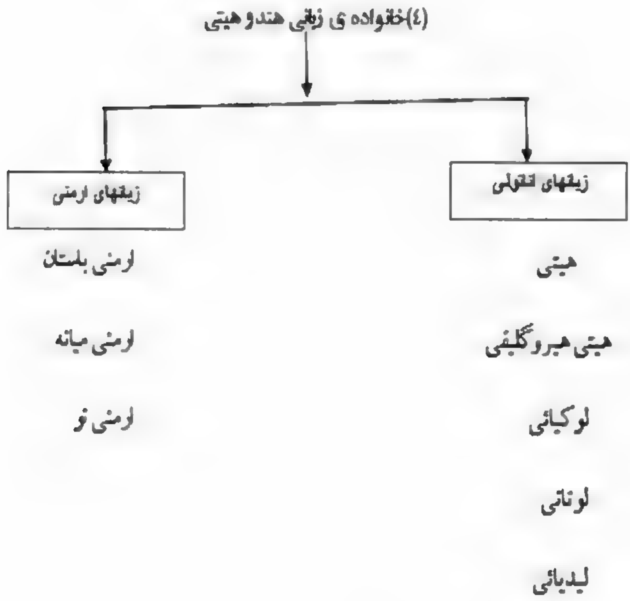
ـ ارمنی باستان

- ارمنی میانه
- ارمنی نو

در ادامه به بحث درباره‌ی زبان ارمنی پرداخته می‌شود که نمونـه‌ی آشـکاری از این مجموعه است.

زبان ارمنی شاخه‌ای از زبان‌های آریایی می‌باشد که در حدود قرن ششم ق.م در شمال بین دو رود، جنوب قفقاز و دریای سیاه مقیم بوده‌اند. نـام ارمنـی در سـنگ نوشته‌های داریوش حک شده است و بازمانده‌ی زبان هیتی محسوب مـی‌گـردد و نمونه‌های زبانی فراوانی را هم از زبان اوراتوی گرفته است. این زبان در جمهوری ارمنستان، در میان ارمنی‌های کردستان، بازمانده گان قربانیان دولت عثمانی پراکنده در کشورهای آسیا، اروپا و آمریکا به کار گرفته می‌شود.

نمودار (۵)- مجموعه زبانی آریایی



در میان مجموعه‌ی زبانی آریایی زبان ارمنی به خانواده‌ی زبانی ایرانی شباهت دارد و بیشتر از همه هم به زبان کُردی نزدیکتر است. واژه‌ی «گوچان»، برای مثال، در زبان ارمنی (گاوازان) می‌باشد که از دو واژه (گا) و (گه‌و)، به معنی حیوان (گاودار) یعنی پستاندار است. (گا) کوتاه شده‌ی (گاو، گه‌و) به (گاوزن) تبدیل شده که به معنی (ژن)ی کُردی است. واژه‌ی (آخور) در کُردی و ارمنی یکی می‌باشد که برای مکان علف خوردن احشام در خانه به کار می‌رود. واژه‌ی (که‌وش) یعنی کفش در ارمنی (که‌وش)، (کوشیک)، (چوار) کُردی در ارمنی (چووس)، عدد (ده) کُردی و (ده‌س) گویش هورامی در ارمنی (داس) می‌باشد (۲۹).

این نمونه‌ها و نمونه‌های دیگر شباهت و خویشاوندی میان زبان‌های کُردی و ارمنی را ثابت می‌کنند و نشان می‌دهند که از یک ریشه و منشأ که آنهم آریایی است گرفته شداند.

تعریف زبان کُردی بر اساس تفاوت دستور زبان

بعد از مشخّص کردن جایگاه زبان کُردی را در میان مجموعه زبان‌های جهان و خانواده‌ی زبانی آریایی با توجه به ارتباط خویشاوندی و شباهت زبانی یعنی از روی مشترکات ریشه و منشأ (۳۰)، اکنون به روش دیگر تقسیم‌بندی زبان بر اساس دستور زبان می‌پردازیم و در آن جایگاه زبان کُردی و زبان‌های مشابه را به منظورشناسایی زبان ملی بعنوان یک زبان مستقل و نه به عنوان گویش و گونه و شاخه زبان ملی دیگری به نمایش می‌گذاریم. کُردی از نظر دستور زبانی کاملاً مستقل و دارای قواعد و دستور ویژه‌ی خود می‌باشد.

زبان کُردی از لحاظ تفاوت دستور زبانی در میان خانواده‌ی زبانی ایرانی به عنوان یک زبان ایرانی شمال غربی نو (۳۱) شناخته می‌شود.

این‌شناسایی برای زبان ملی کُردی دارای فواید بسیاریست و پاسخی است به روش آکادمیک و علمی به تمام نظرات غیر علمی و غیر آکادمیک آن‌هایی که این زبان را همچون شاخه‌ای از زبان فارسی می‌پندارند. بر اساس این تعریف، زبان فارسی یک زبان ایرانی جنوب غربی نو می‌باشد. این‌شناسایی وابسته به مکان جغرافیای زبان‌های ایرانی و آریایی نیست (۳۲) بلکه بر طبق تفاوَت دستور زبانی این زبان‌ها از لحاظ صدا و تغییرات درون فعل می‌باشد (۳۳).

همه‌ی زبان‌های خانواده‌ی ایرانی چه باستانی و چه نو را در بر اساس تفاوت دستوری به عنوان زبان‌های فلات ایران در زیر مشخّص می‌کنیم (۳٤). این خانواده زبانی که ما بین دریای مازندران و رشته‌کوه زاگرس تا رود سند واقع است به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱ـ زبان‌های ایرانی غربی دارای دو بخش است.

الف: بخش بالای غربی: مانند زبان مادی، فارسی، بلوچی، کردی، گیلکی، مازندرانی، تالشی و غیره... قدیمی‌ترین این بخش مادی یا اوستایی، زبان کتاب مقدس زردشت، می‌باشد. زبان کُردی امروزی و زبان‌های ایرانی باستان و نو از زبان مادی و اوستا منشأ گرفته‌اند و تاریخ آن‌ها به قرن ۸ ق.م بر می‌گردد (۳۵). می‌توان پهلوی را که زبان دوره‌ی میانه‌ی زبان‌های ایرانی است جزء این بخش زبانی محسوب کرد که اوستا را با آن در آن زمان نوشته‌اند (۳٦).

۱ـ بخش جنوب‌غربی: مانند زبان فارسی باستان، میانه و نو، تاجیکی، تاتی و...

۲ـ زبان‌های ایرانی شرقی:

الف: زبان‌های پایین شرقی: زبان‌های سغدی، افغانی، پامیری

ب: زبان‌های بالای شرقی: زبان‌های سکایی، اُستی....

تفاوت دستوری نشانه‌ی چیست؟

زبان کُردی یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی نو است و تفاوت دستوری آن از نظر صدا، تغییر و تصریف درون فعل با دیگر زبان‌ها آشکار است. تمایز صوتی از لحاظ دانش واج‌شناسی به تحلیل تمایز در نقش آواهای زبان به عنوان بخشی از علم زبان‌شناسی می‌پردازد. پس از تشخیص واجها، واج گونه‌ها و توزیع گونه‌ها، تمایز دهندگی معنای ـ دستوری آواها آشکار می‌گردد.

بدین شکل زبان کُردی دارای واج‌های مخصوص خویش در میان زبان‌های ایرانی می‌باشد مه آن‌ها هم دارای واج گونه‌های ویژه‌ی خود با توجه به تأثیر آواها بر همدیگر در واژه‌ها می‌باشند. برای مثال، اگر آوا/ک/یا/گ/ قبل از صدای (ی، ی، وی، وی) بیاید دارای واجگونه می‌شود. مانند مثال‌های زیر:

کوردستان ← کویستان← (واج ـ *واجگونه*)

کا ← کی ← (واج ـ واجگونه)

گول ←گیا، گوی ← (واج ـ واجگونه)

تمایز دستوری شامل تغییر و تصریف اسم و مشخّص کردن تمام وجوه اسم و صفت از نظر شمار، جنس و حالت می‌باشد (۳۸). به عبارت دیگر، زبان کُردی از لحاظ شمار دارای مفرد و جمع و از نظر جنس دارای اسامی نر و ماده، دو جنسیتی و خنثی می‌باشد.

در زبان‌های دیگر لازم نیست تمام انواع جنس‌های اسم وجود داشته باشد

در زبانی شاید فقط اسم جنس نر و ماده وجود داشته باشد و در زبانی دیگر ممکن است سه نوع اسم وجود داشته باشد یا هر اسمی حتی در صورت عدم نر و ماده بودن دارای اسم جنس مذکر یا مونث باشد. برای مثال، زبان‌های روسی، فرانسوی و عربی و غیره چنین هستند.

پس در کُردی اسم به سبب داشتن علامت‌های خاص مثل (ان) جمع صرف می‌شود؛ بدون آنکه معنای این علامت تغییر کند با علامت (ه که) و (یک) مانند (گوله که) معرفه می‌شود و (یک) هم حرف تعریف نامعین است و اسم را مانند (گولیک) نکره می‌کند. نشانه‌های جمع و حروف تعریف تنها شکل اسم را تغییر می‌دهند (۳۹).

در زبان نوشتار کُردی (کُردی مرکزی) علامت خاصی برای تغییر جنس اسم وجود ندارد؛ بلکه نام ویژه‌ای برای هر جنس موجود است .

تمایز دستوری در کُردی براساس تصریف فعل و کاربرد فعل با وجوه و ضمایر متصل به تشکیل فعل امر منجر و کُردی از این نظر متمایز می‌باشد.

وجه فعل در زبان کُردی به واسطه‌ی علامت ویژه‌ی (ب) شرطی و امری است که با آن فعل امری و شرطی به شکل زیر تشکیل می‌شود.

بنووسه ـ بنویس ـ فعل امر در مفرد و جمع

بنووسین ـ بنویسیم ـ فعل شرطی در مفرد و جمع

از طرف دیگر در کُردی فعل به صورت دو نمود متمایز ۱ـ در ضمایر متصل زمان گذشته‌ی گذرا و ۲ـ در زمان گذشته‌ی ناگذر و زمان حال گذرا وناگذر تصریف می‌شود.

(گذشته‌ی گذرا) ← هیمه نان‌مان خوارد

(حال گذرا) ← هیمه نان ئه خوین

(گذشته‌ی ناگذر) ← هیمه رویشتین

(حال ناگذر) ← هیمه ئه روین

به شکل فوق ثابت می‌شود که زبان کُردی از نظر تمایز دستوری زبانی مستقل است و از دیگر زبان‌های مجموعه‌ی زبانی آریایی جدا می‌گردد. در اینجا لازم است بگوییم که در زبان کُردی به علّت کاربرد علامت نشان دهنده‌ی حروف ربط ارتباط دستوری در میان واژه‌های جمله مشخّص می‌شود که یکی از ویژگی‌های زبان‌های پیوندی و تصریفی می‌باشد (٤٠).

این پدیده به طور کامل استقلال زبان کُردی را از زبان‌های دیگر نشان می‌دهد. همچنین دارای تمایز زیادی از لحاظ سیستم آواشناسی تولیدی با دیگر زبان هاست. بخشی از زبان باستان هم نیست. (٤١)

این نشان می‌دهد که زبان کُردی زبانی کاملاً آریایی است و از زمانهای قدیم تاکنون به یادگار مانده است (٤٢).

ویژگی‌های ملّت‌های مجموعه‌ی زبانی آری

ملّت‌های که با این مجموعه‌ی زبانی صحبت می‌کنند دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند (۴۳).

- از نظر تمدّن پیشرفته‌ترین مردم عصر کنونی هستند.
- بسیار فعال و کوشا هستند.
- دارای مکان جغرافیایی مشخّص هستند.
- در جنبه‌های مختلف زندگی بسیار مولد و خلّاق هستند.
- تأثیر به سزای در تمدّن نوین بشریت دارند (٤٤).

در میان ملّت‌های مجموعه‌ی زبانی آریایی نژاد، ملّت‌های خانواده‌ی اروپایی و ایرانی پیشرفته‌تر می‌باشند. به علاوه، تمدّن از سرزمین کُردستان که جزء خانواده‌ی زبانی ایرانی است آغاز گشته و به‌ترین سند آن یکی کشف جسد انسان نو سنگی در میان غارهای کُردستان در شانه در است؛ در اطراف جسد ابزارهایی کشاورزی ساخته از سنگ کشف شده‌اند. مدرک دیگری کشف آثار کشت دانه‌ها، زراعت و خانه سازی در روستای چرموی (٤٥) در شرق شهر کرکوک در نزدیک چمچمال برای اولین بار در تاریخ می‌باشد.

مسئله‌ی مهمی در زبان کُردی این است که اگر چه تحت حاکمیّت بوده و از طرف حاکمان دربعضی جاها به طور قانونی ممنوع اعلام شده اما توانسته به خوبی خود را حفظ و مانند هر زبان پیشرفته‌ی دیگری شکوفا شود و تغییر نماید و آثار تمدّن نو و رشد و شکوفایی آن را در خود جلوه گر سازد که این به طور کلی ناشی از ویژگی زایندگی زبان است. (٤٦)

۲ـ مجموعه‌ی زبانی سامی ـ حامی

این زبان در سرزمین اعراب شمال آفریقا و بخشی از شرق آن به کار می‌رود (۴۷) و دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. این مجموعه از دو خانواده‌ی زبانی تشکیل می‌شود:

الف: خانواده‌ی زبانی سامی

ب: خانواده‌ی زبانی حامی

الف: خانواده‌ی زبانی سامی شامل زبان‌های ذیل است:

۱ـ زبان سامی شمالی: زبان اکدی یا آشوری بابلی، زبان کنعانی، عبری و فینیقی، و زبان آرامی را در بر می‌گیرد. اکثر این زبان‌ها به جز، عبری جزء زبان‌های باستانی هستند.

۲ـ زبان سامی جنوبی: شامل زبان عربی، یمنی باستان و زبان‌های حبشی ـ سامی می‌شود.

ب: خانواده زبانی حامی در بردارنده‌ی زبان‌های ذیل است:

۱ـ زبان مصری: شامل مصری باستان (زبان قبطی که اکنون تنها در کلیساهای قبطی‌ها کاربرد دارد) است.

۲ـ زبان لیبی یا بربری: زبان ساکنان اولیه‌ی شمال آفریقا مانند: لیبی، تونس، جزایر، مغرب، و شامل زبان صحرای باستانی قبایل ساکن الجزایر می‌گردد.

۳ـ زبان کوشتی‌ها: زبان ساکنان اولیه بخش شرقی آفریقا به استثنای مناطق حبشه است که به زبان سامی سخن می‌گویند.

خصوصیّات مجموعه زبان سامی

سخنوران آن دارای زبانی آمیخته هستند. ملّت‌های دارای آن زبان‌ها در منشأ

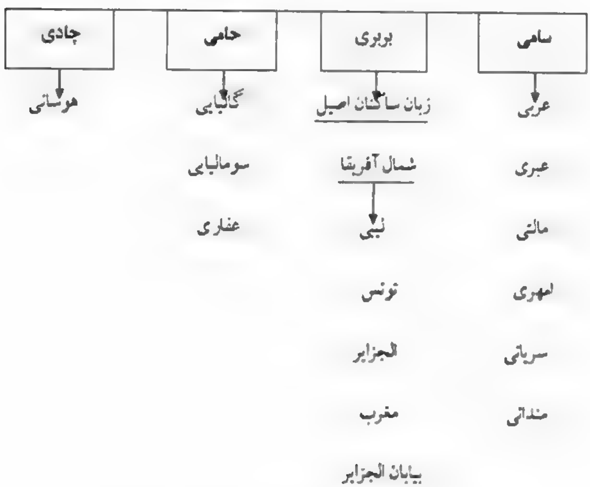
مشابهی به هم پیوند می‌خورنـد و از نظـر روش زنـدگی و نـوع تمـدّن و سیسـتم اجتماعی با هم مرتبط هستند.

شباهت و خویشاوندی که در میان تعدادی از زبان‌هـای مجموعـه‌ی سـامی - حامی وجود دارد در میان دیگر زبان‌هـای ایـن خـانوادهماننـد مصـری، بربـری و کوشتی دیده نمی‌شود (٤٨).

زبان رسمی ملّت عرب عربی اسـت از نظـر سـاخت واژه در زیـر مجموعـه‌ی زبان‌های تصریفی قرار دارد.

زبان‌های سامی در بسـیاری از ویژگـی‌هـا ماننـد بنیـان واژه، اصـوات و تولیـد حروف، اشتقاق واژه، واج آرایی و ساختار نحوی دارای مشترکات فراوانی هستند. میزان شباهت آن‌ها آنقدر زیاد است که هم چون گـویش‌هـای یـک زبـان در نظـر گرفته می‌شوند (٤٩).

نمودار (٦)- مجموعه ی زبانی سامی-حامی



(زبان‌های این مجموعه هنوز کاربرد دارد.)

تقسیم‌بندی دیگر زبان‌های سامی ـ حامی

تقسیم‌بندی دیگری وجود دارد که این نوع زبان را به سه قسمت سامی، حامی و کوشی تقسیم می‌کند (۵۰). شناخته‌ترین زبان‌های سامی عربی و عبری هستند که جایگاه آن‌ها در خاورمیانه و شبه جزیره عربستان می‌باشد. مجموعه‌ی زبانی سامی ـ حامی صاحب تمدّن آشور، بابلی، اوگارتین، فینیقی و سامی است. این مجموعه‌ی زبانی به شکل‌های زیر تقسیم می‌شود (۵۱) که حالا هم کاربرد دارند.

ـ **زبان‌های سامی:** مانند عربی، عبری، مالتی، امهری

ـ **بربری:** زبان ساکنان اولیه‌ی شمال آفریقا

ـ **زبان‌های حامی:** مانند سومالیایی، عفاری، گالایی

لازم به توضیح است زبان امهری زبان رسمی اتیوپی (حبشه) می‌باشد. از دیدگاه زبان‌شناسان با توجه به قواعد ساخت واژه، زبان‌های سامی دارای ارتباط با زبان‌های حامی مانند مصری باستان و بربری می‌باشد.

واژه‌های سامی و حامی که بر گرفته از اسامی سام و حام فرزندان نوح می‌باشند، همچون اصطلاحاتی زبان‌شناسی از طرف زبان‌شناسان به کار می‌روند و بدین شیوه خویشاوندی این گروه اجتماعی را به طور کامل مشخّص می‌کنند.

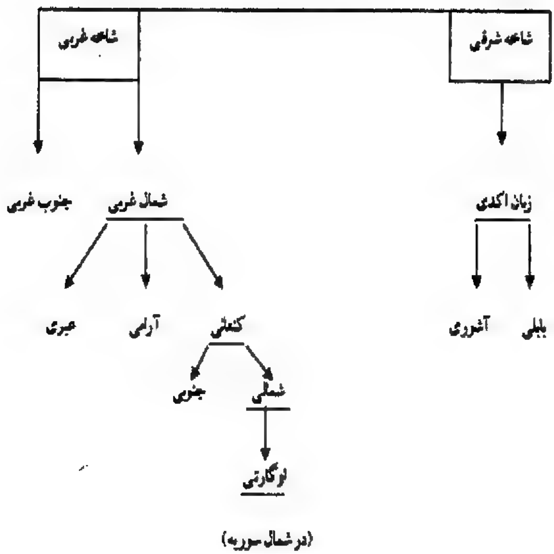
اولین بار زبان سامی توسط (سهلوزر)، شرق‌شناسی معروف، شناسایی شد. بعلاوه اساس این‌شناسایی در تقسیم‌بندی ملّت‌ها بر طبق تورات به دست آمده است. بعد از طوفان نوح، ملّت‌های جهان با آبادانی و کشاورزی مشغو ل شدند که نام آن‌ها با توجه به نام سه پسر نوع مشخّص شده است. زبان‌شناسان زمان سامی را به دو شاخه‌ی شرقی و غربی تقسیم می‌کنند و زبان شرقی را همان زبان اکدی می‌دانند که به دو زبان بابلی و آشوری تقسیم می‌شود. نوشته‌های این دو زبان با خط میخی در پژوهش‌های باستان‌شناسان به دست آمد که مهمّ‌ترین آن‌ها قوانین حمورابی، قدیمی‌ترین قانون روی زمین، با آن نوشته شده است. شاخه‌ی غربی این

مجموعه‌ی زبانی شامل دو گویش شمال غربی و جنوب غربی می‌باشد. زبان شمال غربی هم از دو شاخه یعنی دو گویش کنعانی و آرامی پدید می‌آید.

زبان کنعانی هم به دو شاخه‌ی کنعانی شمالی و کنعانی جنوبی تقسیم شده است. یکی از شاخه‌های شمالی، زبان اُگاریتی می‌باشد که در شمال سوریه‌ی کنونی در منطقه‌ی "رأس شمرا" یافت شد و زبانی سامی است. زبان کنعانی جنوبی و زبان عبری شاخه‌های از زبان شمال شرقی می‌باشند. (۵۲)

به طور خلاصه زبان سامی شامل زبان‌های زیر است. عبری، موآبی، فینیقی، آرامی، مندائی، سریانی، عربی.

نمودار (۷)- خانواده زبانی سامی



(این یک تقسیم بندی قدیمی خانواده ی زبانی سامی است)

۳.مجموعه اورالی آلتیکی (آلتایی)

این مجموعه شامل آن دسته از زبان‌هایی می‌شود که از شمال ترکستان شروع می‌شود و سخنوران آن در میان کوه‌های اورال و آلتای درشمال ترکستان قرار دارند؛ هر گروهی از این زبان‌های متفاوت به مکان مختلفی مهاجرت کرده‌اند؛ مانند زبان هلندی، مجاری که جزء زبان‌های اورالی و زبان ترکی، مغولی، منانچوو تنوکسی (تونقور) که اینها هم جزء شاخه‌ی آلتای می‌باشند (۵۳). خانواده‌های زبانی این مجموعه در منطقه‌ای در جنوب شرقی اروپا تا آسیای صغیر کشیده شده‌اند. این مجموعه علاوه بر زبان‌های مذکور تعدادی از زبان‌های آسیای میانه مانند ازبکی، قرقیزیء قزاقی را هم شامل می‌شود. در قرن نوزده کاسترون فنلاندی زندگی خویش را وقف پژوهش این زبان‌ها کرد؛ او به این منطقه سفر کرد و به این نتیجه رسید که می‌توان این مجموعه‌ی زبانی را به ۵ دسته تقسیم کرد:

۱ـ نین　　۲ـ اوقور　　۳ـ سامویید　　٤ـ ترک ـ تاتار　　٥ـ مغول

٦ـ تونقوز و گونه‌های آن. (٥٤)

قدیمی‌ترین سند این زبان‌های ترکیک مربوط به قرن هفتم میلادی است که به یکی از گویش‌های آسیای میانه به نام ایگوری نوشته شده است. شاخه مغولی هم مانند خلخه و قرلوقی زبان رسمی مردم مغولستان می‌باشد. همچنین بعضی از زبان‌های کوچک مانند بوریاتی، داگوری، خووچنی در اتحادیه شوری سابق و کشور چین و در میان قبایل شمال سیبری کاربرد دارند.

زبان‌شناسان معتقدند که تاکنون رابطه‌ی میان دو شاخه اورالی و آلتای ثابت نشده است و بر این باورند که دو زبان مجزا می‌باشند. این دو نوع زبان به شکل زیر تقسیم می‌شوند.

۱ـ مجموعه‌ی آلتای (تاتار) مانند: ترکی، مغولی، تنوکسی، مانچو که به این مجموعه زبان‌های فنلاندی ـ اغری هم می‌گویند

۲ـ مجموعه اورالی (جود) مانند فنلانـدی، اسـتونی، هنگـری، مجـاری، فینـی، چومسی. تقسیم‌بندی این مجموعه تحت عنوان خانواده تورانی توسـط دانشـمندان فقه‌اللغه‌ی قدیمی از طرف زبان‌شناسان جدید پذیرفته نیست.

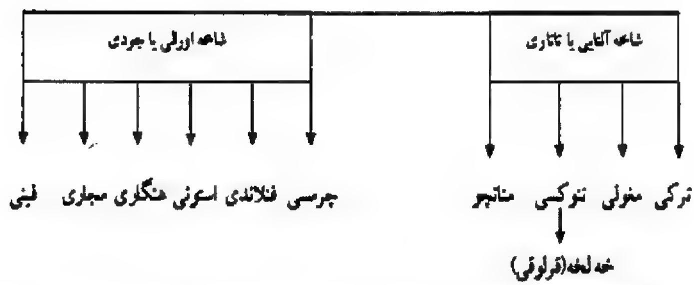
ویژگی‌های خانواده‌ی زبانی اورالی ـ آلتایی

۱ـ از زبان‌های پیوندی است.

۲ـ ویژگی‌های آن در هنگام تولید گفتار ونه در نوشتار مشخّص می‌شود؛ یعنـی آنچه که به گفتار می‌آید به همان شکل نوشته نمی‌شود. بعضی زبان‌ها وجود دارند که تولید آواهای در آن با نوشتار مطابقت دارد. برای مثال، در برابر واج گونه‌هـای واج /ک/ در واژه‌های (کی و کوی) کردی، فقط یک آوا در ترکی وجود دارد مانند اوی که شیوه‌های تولید گفتاری و نوشتاری آن با هم تطابق ندارند.

ازبکی ـ قرقیزی ـ قزاقی، بوریانی، داکـوری و خـورچینی در شـوروی و چـین جزء این مجموعه زبانی می‌باشند کاسترن فنلاندی در قرن۱۹ میلادی این مجموعه را به پنج دسته تقسیم می‌کند: ۱ـ فن ۲.اُغور۳ـ سامرید ٤ـ ترک ـ تاتار ٥ـ مغول

نمودار (۸)- مجموعه ی زبانی اورالی-آلتایی



ازبکی- قرقیزی- قزاقی، بوریانی، داگوری و خورچینی در شوروی سابق و چـین جـزء ایـن مجموعـه‌ی زبانی می‌باشند.

کاسترن فنلاندی در قرن ۱۹ این مجموعه را به پنج دسته تقسیم می‌کند: ۱- فینی ۲- اُغوری ۳- سـامریدی ٤- ترکی- تاتاری ٥- مغولی

٤ـ خانواده‌ی زبانی چینی‌ـتبتی

مهم‌ترین خانواده‌ی زبانی در شرق آسیا خانواده‌ی چینی ـ تبتی می‌باشد که دو شاخه‌ی اصلی آن تبتی و برمه‌ای ـ چینی است. مهم‌ترین زبان‌های شاخه‌ی اول تبتی (سند این زبان مربوط به قرن هفتم میلادی است) و برمه‌ای می‌باشد. زبان‌های دیگر مثل لول و کاچین هم وابسته به همان شاخه هستند. شاخه‌ی زبان‌های چینی ـ تبتی با توجه به دلایل سیاسی و فرهنگی بیشتر شامل زبان‌های کشور چین و گویشهای آن می‌گردد.آثار زبان چینی در ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد به صورت علامت تصویری مشخّص مانند نماد یا واژه بصورت نوشتاری در دسترس می‌باشد. چینی‌ها بعدها تنها از یک نماد برای هر آوا استفاده کردند (٥٥).

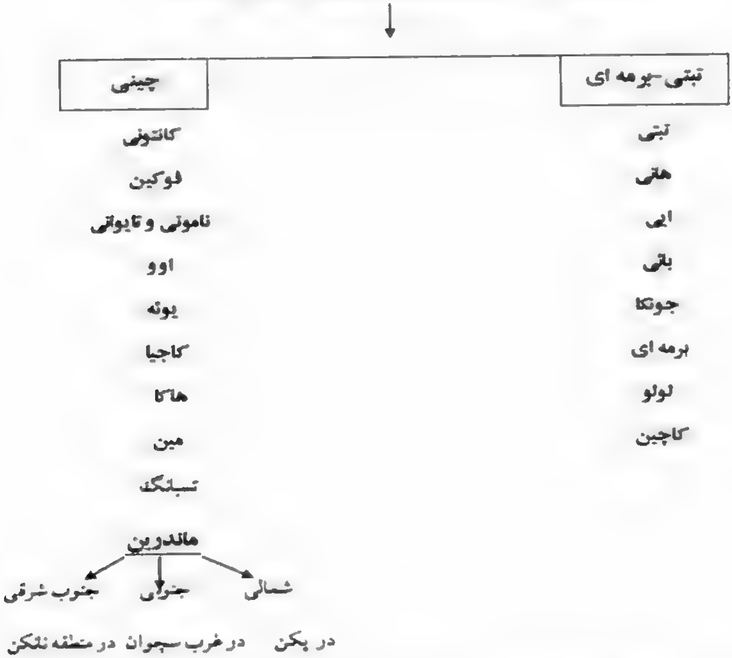
زبان چینی مراحلی را مانند چینی باستان حدود ٥٠٠ سال قبل از میلاد، چینی میانه از حدود ٦٠٠ سال قبل از میلاد و زبان مندرین باستان و زبان منطقه‌ی شمال کشور چین در قرن سیزده میلادی، را پشت سر گذاشته است (٥٦).

امروزه زبان چینی به شش گروه اصلی تقسیم می‌شود که شناخته شده‌ترین آن‌ها زبان کانتومی در کانتون و هونگ کنگ، گویش مین (**(min**با کاربرد بیشتر در استان فوکین، شبیه به آموی و تایوانی، و گویش‌های وو (**(wu**با زبان ایالت شانگهای به عنوان مهم‌ترین آن‌ها می‌باشند. سرانجام، گویش‌های مندرین هستند که جزء مشهورترین شاخه‌های زبان چینی محسوب می‌شوند.

این زبان‌ها تا حدودی با هم خویشاوندی و شباهت دارند. زبان مندرین خود به سه گروه تقسیم می‌شود مانند: گروه شمالی که زبان اطراف پکن است و در سراسر چین زبان مهمّ و استاندارد به حساب می‌آید. گویش سچوان در جنوب غربی و زبان منطقه‌ی نانکن از گروه جنوب شرقی جزء مجموعه‌ی زبان‌های آن می‌باشند. زبان ینی سی آستیاک هم به درازای رودخانه‌ی ینی سی در اطراف سیبری میانه به کار می‌رود و جزء خانواده زبان‌های چینیتبتی میباشد.

زبان میا ـ یائو از جمله زبان‌های گوناگون ماقبل چینی است که هنوز هم در کشور چینی باقی مانده است؛این زبان خانواده‌ای بزرگ بوده است که چینی‌ها با آن صحبت می‌کردند و به تدریج در اطراف پراکنده و گسترش یافته است.

نمودار (۹)-مجموعه ی زبانی چینی و تبتی-برمه ای



آینو زبان ساکنان اولیه‌ی کشور ژاپن است. ژاپنی‌ها دارای دو زبان می‌باشند که با هم ارتباط دارند و همراه با تمام زبان‌های خانواده‌های دیگر شناخته شده‌اند. بعضی از زبان‌شناسان این دو زبان را به عنوان زبان کره‌ای می‌شناسند و آن را به مجموعه‌ی زبانی آلتایی ربط می‌دهند و زیر عنوان مجموعه‌ی زبانی آسیایی نام می‌برند. در پائین مجموعه‌ی زبانی چینی ـ تبتی و برمه‌ای را مشخّص می‌کنیم:

خانواده چینی: در بردارنده زبان‌های مندرین، وو(**wu**)، یوئه یاکانتونی، مینی

جنوبی، تسیانگ، کی یا (کجیا)، هاکاگان، مینی شمالی است. گویشوران دیگر زبان‌ها از زبان مندرین هم استفاده می‌کنند و در میان آن‌ها مندرین زبان دوم محسوب می‌شود. این زبان‌ها دارای پرشمارترین سخنور در جهان، حدود ۹۰۰ میلیون نفر، هستند.

خانواده تبتی ـ برمه‌ای از زبان‌های زیر تشکیل می‌شود: برمه‌ای، تبتی کارن، سگائو، پوو، یی یا لولو، هانی، بائی، جونکا. تمامی این زبان‌ها به (برمه ای) یا (تبتی) طبقه‌بندی می‌شوند.

طبقه‌بندی دیگر مجموعه‌های زبانی

تقسیم زبان به خانواده‌ها و مجموعه‌های زبانی کار آسانی نیست. تقسیم بندی‌ها تاکنون به شکل زیر شامل چهار مجموعه‌ی زبانی آریایی (هند و آری)، سامی ـ حامی، چینی‌تبتی و اورال‌آلتایی بوده است.. این تقسیم‌بندی همه یا اکثر زبان‌های جهان را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا تعداد ملّت‌های جهان بسیار فراوان هستند و به همان نسبت دارای زبان‌های مختلف می‌باشند.

بر اساس آماری موجود که از نظر زبان‌شناسی مشخّص و دقیق می‌باشد، حدود (۵۰۰۰) پنج هزار تا (۷۰۰۰) هفت هزار زبان (۵۷) وجود دارند که اولی به واقعیّت نزدیک و دقیق‌تر است. با این حال‌شناسایی مجموعه‌ی زبان‌های مختلف کار آسانی نیست و به این علّت زبان‌شناسان تقسیم‌بندی دیگری را بر اساس زبان‌های منفرد و مستقل ارائه داده‌اند

تعیین مجموعه‌ی زبان‌ها باید بر اساس سند و ارائه نمونه و قابل اثبات باشد در غیر این صورت کار دشواری است. مجموعه زبانی با توجه به خویشاوندی میان آن‌ها مشخّص می‌شود مانند بخش زبان‌های لاتینی که مطمئن‌تر است؛ اما مشخّص کردن مجموعه زبانی گسترده‌ای همچون آریایی که نیمی از ملّت‌های جهان با آن

صحبت می‌کنند کار دشواری است و به مدارک و تلاش بسیار زبان‌شناسان نیاز دارد.

تعیین خویشاوندی زبان‌ها بر اساس روابط تاریخی و ساختاری جالب توجه است و وجود این دو شرط برای شناسایی مجموعه‌ی زبانی لازم است. بنا بر این، مرگ زبان، دوری دو زبان واز میان رفتن علائم خویشاوندی نه تنها برای مشخّص کردن روابط آن‌ها نشانه‌ای باقی نمی‌گذارد؛ بلکه به عامل تفاوت ساختاری آن‌ها تبدیل می‌شود. اگر دوره‌ی تاریخ خویشاوندی دو زبان دور و کهن باشد، کلمات مشترک میان آن‌ها از بین می‌رود یا به سختی قابل‌شناسایی است و نیازمند دانش و دیدگاه پژوهشگران برای تعیین شباهت‌های میان آنها است. شناخت مجموعه‌ی زبان و ملّت به‌شناسایی ریشه و منشأ تاریخی ـ زبان شناختی و قابل استناد آن‌ها نیاز دارد.

شباهت میان زبان‌ها در نتیجه‌ی اختلاط چند زبان توجه پژوهشگران زبان را به خود جلب کرده است. و بر گرداندن زبانی به ریشه و منشأ مجموعه‌ی زبانی خاص خود کار آسانی نیست و نمی‌توان مرز این مجموعه‌ی زبانی را با دقت و بطور کامل مشخّص نمود.

معرفی وشناسایی مجموعه‌ی زبانی کار دشواری است؛ در اینجا با ناچاری زبان‌هارا به طور مستقل به شکل زیر مشخّص و معرفی می‌کنیم (۵۸) که می‌توان آن را تقسیم‌بندی دیگر زبان‌های جهان دانست.

زبان هند و آریایی (زبان‌های آریایی) که توضیح داده شدند.

زبان دراویدی

زبان سامی ـ حامی (کوشی، بربری، مصری، چادی) یا حامی ـ چاد ـ سامی

زبان‌های پیوندی نوایی (نواختی)

زبان‌های آسیایی

زبان‌های سیاهان آفریقایی

زبان‌های مالزیایی‌پولیزیایی و خمیری

زبان‌های بدوی اقیانوسی

در زیر زبان‌های گوناگون هر مجموعه‌ای را نشان می‌دهیم تا مکان وشناسنامه‌ی زبان کُردی در میان آن‌ها مشخّص شود.

۱ـ زبان‌های آریایی (هند و آریایی) مانند: خانواده زبانی اروپائی که در تقسیم‌بندی قبلی بحث شدند.

ـ زبان لاتینی

ـ زبان سلتی

ـ زبان‌های سلاوی

ـ زبان‌های تک هندواروپایی (یونانی، آلبانی، ارمنی، زیگانی، زبان‌های بالتیک).

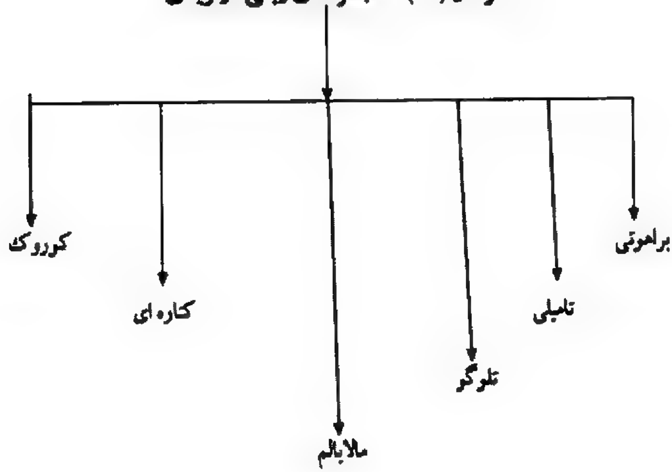
زبان‌های هندی (هندی، ...)

در این تقسیم بندی، زبان ارمنی و زبان‌های بالتیک مانند یک شاخه و تحت عنوان زبان‌های یگانه (منفرد) محسوب می‌شود.

۲ـ زبان دراویدی که بعد از بحث حاضر به آن می‌پردازیم.

۳ـ زبان سامی ـ حامی: سامی (عربی، عبری، مالتی، امهری)

نمودار (۱۰)- مجموعه ی زبانی دراویدی



حامی (بربری، مصری، کوشی)

چادی ـ (هوسایی) بعضی از منابع چادی را جزء گروه زبانی حامی قرار داده‌اند که اکنون چادی‌ها دارای زبان رسمی فرانسوی وعربی هستند. بعضی هم آن را به عنوان شاخه‌ای از افروآسیایی می‌شناسند.

۲ـ زبان‌های پیوندی:

ـ گروه ترکی

ـ فنلاندیاکراینی

ـ باسکی

ـ مغولی

ـ ژاپنی

ـ زبان‌های اصیل امریکایی

۵ـ زبان‌های نوایی (نواختی) آسیا (مندرین، تسیانگ، کی ئیا، هاکا، یوئه، چینی، کانتونی، خوکین، مین، آموی و تایوانی)

ـ تبتی ـ برمه‌ای (تبتی) ـ برمه‌ای، کاچین، لولو، هانی، بائی، ایی، جونکا.

ـ تایی ـ ویتنامی

٦ـ زبان مالزیایی ـ پولنزیایی و خمیری: گروه مالایایی (اندونزیایی ـ تاگالوک ـ مالاگاسی و...)

ـ گروه پولینزیایی

ـ مالیزیایی

۷ـ زبان کوچ نشینان استرالیا: مونو ـ خمیری

ـ ملانزیایی

ـ پاپو

ـ زبان‌های بومی استرالیا

۸ـ زبان‌های آفریقایی: زبان‌های بانتو

ـ زبان‌های آتلانیتک غربی (پل، ولف)

ـ زبان‌های منده (بامبارا، ماندنیگ)

ـ زبان‌های ولتایی

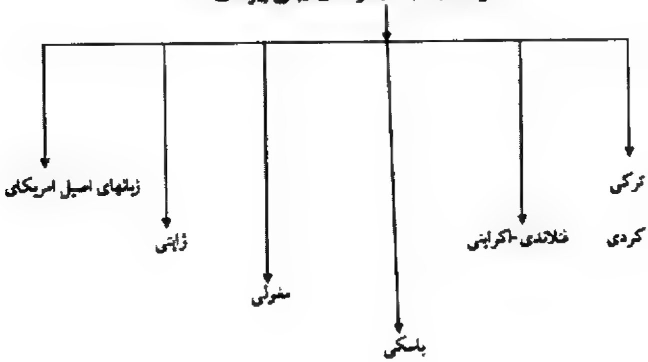
ـ زبان‌های خلیج گینه

ـ زبان‌های میان نیجریه و کنیا

ـ هوسایی (جزء زبان چادی می‌باشد)

لازم به توضیح است به جز مجموعه‌ی هندو آری و مجموعه‌ی سامی، به بحث در مورد مجموعه زبان‌های دیگر در این طبقه‌بندی می‌پردازیم. قبلاً به بحث در مورد دو مجموعه‌ی هندی و آریایی و سامی پرداختیم پس تکرار آن‌ها لازم نیست.

نمودار (۱۱)-مجموعه ی زبانی پیوندی



زبان کردی با توجه به ساخت واژه شناسی جزء زبانهای پیوندی می باشد.

زبان دراویدی

مجموعه‌ی زبانی دراویدی در غربی‌ترین بخش کشور هندوستان واقع است؛ با اینحال تامیل یکی از زبان‌های اطراف شمال سریلانکا و زبان براهویی در پاکستان، درآن مجموعه، دارای سخنور می‌باشند. هر چند که دراویدی از زبان سانسکریت گرفته شده و در میان مردم هند گسترده شده است؛ با وجود این، در هند زبان‌های دیگری هم پراکنده شده‌اند که به مرحله‌ی پیشین زبان‌های هندی مربوط می‌گردند که در آن اوان در حال رشد و شکوفایی بوده‌اند. در میان این خانواده‌ی زبانی، زبان‌های تامیل، تله گو و مالایالام از همه مهم‌تر هستند (۵۹) این خانواده، زبان‌های دیگری را مانند کانادا، کونکانی، گوندی و کوروک را نیز در بر می‌گیرد.

دیدگاهای دیگری تعداد زبان‌های این خانواده را بیشتر از بیست زبان می‌دانند.

می بایست دو زبان کان لایا و مالایا از مکان امروز زبان‌های دراویدی دور و قبل از آمدن آریایی‌ها به این منطقه در مکان اولیه‌ی خویش ماندگار شده باشند که

بعدها با کوچ هندیهای اولیه به سوی نقاط جنوبی سخنوران آن‌ها به نواحی کنونی آمده باشند.

هر کدام از دو زبان کان نادا و مالایـالام بـیش از ۲۵ میلیـون سـخنور دارنـد و زبان‌های دیگر دارای بیش از یک میلیون جمعیت هستند؛ زبان کونکانی حدود سه میلیون، گوندی دومیلیون، و کوروکی هم نزدیک بـه دو میلیـون سـخنور دارد.هـر کدام از چهار زبان دراویدی دارای سیستم نوشتاری خاص خه د هستند (۶۰)

زبان‌های پیوندی

مجموعه‌ی دیگری از زبان‌ها وجود دارند که بر اساس ساختار وترکیب واژگان در جمله طبقه‌بندی می‌گردند. بعضی از مجموعه زبان‌ها هم هستند که بـر اسـاس معیارهای دیگری تقسیم‌بندی شده‌اند. در جای دیگر در مورد این نوع زبـان‌هـا در میان مجموعه‌ی زبانی مذکور به بحث پرداختیم و لازم نیست در اینجا آن را تکرار نمائیم.

زبان‌های نواختی آسیا (زبان‌های مستقل)

بعد از زبان‌های پیوندی به بحث در مورد زبان‌های مستقل پرداختیم، بنا بر این، به طور خلاصه آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهیم. شایان ذکـر اسـت کـه اصطلاح دیگری در مورد آن به کار می‌رود که با واژه‌ی مصطلح یعنی مستقل تفاوت دارد و آن هم زبان‌های هجایی می‌باشد که با نظام صرف فعل یا اشتقاق، از ویژگـی‌هـای زبان‌های تصریفی، متفاوت می‌باشد. زبان‌های هندو اروپایی و پیوندی به زبان‌های مستقل (هجایی یا گسسته) تعلق ندارند. زبان‌های مستقل نواختی در برگیرنده زبان چینی، زبان ویتنامی، تاک، و مجموعه‌ی زبان برمه‌ای هستند.

نمودار(۱۲)-زبانهای نواختی آسیا



زبان کردی دارای تعداد کمی واژه ی مشابه با واژه های این نوع زبان دارد که به آنها واژه های مستقل یا هجایی گفته می شود

مجموعه زبانی مالزیایی پولنز یایی و خمیری

این مجموعه‌ی بزرگ زبانی آن سوی نقاط جنوب و شرق قاره‌ی آسیا را در بر گرفته است که بیشتر آن‌ها در جزایر اقیانوس آرام و اقیانوس هند کاربرد دارند؛ نمونه‌ی آن زبان مالاگاسی مهم‌ترین زبان مورد استفاده در جزیره ماداگاسکار (جمهوری مالاگاسی) در نزدیکی آفریقا می‌باشد. (٦١) این مجموعه تمام قلمرو زبان‌های اندونزی، مالزی‌فلپینی و سنگاپوری را در بر می‌گیرد که هر کدام زبان رسمی کشورشان می‌باشند. بقیه‌ی اعضای این مجموعه‌ی زبانی در قبایل فرمز، در

میان بعضی از ساکنان مناطق کوهستانی ویتنام مانند جاریا و در جزیره‌ی چینی‌های نیان تا جزیره گوام بنام زبان چامور دیده می‌شود (٦٢). آمار سخنوران این مجموعه‌ی زبانی از ٢٠٠ میلیون بیشتر است که حدود ١٤٠ میلیون آن‌ها در اندونزی و ٤٠ میلیون آن‌ها در فیلیپین و بقیه هم در مالزی و سنگاپور زندگی می‌کنند؛ در مالزی و سنگاپور دو اقلیت هم به زبان‌های کانتونی و تامیل صحبت می‌کنند.

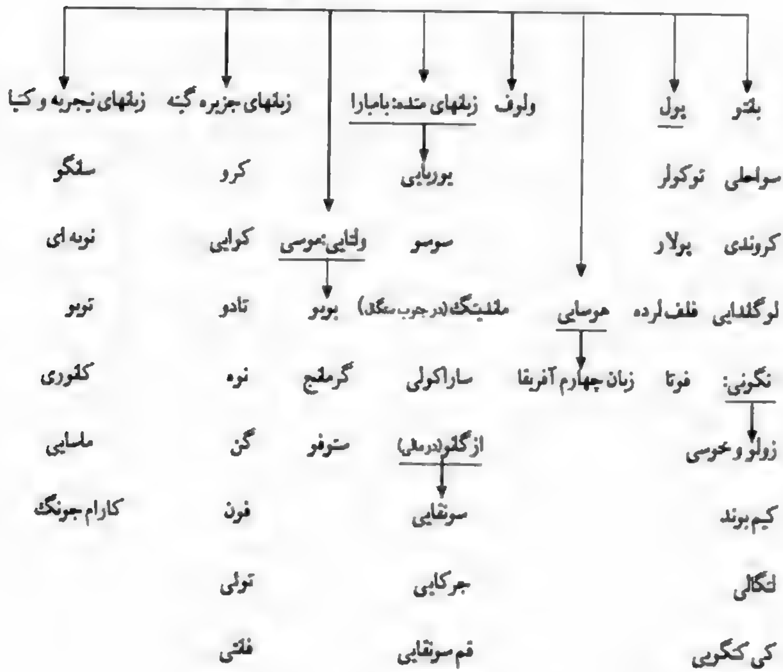
پولنزیایی حدود نیم میلیون نفر سخنور دارد که صد هزار نفر آن‌ها در فرانسه می‌باشند. زبان پولنزیایی در جزایر اقیانوس آرام شامل: تاهیتی، ساموا، فیجی، والیس و فوتونا، و هاوایی هم وجود دارد (٦٣).

مجموعه‌ی زبان‌های آفریقایی (سیاهان آفریقا)

بر اساس نظر دانشمندان تعداد زبان‌های آفریقایی حدود هزار تا دو هزار و پانصد زبان می‌باشد که به نظر نمی‌رسد ارقام دقیقی باشد.آنها شماره‌ی گویش‌های زبان‌های آفریقایی را بیشتر می‌دانند. به طور متوسط برای هر زبانی حدود یکصد تا دویست هزار نفر سخنور وجود دارد؛ در واقع با بعضی از زبان‌های این مجموعه میلیون‌ها نفر و با بعضی دیگر فقط چند هزار نفر حرف می‌زنند.

تعداد کمی از این زبان‌ها دارای زبان نوشتار هستند. اما بسیاری از آن‌ها به سبب ارتباط با زبان‌های زبرین و غالب در حال نابودی و انقراض می‌باشند.

نمودار (۱۳)- مجموعه زبانهای سیاهان آفریقا



اولین فرهنگ لغت دستور زبان آفریقایی از طرف اروپایی ها با زبان کی کنگویی در قرن ۱۷ تهیه شده است.

(پنج زبان مهم افریقایی سواحلی - پول - بامبارا - بورربایی - هوسایی)

پراکندگی زبان‌های آفریقایی از انزوای اجتماعی و اقتصادی ملّت‌های مختلف آفریقا سر چشمه گرفته است که به درازای دوران زندگیشان در جنگل با رقابت قبیله‌ای زندگی را به سر برده‌اند. زبان‌های کمی در آفریقا با پیشرفت فرهنگ، ادبیات و اقتصاد همگام شده‌اند.

ـ زبان‌های آفریقایی مانند زبان‌های سودانی غربی و گینه‌ای در جزیره گینه، زبان‌های صحرای مرکزی افریقا در مرکز نیجریه‌ی شمالی و کامرون تا جمهوری

آفریقای مرکزی کاربرد دارند.

- زبان‌های شمال شرق سودان
- زبان‌های جنوب شرقی سودان و جنوب جمهوری سودان که به زبان‌های نیلی مشهورند (منظور رود نیل است)
- زبان‌های بانتو

زبان‌شناسان زبان‌های چاد و خوسایی را همراه با پنج مجموعه‌ی زبانی مذکور در بالا به طور مجزا بررسی و به دو بخش چادی و خوسایی تقسیم کرده‌اند که واژه‌ی خوسایی از اسم ملّت‌های (حوتنتوت ـ **khoin**)و خویشاوند آن‌ها یعنی بوسمی‌ها گرفته شده است. سخنوران این زبان (خوئین) حدود دویست تا سیصدهزار نفر بیشتر نیستند (٦٤) و اکثر آن‌ها در اطراف جنگهای جنوب غربی آفریقا به ویژه در نامیبیا، بوتساوانا، آفریقا یوربایی، هوسایی جنوبی و همچنین در میان قبایل نمیه متمدّن آن حوالی و بعضی از زبان‌های خونسایی آنگولا، زامبیا، و زیمبابوه مورد استفاده هستند؛ اکثراً زبان‌های خوسائی در مناطق مرکزی و جنوب آفریقا به کار می‌روند (٦٥).

زبان‌های سیاهان آفریقا زبان‌های مهمّ سواحلی، پول، بامبارا، یوربایی و هوسایی را هم شامل می‌شود. بعضی‌ها زبان‌های آفریقا را به نام زبان‌های شمال خط استوا به شکل زیر تقسیم می‌کنند:

- زبان‌های بانتو
- بانهای شاخ آفریقا مانند: کوشی، سومالیایی، سامی امهری
- زبان‌های پُل و ولُف که از طرف زبان‌شناسان زبان‌های غرب اتلانتیک نامیده می‌شوند.
- زبان‌های منده در کوه بامبارا در مالی
- زبان‌های ولتایی

ـ زبان‌های جزیره گینه

ـ زبان‌های میان نیجریه و کنیا

ـ هوسایی دارای بیش‌ترین سخنوران در افریقا سیاه می‌باشد و با چند زبان اطرافش خویشاوندی دارد.

ـ هر یک از زبان‌های بالا شامل چندین زبان دیگر هم می‌شوند.

تقسیم‌بندی دیگر زبان‌ها وجود دارد که خانواده‌های زبانی را در زیر مجموعه‌ی خویش مشخّص کرده‌اند؛ به سبب آنکه در تقسیم‌بندی‌های قبلی مورد بحث قرار نگرفتند، در پایین به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

۱ـ خانواده‌ی زبانی قفقازی

این خانواده شامل زبان‌های قفقازی شمالی و جنوبی می‌شود؛ در مناطق کوهستانی قفقاز در اتحاد شوروی (سابق) و در برخی مناطق دیگر آن زبان‌های نسبتاً متفاوتی به کار می‌رود. می‌توانیم بعضی از این زبان‌ها را با دقت مشخّص و آن‌ها را از زبان‌های شناخته شده‌ی هند و اروپایی مانند زبان آسی ایرانی و ارمنی متمایز کنیم. اما زبان‌های دیگری که در این منطقه به کار می‌روند به طور کلی به دو گروه متفاوت تقسیم می‌شوند که به نامهای قفقازی شمالی و قفقازی جنوبی مشهور هستند.

ـ خانواده‌ی قفقازی شمالی شامل زبان‌های لزگی و چرکسی می‌باشد.

ـ خانواده‌ی قفقازی جنوبی زبان‌های گرجی، لاز و مینگریلی را در بر می‌گیرد.

کوه‌های قفقاز مرز طبیعی میان اروپا و آسیا را تشکیل می‌دهند و جایگاه مجموعه‌ی زیادی از زبان‌ها و به کوه زبان‌ها مشهور است که در برگیرنده زبان‌های حاشیه‌ی قفقاز مانند خانواده‌ی زبانی اصلی مثل ترکی (آذری) هم می‌شود. (٦٦)

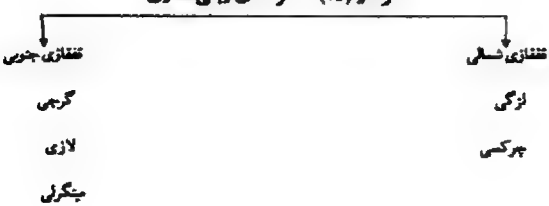
۲ـ زبان باسک

این زبان در اروپا کار بردارد و در منطقه‌ی پیرنه در شمال اسپانیا و جنوب فرانسه با آن سخن می‌گویند؛با این حال، زبانی غیر اروپایی می‌باشد. زبان باسک تاکنون جزء زبان‌های مستقل (تک) محسوب گردیده و ارتباط آن با زبان‌های باستان و نو تایید نشده است. (٦٧)

۳ـ خانواده‌های زبانی مون ـ خُمر

یکی دیگر از زبان‌های جنوب شرق آسیا زبان مون خُمر است که دو عضو مهمّ آن شامل مون در برمه و تایلند و خمر یا کامبوجی، زبان رسمی کامبوج، است. زبان ویتنامی یا آنامی دارای مشترکات ساختاری ویژه‌ای با اکثر زبان‌های مجاور خود می‌باشد.

نمودار (١٤)- خانواده ی زبانی قفقازی



- به استثنای این زبانها زبان آسی ایرانی و زبان ارمنی (دو زبان شناخته شده ی هندو اروپایی) در قفقاز وجود دارند.

- ترکی و آذری از زبانهای اطراف قفقاز می باشد.

- زبان کردی در چند کشور قفقاز مانند (ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) وجود دارد

٤ـ زبان‌های اولیه‌ی قاره‌ی آمریکا (سرخ پوستان آمریکایی)

آمریکای کنونی جایگاه اولیه‌ی سرخ پوستان آمریکایی است، حال به جولانگاه

ملّت‌های همچون انگلیس، اسپانیا، و پرتغال و فرانسه تبدیل شده است که از مناطق و مکانهای مختلف اروپا به آمریکا آمده‌اند. سرخ پوستان ملّتی ستم دیده در تاریخ می‌باشند و برعکس به مردم معرفی شده‌اند. آن‌ها اکنون زبان‌های خود را از دست داده و با زبان‌های دیگر صحبت می‌کنند؛ نسل جدید آن‌ها زبان فرهنگ و سنن خود را فراموش کرده‌اند.

پانصد سال قبل اروپایان به آمریکا آمده و عرصه را بر سرخ پوستان تنگ و سرزمین آن‌ها را اشغال نمودند. تعداد بسیار کمی از سرخ پوستان باقی مانده و نسل تازه‌ی آن‌ها در ملّت‌های آمریکایی ادغام شده است و به طور کامل قابل‌شناسایی نمی‌باشند.

زبان‌های سرخ پوستان آمریکایی از نظر جغرافیای طبقه‌بندی شده‌اند. بعضی از آن‌ها بدون باقی گذاشتن هیچ اثری از خود از بین رفته‌اند و بعضی دیگر را می‌توان فقط از طریق نوشته‌های جهانگردان و مبلغان مذهبی بازسازی کرد. گروه دیگری از زبان‌های بومی آمریکا موضوع پژوهش‌های دقیق زبان‌شناسان در طول قرون گذشته بوده‌اند که به جز تعداد کمی از آن‌ها بقیه از بین رفته‌اند.

زبان‌شناسان زبان‌های بومی این قاره را به سه خانواده زبانی آلوت، نا ـ دنه و آمریند تقسیم کرده‌اند.

ـ زبان اسکیمو ـ آلوت: در جنوب سرزمین اسکیموها، شمال غرب اقیانوس آرام، آلاسکا، شمال غرب کانادا و کالیفرنیا مردم به زبان‌های مانند بیافر و چی پویایی سخن می‌گویند که وابسته به خانواده‌ی زبانی آتاباسکی می‌باشند.

ـ زبان آپاچی(**Apachea**): در جنوب غرب ایالت متحده آمریکا یافت شده و یکی از شاخه‌های مستقل خانواده‌ی آتاباسکی است. یکی از مهم‌ترین زبان‌های آن زبان ناواهواست که هنوز هم دارای کاربرد فراوان است. زبان آتاباسکی تا حدود زیادی به دو زبان هایدا و تلینگ رابطه دارد و در نتیجه خانواده‌ی زبانی بزرگتری

به نام ناردینی را تشکیل می‌دهد (٦٨). از قرن ١٦ به بعد، با آمدن اروپائیان به آن سرزمین، زبان‌های اصیل این قاره کم کم تحلیل رفته و زبان‌های اروپایی جای آن‌ها را پر کرده‌اند و سرخ پوستان به مرگ تاریخی دچار شده‌اند.

نمودار (١٥)-زبانهای بومی قاره ی آمریکا (سرخ پوستان)

- آتاباسکی
- آلوت
- آپاچی
- پیافرو
- چیوبابی
- گرینلندی
- اینوکتیتوت

- نادنی
- هایدا
- وتلین گت
- ناواهو
- نالونکویان
- ایروکیویان
- نابسارا
- ناهوناتل (جزء زبانهای اتوازتکی)
- مایان

- زبانهای آمریکای جنوبی
  - ناراوکان
  - کاریبان
  - توپیان

- نامرئند

(تذکر: این مجموعه زبانی دارای زبانهای دیگری می باشد)

چگونگی تقسیم‌بندی زبان‌های جهان

تاکنون دراین گفتار زبان‌های جهان به چند روش تقسیم کردیم تا جایگاه زبان ملی کُردی را در میان آن‌ها مشخّص نمائیم.شناسایی مجموعه‌ی زبانی باید بر اساس اصل مشترکات بین چندین زبان باشد؛ به گونه‌ای که آن زبان‌ها را به زبان اولیه که از آن نشأت گرفته بر گرداند تا چند زبان مشابه و همانند یک خانواده‌ی زبانی را درست کنند.

همچنان که اشاره کردیم، هر مجموعه‌ی زبانی بر اساس روابط خویشاوندی و زبان‌شناسی چند خانواده‌ی زبانی را به وجود می‌آورد. زبان‌شناسان هر مجموعه‌ی زبانی را بر اساس وجودمشترکات در پدیده‌های زبانی به چند خانواده تقسیم‌بندی کرده‌اند. مثلاً مجموعه‌ی زبانی آریایی (هندو آریایی) را به صورت سه خانواده و چهار خانواده (٦٩) هم طبقه‌بندی کرده‌اند.

تقسیم‌بندی مجموعه‌ی زبان‌های ملّت‌های دنیا از چهار به هشت مجموعه (٧٠) هم رسیده است و تقسیم‌بندی به شکل پنج (٧١) یا چهار مجموعه هم وجود دارد. طبقه‌بندی دیگری بر اساس مکان جغرافیایی زبان‌ها با توجه به پنج قاره دنیا یعنی (اروپا، آسیا، آفریقا، اقیانوسیه و آمریکا) وجود دارد که تقسیم‌بندی آمیخته‌ای می‌باشد؛ زیرا در هر قاره زبان‌های متمایزی وجود دارد. آنچه در این نوع طبقه بندی‌ها آشکار است معرفی زبان‌های متفاوت جهان در داخل یک مجموعه است؛ در حالی که، بعضی از آن‌ها اصلاً ارتباط زبانی و خویشاوندی با هم ندارند بلکه بر

اساس اصول واژه سازی و جمله سازی به صورت مجموعه‌ی زبان‌های نواختی (زبان‌های تک هجایی) یا زبان‌های پیوندی و ... غیره تقسیم می‌شوند.

این تقسیم بندی‌ها کامل نیستند؛ زیرا از یک طرف بعضی از آن‌ها بر اساس خویشاوندی و مشترکات در یک مجموعه قرار می‌گیرند؛ در حالی که، بر اساس ویژگی‌های دیگر در مجموعه‌ای متفاوت واقع می‌شوند. در زیر به این نوع تقسیم‌بندی برای نشان دادن این اشکال می‌پردازیم:

- مجموعه‌ی زبانی آریایی
- مجموعه‌ی زبانی سامی ـ حامی
- مجموعه‌ی زبانی دراویدی
- مجموعه‌ی زبانی نواختی آسیا
- مجموعه‌ی زبانی پیوندی
- مجموعه‌ی زبانی پولینزیایی ـ مالایی
- مجموعه‌ی زبانی اقیانوسی
- مجموعه‌ی زبانی سیاهان آفریقا (۷۲)

دو مجموعه‌ی اول بر اساس ارتباط خویشاوندی، مجموعه‌های چهارم و پنجم بر اساس اصول صرفی و نحوی، و هفتم و هشتم بر مبنای مکان جغرافی و نژادی تقسیم‌بندی شده‌اند. تقسیم‌بندی بر پایه‌ی قاره‌ها برای تعیین تعداد و آمار زبان‌های دنیا نیز مفید می‌باشد.

تعیین تعداد زبان‌ها و گویش‌های زنده در دنیای امروز کار سختی است. زبان‌شناسان آن‌ها را حدود ۷۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ هزار دانسته‌اند. این زبان‌ها و گویش‌ها همه در چارچوب سیستم خانواده‌ی زبانی با خصوصیّات مشترک تثبیت می‌گردند. (۷۳)

تعداد خانواده‌های زبانی:

همچنان که که اشاره شد تعیین تعداد خانواده‌های زبانی باید برای مبنای اصول مشترکات و خویشاوندی میان آن‌ها صورت گیرد. بر این اساس، تعداد خانواده‌های زبانی تا (۱۵۰) خانواده‌شناسایی شده‌اند که تعداد ۱۱ تا از آن‌ها به صورت‌های زیر مشخّص می‌گردند) ۷٤)

۱ـ هند وآریایی
ـ آفریقایی ـ آسیایی
۳ـ چینیتبتی
٤ـ آلتایی
٥ـ دراویدی
٦ـ اورالی (فینو ـ اُیگری)
۷ـ نیجریه‌ای و کنگویی
۸ـ ژاپنی
۹ـ باسکی
۱۰ـ سیاهان آمریکایی
۱۱ـ مالایی‌پولنزیایی (جایگاه زبان کُردی در میان خانواده‌ی هند و آریایی می‌باشد).

تعیین خانواده‌ی زبانی در میان ۷۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ هزار زبان بر اساس برخی آمارهای زبان‌شناسان در میان جمعیت (بیش از) ٥ میلیاردی کره‌زمین کار دشواری است و به زمان، فداکاری، بودجه و در اختیار داشتن آمار کلی ملّت‌ها نیاز دارد. زبان‌شناسان بر این باورند، تعداد زبان‌های زنده کنونی به بیش از ۲۵۰۰۰ هزار زبان هم می‌رسد؛ یعنی، بیش از ٥ میلیارد نفر به هفت تا چهل هزار زبان سخن می‌گویند که ۲۵۰۰۰ هزار تا از آن‌ها زبان‌های زنده‌ی جهان می‌باشند (۷٥). دلایل

کثرت زبان‌ها که به مانعی در راه تعیین ماهیت زبان‌ها و خانواده‌های زبانی تبدیل شده است متعددند.

طبقه‌بندی‌های متفاوت مجموعه‌ی زبان

در زیر به طبقه‌بندی‌های فوق در مورد زبان‌های جهان به طور خلاصه می‌پردازیم؛ زیرا قبلاً درباره آن‌ها بحث کردیم و در صورت لزوم بعداً هم به آن‌ها می‌پردازیم. تقسیم بندیهای زیر وجود دارند:

طبقه‌بندی اول به صورت زیر است (٧٦)

١ـ مجموعه‌ی هند و آریایی (آری):

ـ خانواده‌ی بالتیکی‌ـسلاوی

ـ خانواده‌ی نپالی

ـ زبان ارمنی

ـ انگلیسی میانه

ـ خانواده‌ی هند و هیتی

ـ زبان ارمنی

ـ خانواده‌ی هندی

خانواده‌ی زبانی ایرانی (زبان کُردی جزء این خانواده است)

٢ـ خانواده‌ی زبانی سامی:

ـ زبان عبری

ـ زبان موابی

ـ زبان فینیقی

ـ زبان آرامی

ـ زبان مندانی

ـ زبان سریانی

ـ زبان حبشی

ـ زبان عربی

۳ـ خانواده زبانی آلتایی (اورالی ـ آلتایی)

٤ـ زبان‌های تک (مستقل) که به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱ـ زبان‌های تک (مستقل)

۲ـ خانواده‌ی زبانی دراویدی

۳ـ خانواده‌ی زبان‌های اصیل آفریقایی

٤ـ خانواده‌ی زبانی مالایی ـ پولینزیایی

۵ـ خانواده‌ی زبانی چینی ـ تبتی

٦ـ زبان‌های سرخ پوستان آمریکایی شمالی

۵ـ خانواده‌های زبانی که در حال بررسی هستند.

طبقه‌بندی نوع دوم به شکل زیر است که دو معیار برای آن وجود دارد (۱) خویشاوندی دو زبان ارتباط میان آن‌ها را به طور کامل ثابت می‌کنند. (۲) خویشاوندی میان دو زبان به طور کامل ثابت نشده است (۷۷). بر این اساس مجموعه‌های زبانی زیر وجود دارند.

۱ـ مجموعه‌ی زبانی اروپا و خاورمیانه مانند:

ـ خانواده‌ی زبانی هند و آریایی (زبان کُردی در میان این مجموعه و خانواده‌ی زبانی آن است)

ـ خانواده‌ی زبانی حامی ـ سامی

ـ زبان سومری

ـ خانواده‌ی زبان فنلاندی ـ اورگری

ـ خانواده‌ی آلتایی

ـ خانواده‌ی قفقاز شمالی و جنوبی

۲ـ خانواده‌های زبانی آسیا (خانواده‌ی زبان‌های آسیایی)

ـ خانواده‌ی زبانی چینی و تبتی

ـ خانواده‌ی زبانی تایلندی

ـ خانواده‌ی زبانی مون ـحمز

ـ خانواده‌ی زبانی دراوید ی

ـ خانواده‌ی زبانی مالآیایی ـ پولنزیانی

ـ زبان‌های استرالیایی و پاپویی

ـ زبان‌های باستانی آسیا

۳ـ خانواده‌ی زبانی آفریقایی:

ـ خانواده‌ی نیجریه ـ کنگوی خویسان

٤ـ خانواده‌ی زبانی قاره آمریکا:

ـ زبان‌های سرخ پوستان آمریکای شمالی

ـ خانواده‌ی زبانی اسکیمو ـ آلوت و آتاباسکی

ـ خانواده‌ی زبانی کانگی

ـ خانواده‌ی زبانی ایروکویی و ماسکوگی

ـ خانواده‌ی زبانی سویی و اُتو ـ ازتک

طبقه‌بندی زبان‌های جهان بر اساس مکان جغرافیایی (۷۸)

بعضی از زبان‌شناسان زبان‌های دنیا را بر اساس مکان جغرافیایی کنونی شان تقسیم‌بندی می‌کنند. اما این نوع‌شناسایی به فهم ناتمام زبان‌ها می‌انجامد و در پژوهش‌ها ایجاد اشکال می‌کند. در بیشتر کشورهای غربی و به ویژه در قاره‌ی آمریکا، اکثر مردم با مجموعه‌ی هند و آریایی سخن می‌گویند. مهاجرت مردم در

طول تاریخ به نواحی زبانی متفاوت دلیل آشکاری برای پراکندگی و گوناگونی زبان‌ها می‌باشد. امروزه قاره‌های استرالیا، اروپا وخاورمیانه مناطق کاربرد زبان‌های گوناگون هندو آریایی، سامی و ترکی می‌باشند.

بر این اساس تازه‌ترین طبقه‌بندی زبان‌های دنیا مطابق مکان جغرافیایی یعنی با توجه به وجود زبان‌ها در قاره‌های آسیا، اروپا، آفریقا، اقیانوسیه و آمریکا (۷۹) به صورت زیر مشخّص می‌شود.

۱ـ اروپا

۱ـ ۱ـ زبان هند و آریایی

۱ـ زبان آلمانی ۲ـ زبان سلتی ۳ـ زبان رومیایی ٤ـ زبان‌های سلاوی ۵ـ دیگر زبان‌های هندو آریایی در اروپا ٦ـ زبان‌های هند و اروپایی غیر اروپایی در اروپا مانند:

۱ـ ۲ـ زبان‌های اورالی

۱ـ ۳ـ زبان‌های باسکی

۱ـ ٤ـ زبان‌های قفقازی

۱ـ ۵ـ زبان‌های غیر هند و اروپایی در اروپا مانند: (تاتاری، چواشی، مغولی، قزاقی ـ آذری، مالتی)

۲ـ آسیا

۲ـ ۱ـ زبان اورالی

۲ـ ۲ـ زبان آلتایی

۲ـ ۳ـ زبان سیبریایی

۲ـ ٤ـ زبان آفروآسیایی

۲ـ ۵ـ زبان هند و آریایی (زبان کُردی در این مکان است)

۲ـ ٦ـ زبان‌های مستقل جنوب آسیا

۲ـ ۷ـ زبان دراویدی

۲ـ ۸ـ زبان استروآسیایی

۲ـ ۹ـ زبان میائو ـ یائو

۲ـ ۱۰ ـ زبان چینی ـ تبتی

۲ـ ۱۱ـ زبان کام ـ تایی

۲ـ ۱۲ـ زبان ژاپنی و کره‌ای

۲ـ ۱۳ـ زبان استراندونزیایی

۳.آفریقا

۳ـ ۱ـ زبان‌های آفروآسیایی:

۳ـ ۱ـ ۱ـ زبان‌های سامی

۳ـ ۱ـ ۲ـ زبان‌های بربری

۳ـ ۱ـ ۳ـ زبان کوشی

۳ـ ۱ـ ٤ـ زبان‌های چادی

۳ـ ۲ـ زبان‌های نیلی بیابانی

۳ـ ۳ـ زبان‌های نیجرـکوردوان

۳ـ ٤ـ زبان‌های خویسانی

۳ـ ۵ـ زبان‌های هند و آریایی

۳ـ ٦ـ زبان‌های استراند و نزیایی

٤ـ اقیانوسیه

٤ـ ١ زبان‌های استراند و نزیایی

٤ـ ٢ زبان‌های پاپوان

٤ـ ٣ زبان‌های اصیل استرالیا

٥ـ آمریکا

٥ـ ١ زبان‌های هند و آریایی

٥ـ ٢ زبان‌های اصیل آمریکایی

جایگاه زبان کُردی بر اساس قاره‌های دنیا

بر اساس تقسیم‌بندی‌های فوق زبان کُردی در مجموعه‌ی زبانی هندو آریـایی و در خانواده‌ی زبانی ایرانی قرار دارد. بر اساس مکان جغرافیـایی زبـان‌هـا در میـان قاره‌های جهان در جنوب غربی قاره‌ی آسیا واقع است.

زبان‌های اقیانوسیه

در قاره‌ی اقیانوسیه چند زبان دارای سخنوران بومی می‌باشند که جزء زبان‌های استراندونزیایی به شمار می‌روند (۸۰) که شامل زبان‌های زیر هستند:

۱ـ گینه‌ی نو: این زبان‌ها از زبان‌های خانواده‌ی استراندونزیایی است و فقط در اطراف ساحل (اش) کاربرد دارند.

۲ـ [زبان‌های بومی:] در استرالیا زبـان‌هـای بـومی وجـود دارنـد امـا اسـناد و نوشته‌های دولتی با زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی نوشته می‌شود.

۳ـ هاوایی: با آن در نزدیکی شرق اقیانوس آرام سخن مـی‌گوینـد، ولـی زبـان رسمی آن ایالت زبان رسمی آمریکا یعنی انگلیسی می‌باشد.

٤ـ فرانسه: زبان اکثریت در کالدونیای نو می‌باشد.

۵ـ توک پسین: زبان آمیخته (میانجی)ای است که عناصر آن از زبان انگلیسی و گینه‌ی نو گرفته شده است.

جدول شماره (۱٦): - زبانهای اقیانوسیه



زبان‌های افروآسیایی

خانواده‌ی زبانی افرو آسیایی بخش عمده‌ای از پیرامون شمال و صحرای آفریقا را در بر گرفته و تا نزدیکی شرق شاخ آفریقا هم گسترش یافته است.

زبان‌های این خانواده جزء اصلی‌ترین زبـان‌هـای حـوالی جنـوب غـرب آسـیا هستند؛ این زبان دارای پنج شاخه زبانی اصلی مانند: سامی، مصری، بربری، کوشی و چادی می‌باشد (بر ساس مکان جغرافیای زبان‌های جهان به طور خلاصه توضیح داده شدند). زبان آموتی که به زبان کوشی غربی هم معروف است شاخه‌ای از این زبان می‌باشد. زبان مصری باستان هم که در دوره‌ی میانه به زبان قبطی تغییر کرد و تا قرن شانزدهم تداوم یافت جزء این خانواده ست. (۸۱)

زبان‌های استراند و نزیایی

اکثریت سخنوران این خانواده‌ی زبانی در اندونزی، فیلیپین، و مالزی گرد آمده‌اند و شامل مالایایی هم می‌شود که در عصر حاضر بیشتر به دو نام باهاسای ـ مالیزیایی یاباهاسای اندونزیایی خوانده می‌شود و زبان رسمی مالزی و اندونزی محسوب می‌شود. این زبان در کشور برونه‌ای زبان رسمی و یکی از زبان‌های رسمی سنگاپوراست که دارای حدود ۲۰ میلیون سخنور می‌باشد. زبان‌های زیر جزء این خانواده می‌باشند: جاوه‌ای، وندایی، مادوری، میانگ کاباو، بالینی، بوگینی، ماکاساری، آچینی، توباباتک، ساساک، لامپونگ، دایاگ، تاگالوگ و زبان تگالوگ که در فیلیپین دارای ۱۰ میلیون سخنور و زبان دوم آنجاست. تمام زبان‌های استراندونزیایی در فیلیپین شامل زبان‌های زیر می‌باشند:

- **کبو آنو:** دارای ۱۸ هجده میلیون سخنور می‌باشد.
- **ایلوکانو:** دارای ۵ میلیون سخنور می‌باشد.
- **هیلی گانیون:** ٤ میلیون نفر از آن استفاده می‌کنند.
- **بیکول:** ۳۰ میلیون نفر با آن صحبت می‌کنند.
- **ساماری لیته یا وارای وارای:** دو تا سه میلیون نفر با آن سخن می‌گویند.
- **کاپام پانگان:** یک میلیون و نیم با آن حرف می‌زنند.
- **پانگاسینان:** حدود یک میلیون سخنور دارد. (۸۲)

این مجموعه‌ی از نظر مکان جغرافی و کاربرد جزء مجموعه زبانی آسیای می‌باشد.

زبان ژاپنی و کره‌ای: این دو زبان به سبب تک هجایی بودن اکثر واژه‌های آن‌ها جزء زبان‌های تک (مستقل) یعنی زبان‌های تک هجای می‌باشند. آن‌ها به زبان‌های آلتای نزدیک هستند. حدود ۱۵۰ میلیون نفر با زبان ژاپنی و اکثراً در کره سخن می‌گویند و جزء زبان‌های آسیایی به شمار می‌رود.

زبان‌های سیبریایی: در پیرامون آسیا کاربرد دارد و جزء خانواده‌ی هند واروپایی، اورالی یا آلتایی به شمار نمی‌آید، بلکه جزء زبان سیبریایی یا سیبریایی باستان است و از زبان‌های زیر تشکیل می‌شود:

زبان کت ket: یکی از زبان‌های است که در ساحل رود (ینی سی) استفاده می‌شود. جزء زبان‌های مستقل (تک هجایی) می‌باشد. زبان‌شناسان تاکنون خویشاوندی آن را با زبان‌های دیگر تأیید نکرده‌اند.

زبان یوکاقیر: یکی از آن زبان‌های است که در منطقه‌ی شمال غربی سیبری به کار می‌رود؛ بعضی معتقدند که این زبان با زبان اورالی هم خانواده است.

زبان نیوخ: در سرچشمه رود آمورو و جزیره‌ی ساخالین به کار می‌رود و به نظر بیشتر زبانشاسان جزء زبان‌های تک هجایی می‌باشد.

زبان آینو: در جزیره هوکایدوی ژاپن دارای سخنور و به نظر بعضی از محققان یکی از زبان‌های آلتایی می‌باشد.

زبان چوکوتکو ـ کامچاتکایی: در آن سوی شرق سیبری سخنور دارد و زبانی اورآسیایی (اروپا و آسیا) به شمار می‌آید که شبیه زبان‌های اسکیمویی‌ـالوتی می‌باشد.

این زبان یکی از شاخه‌های زبان اوراسیایی مانند زبان‌های اسکیمویی اطراف قطب شمال در سیبری و تعددی از زبان‌های قبایل اسکیمویی شمال قاره‌ی آمریکا می‌باشد (۸۳) و یک زبانی آسیایی محسوب می‌شود.

زبان‌های میائو ـ یائو: این زبان‌ها از نظر مکان جغرافیایی کاربرد وابسته به مجموعه زبان‌های آسیایی می‌باشند و به نام همونگ ـ مین معروفند و محدوده‌ای از جنوب چین تا مسیر پائین کشورهای جنوب را در بر می‌گیرند.

میائو: این زبان بیشتر به نام همونگ مشهور است و حدود ۵ میلیون نفر با آن سخن می‌گویند.

یائو- یامین: اگر چه جای بحث دارد، اما این دو زبان دارای بیش‌ترین خانواده‌های زبانی می‌باشند؛ با این حال، بعضی از زبان‌شناسان تلاش کرده‌اند تا ثابت کنند که با مجموعه‌ی زبان‌های چینی - تبتی و آستریک هم خانواده‌اند.(٨٤)

نمودار شماره (۱۷): - تقسیم بندی دیگر زبانهای استروآندونزیایی



زبان‌های بومی استرالیایی

هنگام برخورد اروپائیان با مردم اصیل این منطقه در ۲۰۰ سال قبل، نزدیک به ۲۰۰ زبان متفاوت در استرالیا و الجزایر اطراف آن صحبت می‌شد. اما اکنون نصف یا یک چهارم از آن تعداد باقی مانده است که زبان‌های زیر جزء آن‌ها هستند:

زبان تی وی Tiwi: در سواحل شمالی استرالیا قرار دارد.

زبان جینگیلی: این زبان از مرکز منطقه‌ی شمال استرالیا به اطراف پراکنده شده است. تعداد سخنواران زبان‌های استرالیایی کم است و از حدود دویست هزار نفر بیشتر نیست. در این ناحیه زبان‌های آمیخته‌ای هم وجود دارند که به زبان‌های مادری تبدیل شده‌اند مانند زبان کریول (مادری آمیخته ی) روپرریور که دارای حدود ۱۰ هزار سخنور بومی می‌باشد و به عنوان زبان دوم به کار می‌رود (۸۵).

زبان‌های دیگری به نام زبان میانجی (پیچین) یا زبان آمیخته‌ی مادری (کریورل) وجود دارد که در نتیجه ترکیب دو زبان به وجود می‌آید و در باره‌ی آن‌ها در منابع زبان‌شناسی کُردی تاکنون بحث نشده است و حالا لازم است آن‌ها را توضیح دهیم. (۸٦)

زبان میانجی و آمیخته مادری

زبان میانجی زبانی است که دارای ساختار دستوری ساده و واژه‌ها و جملات بسیار کوتاه است. تاریخ شکل گیری این نوع زبان جدید است و زبان اصلی (مادری) هیچ کس نیست (۸۷). به علّت نیازهای ارتباطی زندگی بین ملّت‌های دارای زبان‌های متفاوت و عدم درک متقابل زبان سومی ازترکیب زبان‌های اول و دوم به وجود می‌آید که به آن زبان میانجی می‌گویند. زمانی این زبان ایجاد می‌شود که مردم در محیط آن دو اجتماع انسانی سخن همدیگر را متوجه نشوند. در نتیجه، در تلاش برای فهم متقابل در هنگام ارتباط زبان پیچین را شکل می‌دهند. جالب

است بدانیم که بیشتر نیازهای ارتباطی سبب تشکیل این زبان می‌شوند.یکی دیگر ازعلل ظهور این زبان گسترش امپریالیسم و بازتاب استعمارگری می‌باشد. در اینجا دوواقعه‌ی تاریخی عامل ظهور نمونه‌های ازاین زبان‌ها را به عنوان مثال ذکر می‌کنیم. بعد از حمله رومی‌ها به سرزمین گل یعنی موطن اجداد فرانسو یان، مردم گل با اشغال گران رومی در سرزمین خود به زبان لاتینی سخن می گفتند؛ در حالی که، آن‌ها در محیط زندگی خانوادگی با زبان گلی حرف می‌زدند. بدین ترتیب، در داخل خانواده از گلی و و در بیرون از لاتینی به عنوان زبان ارتباطی استفاده می‌کردند که به ایجاد زبان میانجی و آمیخته‌ی فرانسوی انجامید (۸۸). بنا بر این، به جای پیجین (میانجی) از کریول یعنی زبان آمیخته مادری برای چنین زبانی استفاده می‌شود. کریول از ترکیب دو زبان به وجود می‌آید. در نمونه مذکور، مردم گل در خانواده و بیرون هم به جای گلی و لاتینی از زبان فرانسوی یا همان زبان کریول یا آمیخته مادری سود می‌جستند.

دومین رویداد در قرن هفدهم اتفاق افتاد. یکی از زبان‌های آشکارا پیجین زبان بیسلامار است که توسط مردم نویی (وانواتو) در جزیره‌ای با ۱۰۵ زبان متفاوت صحبت می‌شود. به دلیل آنکه نمی‌توانستند با آنهمه زبان مختلف با هم ارتباط بر قرار کنند و منظور هم دیگر را بفهمند، زبان آمیخته‌ای بنام بیسلامار به زبان آن جزیره تبدیل شد.

ریشه‌ی واژه‌ی بیسلامار از **Bichelumar** یعنی **Bichodomar** به معنای کرم دریایی یا خیار دریایی از زبان پرتقالی گرفته شده است. این حشره خوارک لذیذی برای چینی‌ها بود؛ آن‌ها در قرن ۱۷ میلادی از این حشره به عنوان کالای اصلی در اقیانوس آرام استفاده می‌کردند و اساس فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی آن‌ها را شکل می‌داد. بدین ترتیب این زبان از نام این موجود زنده گرفته شده که سبب بقای اقتصادی و در نتیجه ایجاد زبان رسمی (زبان دولتی ـ زبان نوشتار و زبان

ملی) در آنجا شده است. هر چند که ابتدا این زبان در حدود سال ۱۸٦۰ میلادی به دلیل بازرگانی با آن نوع کرم به نام بیسلامار ظهور کرد (۸۹)، اما بعدها به زبان مشترک مردم آن جزیره و آن منطقه تبدیل گشت.

بسیاری از زبان‌های آمیخته بر مبنای زبان‌های اروپایی شکل گرفته‌اند و پیامد دوران استعمارگری و گسترش نیازهای اقتصادی می‌باشند. در نقاط ارتباط و برخورد زبان‌ها در آفریقا، آسیای جنوب شرقی، آمریکای جنوبی زبان‌های آمیخته‌ای تحت عنوان زبان‌های تجاری به وجود آمدند. این نوع زبان‌ها به عنوان زبان کمکی ظهور و مردم عادی کار و زندگی خود را با کمک آن اداره کردند که گاهی به شکل گیری زبانی رسمی مانند زبان توک پسین انجامید.

به شکل فوق زبان میانجی (پیجین) و کریول (آمیخته مادری) گسترش یافته است (۹۰). زبان میانجی و کریول شامل زبان‌های بیسلاما (بیسلامار)، کامرون، کریول، لیبریا، مونوگنیس، موتو، سانگو، زامبیا می‌شود.

طبقه‌بندی زبان‌ها از نظر ساخت واژه

شلیگل در قرن نوزدهم زبان‌هـا را بـر اسـاس منشأ و مـاده‌ی ریشـه، تفـاوت ساختاری و رشد و توسعه‌ی آن‌ها به سه نوع زبان مختلف تقسم کرده اسـت. هـر نوع با توجه به سطح پیشرفت سخنوران آن‌هـا بـا دیگـران فـرق دارد و هـر زبـان مرحله‌ای از مراحل شکوفایی زبان انسان را نشان می‌دهد.

بودوان کورتنی راجع به طبقه‌بندی زبان‌ها در ربع پایانی قرن نوزدهم تحقیقی را به نام (درباره‌ی نقش علمی زبان)، مقاله‌ای را به زبـان روسـی دربـاره‌ی (ویژگـی اختلاط در همه زبان‌ها) و سلسله مقالاتی را درمورد دستور زبـان تطبیقـی منتشـر کرد و در آن‌ها به طبقه‌بندی زبان‌ها پرداخت. او طبقه‌بندی زبان (۹۱) را بر اساس مبنای ساخت واژه (صرف) و جمله سازی (نحو) به صورت رده‌هـای زبـانی زیـر مشخّص کرد:

۱ـ زبان‌های پیوندی

واژه، ماده‌ی اساسی و بنیادی در این نوع زبـان‌هـا اسـت و اگـر معنـی دومـی بواسطه‌ی وند افزایی به آن اضافه شود باعث تغییر صورت واژه‌ی پایه نمـی‌گـردد (۹۲). در این زبان‌ها هر واژه از چند تکواژ تشکیل می‌شود یعنی هر صورت (وند) یک تکواژ را باز نمود می‌کند. این زبان‌ها از پیشوند و پسوند که به ترتیب به پایـه افزوده و باعث تغییر معنی می‌شود استفاده می‌کنند (۹۳)؛ مثـل زبـان‌هـای اورالـی (ترکـی، مغـولی، منشـوری) ژاپنـی، باسـک و کُـردی بـرای نمونـه: ***لولـمـدا،***

شوللیهلکیشان که از یک رشته تکواژ تشکیل و بر اثر پیوند با همدیگر براساس سیستم زبان کُردی به صورت زیر ترکیب شده‌اند.

لول: تکواژی است که هسته‌ی واژه را شکل می‌دهد.

شول، لی، هه ل، کیش، ان، که شامل پنج وندواژه است و هر وندواژه یک تکواژ می‌باشد (تکواژ مستقل+ تکواژ وابسته+ تکواژ وابسته+ تکواژ مستقل+ تکواژ وابسته). بیشتر واژه‌های این زبان‌ها صورت فوق ساخته می‌شوند.

ویژگی‌های زبان پیوندی:

۱ـ واژه‌های آن از تکواژ تشکیل می‌شوند و هر صورت وند در آن یک تکواژ است.

۲ـ تکواژهای آن به هم متصل می‌شوند و به ترتیب بعد از همدیگر می‌آیند.

۳ـ در این رده‌ی زبانی نمونه‌هایی از واژه‌های‌ی دیگر گونه‌های زبان مانند زبان‌های مستقل و پیوندی وجود دارد. برای مثال، واژه‌ها و عناصر (اگر، تا، چونکه، هیشتا) جزء واژه‌های زبان‌های مستقل هستند که تکواژ دیگری به این واژه‌ها نمی‌تواند افزوده شود. نمونه‌های اندکی از واژه‌های زبان کُردی در رده‌ی زبان‌های تصریفی قرار می‌گیرند. بنا بر این، واژه‌های هیچ زبانی کاملاً جزء یکی از گونه‌های زبانی قرار نمی‌گیرد.

٤ـ در زبان‌های پیوندی، وند باعث تغییر در پایه‌ی کلمه، حالت و صرف آن نمی‌شود، اما در زبان‌های اروپایی از جمله فرانسه پسوند صرف فعل باعث تغییر کلمه می‌گردد؛ زیرا به فعل حالت متفاوت تازه‌ای می‌بخشد. (۹٤)

۲ـ زبان‌های مستقل (گسسته)

زبان‌های دارای ساخت خاص خود می‌باشند که هر هجا در آن‌ها اساس و مبنا

و یک تکواژ می‌باشد؛ یعنی هر واژه از یک هجا تشکیل و هجا همیشه ثابت و نامتغیر است و صورت آن به سبب نقش متفاوت دستوری تغییر نمی‌کند؛ تنها از روی ترتیب و هم نشینی تکواژها در رشته‌ی کلام می‌توان به نوع صرفی آن‌ها پی برد (۹۵).

پس هر کلمه‌ای آن تکواژ وابسته است و به پایه‌ی واژه‌های آن وند نمی‌چسپد (۹۶) و به تن‌هایی دارای معنی نمی‌باشند. گسستگی زبان‌ها نسبی است و هیچ زبانی وجود ندارد که کاملاً مستقل (گسسته) باشد.

این زبان‌های دارای ترتیب کلمات ثابت نمی‌باشند و دارای مشترکات و ارتباطات خویشاوندی با دیگر زبان‌ها نیستند (۹۷). این گونه زبان‌ها جزو زبان‌های تک هجای به شمار می‌آیند. نمونه‌های از این زبان‌ها چینی، ویتنامی، تبتی، سیامی، برمه‌ای، مالایی، پولنزیایی می‌باشند؛ زبان‌شناسان این زبان‌ها را به هم مرتبط می‌دانند و هر کدام را با یک نشانه‌شناسایی می‌کنند؛ زیرا در یک ناحیه یا قاره مانند شرق و جنوب شرق آسیا، سرزمین هندوستان، آفریقای مرکزی و جنوبی، و در میان بومیان آمریکا به کار می‌روند. به عنوان زبان مستقل به حساب می‌آیند. نظرهای متفاوتی در مورد طبقه‌بندی این زبان‌ها میان زبان‌شناسان وجود دارد (۹۸)؛ این نوع زبان مجموعه‌ی زبانی بزرگی است که بعد از زبان‌های (هند و آریایی) قرار دارد و کمتر از نصف مردم جهان با آن سخن می‌گویند.

ویژگی‌های زبان‌های گسسته

۱ـ واژه‌های این زبان دارای استقلال معنایی و به صورت تکواژ آزاد می‌باشند.
۲ـ در نتیجه‌ی ترتیب پیاپی تکواژهای آن معنای کلمه مشخّص می‌شود.
۳ـ واژه‌های آن تکواژها (وندهای) وابسته را نمی‌گیرند.
٤ـ استقلال تکواژها حفظ می‌شود و همچون کلمه به کار می‌روند

۵ـ بر عکس دیگر زبان‌ها وند در این نوع زبان وجود ندارد.
۶ـ بعضی از این گونه زبان‌ها دارای تعدادی واژه از دیگر رده‌های زبانی دیگر می‌باشند، مانند زبان انگلیسی.
۷ـ به این نوع زبان‌ها (زبان تک هجایی و گسسته) هم می‌گویند (۹۹). ویژگی مشترک زبان‌های نواختی آسیا وجود واژه‌های تک هجا می‌باشد.
۸ـ این گونه زبان‌ها به شدت وابسته به تجزیه‌ی هجایی و غیر قابل تغییر می‌باشند.

۳ـ زبان‌های تصریفی ـ نقشی

صورت بعضی واژها در این گونه زبان‌ها برای بیان مفهوم مجازی و ضمنی تغییر می‌کند.
کلمات و واژهای این گونه زبان بدون قاعده به تکواژه‌هایی تقسیم می‌شوند. ارتباط میان واژه‌ها در جمله با توجه به نشانه‌ی حالت دستوری (۱۰۰) مثل زبان لاتینی و یونانی نشان داده می‌شود.

ویژگی‌های زبان‌های تصریفی

۱ـ این زبان‌ها تعداد زیادی وند دارند که بیانگر چندین نقش و حالت دستوری به طور همزمان می‌باشند.
۲ـ واژه‌های مرکبی در آن‌ها وجود دارند که دارای مفهوم منفرد و مستقل نیستند.
۳ـ در آن‌ها حروف (وندها) بیانگر چندین نقش یا مفهوم مجازی وارتباط ویژه‌ی واژه‌های پایه می‌باشند. (۱۰۱)

٤ـ زبان‌های انضمامی

گونه‌ای از زبان‌ها است که در آنهاارتباط دستوری از طریق تکواژه‌های وابسته نشان داده می‌شود و تکواژه‌های آن با هم ترکیب و واژه ـ جمله‌ای را تشکیل می‌دهند که تکواژهای آن بیانگر نقش‌های دستوری مرکب هستند (۱۰۲). نمونه‌های از آن‌ها بعضی از واژه‌های زبان کُردی هستند که به صورت جمله می‌باشد، مانند: ***لوولی ئەدەم یا دیمە خوارەوە.***

ویژگی‌ها:

۱ـ واژه‌های این زبان به صورت جمله می‌باشند

۲ـ ارتباط دستوری از طریق تکواژهای وابسته ایجاد می‌شود.

۳ـ تکواژهای آن بعد از کوتاه شدن با هم ترکیب می‌شوند.

مانند مثالهای زیر در زبان کُردی:

در واژه جمله ***بمنوسیایە (Bimnosyaye)***

B: نشانه شرط است

M: ضمیر متصل فاعلی (من) است.

Y: ضمیر مستقل معفولی (آن را) است.

Ye: پسوند گذشته در فعل شرطی است. این کلمه و دیگرنمونه‌ها تعداد زیادی تکواژه را در درون خود برای بازنمود نقش‌های گوناگون جای می‌دهند، مانند: ***بهاتمایە , (Bihatmaye) گە پشتبم .(Gyishtbim)***

٥.زبان‌های میانوندی (قالبی)

در این گونه زبان‌ها وندی در میان پایه‌ی واژه وارد و باعث تولید واژه‌ای نو

می‌گردد؛ وند ارتباط و نقش دستوری را مشخّص می‌کند (۱۰۳) مانند زبان‌های عربی، عبری، لاتینی، یونانی و .... مثلاً عَلمنا، علم: ریشه‌ی همخوان واژه است) میاوند کسره (e) در میان ریشه (پایه)ی واژه وارد شده و نا هم یک تکواژ است. ذاهب: واژه‌ی ذهب ریشه‌ی فعل است و میان وند (ا) در درون واژه وارد شده و اسم فاعل را به وجوَد آروده است.

ذهب: ریشه‌ی واژه است و واژه‌های دیگری از آن تشکیل می‌شوند، مانند: ذاهب، مذاهب، یذهب، ذهاب و...

قرا: در قاری، تکواژ (ا) ریشه (بن) (قرا) را شکافته است و اسم فاعل را به وجود آورده است. تکواژ اسم فاعل ساز در میان حرف اول و دوم بن فعل قرار دارد.

قری: تکواژ ضمه و کسره بر روی حرف اول و دوم بن واژه‌ی فعل نائب فاعل را به وجود آورده است.

مقرو: اسم مفعول است و از طریق علامت سکون بر روی حرف (ق) و ضمه بر روی (ا) درست شده است.

یقرأ: فعل مضارع است ومعنی آن با علامت سکون روی حرف اول ریشه و فتحه روی حروف دوم تغییر کرده است.

با توجه به نمونه‌های بالا مشخَص می‌گردد که به سبب وارد کردن حرفی درمیان حرف اول یا دوم ریشه، واژه‌های نو تشکیل می‌شوند.

جایگاه زبان کُردی بر اساس تعداد واجهای آن در میان زبان‌ها

همه زبان‌ها با چندین صدا (آوا) بازنمود پیدا می‌کنند؛ آوا پایه‌ی اساسی زبان است و گفتار خود مستلزم تولید آوا است. می‌توان گفت که آواها مواد خام زبان هستند که با ترکیب آن‌ها با هم سخن تولید می‌شود. نظریه‌ای به نام **pooh** وجود

دارد که اظهار می‌دارد در آغاز زبان از اصوات ابراز تعجب و عصبانیت انسان اولیه (۱۰٤) و ترکیب و تکرار آن‌ها به وجود آمده است.

در اینجا وارد بحث چگونگی پیدایش زبان و اصوات نمی‌شویم. فقط لازم به ذکر است که تمام زبان‌های گوناگون جوامع انسانی از طریق آوا تولید و اداء و از آوا تشکیل می‌شوند. زبان کُردی جزء زبان‌های ۳٦ واجی می‌باشد؛ هر چند دیدگاهی در مورد تعیین و توصیف تمام آواهای زبان انسان می‌گوید تعداد آواهای تولید شده توسط انسان در هر زبان بیشتر از ۳٦ آوا (واج) نیست که یکی از ویژگی‌های جهانی زبان است (۱۰۵). تعداد واج‌هایی که زبان کُردی را تشکیل می‌دهند شامل ۳٦ واج می‌باشد که به صورت زیر مشخّص می‌شوند:

واکه ها: شوا، ه، ا، و، وٓ، وو، ی، یٓ

همخوانها: ب، پ، ت، ج، چ، خ، د، ر، ڕ، ز، ژ، س، ش، ع، غ، ف، ڤ، ق، ک، گ، ل، ڵ، م، ن، و، ه، ی، ء

لازم به توضیح است که اکثر منابع زبان‌شناسی کُردی همزه (ء) را عنوان یک واج محسوب نمی‌کنند اما در واقع همچنان که از مثالهای زیر پیدا است همزه واج یعنی تمایز دهنده‌ی معنایی می‌باشد: ئه ز، ره ز، به ز؛ نهء، نه و.اما جالب است بدانیم که واج همزه در میان کلمه نمی‌آید و این یکی از ویژگی‌های کُردی است. واج‌های دیگری همچون (ڕ) سبک و (ڵ) تیره وجود دارند که در همه‌ی جایگاها و موقعیّت‌ها نمی‌آیند. پس با احتساب همزه واجهای کُردی به ۳۷ واج می‌رسد.

جایگاه زبان کُردی بر اساس نظام ترتیب اجزاء کلام در جمله

نظام زبان کُردی بر اساس ترتیب کلمات در جمله یعنی چگونگی بازنمود و تظاهر عناصر زبانی مانند اسم، ضمیر و فعل به ترتیب نقش‌های فاعل، مفعول و فعل است. به این صورت، زبان کُردی در ردیف آن زبان‌هایی است که در آن‌ها

فعل یا گزاره **(predicate)** در آخر جمله و ترتیب اجزاء به صورت **(sov)** زیر است. عضوی که کار را انجام می‌دهد در آغاز کلام ویا در اصطلاح زبان‌شناسی در آغاز جمله واقع می‌شود؛ یعنی مشارکت کننده در انجام کار یا بحث در سر آغاز می‌آید. در جایگاه دوم مفعول و در جای سوم هم فعل می‌آید که باهم گزاره (خبر) را شکل می‌دهِند. ترتیب فوق از آن جملات خبری است. بر اساس فرمول‌های زیر چگونگی ترتیب کلی بخش‌های اصلی کلام در جمله را در تمام زبان‌ها مشخّص و سپس جایگاه زبان کُردی را در میان آن‌ها تعیین می‌نمائیم.

انواع ترتیب کلمات به صورت شش نوع زیر می‌باشند:

۱ـ نوع اول: فاعل + مفعول + فعل= **sov**

الف: جمله‌ی فعلیه: من نامه می‌نویسم: ترجمه‌ی کردی:من نامه ده نوسم.

ب: جمله اسمیه: من با تو همکلاسی هستم: ترجمه‌ی کردی:من له گه ل تو دا قوتابیم.

نهاد+متمم +فعل اسنادی

من کوردم (من کردم)، ئیمه مرووین (ماانسان هستم)، من با تو زیبا هستم. (من به تووه جوانم).

جملات زبان کُردی شامل جملات هم فعلیه و هم اسمیه با توجه به ترتیب اجزای اصلی جمله مانند فاعل، مفعول، و فعل در جملات فعلیه و نهاد، متمم، گزاره در جملات اسمیه جزء آن زبان‌های است که فعل آن‌ها در پایان جمله واقع می‌شود.

۲ـ نوع دوم: ترتیب اجزای جمله به صورت: فاعل+فعل+مفعول، مانند زبان انگلیسی **(sov)**

He draws a picture.

۳ـ نوع سوم: ترتیب اجزای اصلی جمله در این نوع زبان‌ها به شکل

فعل+فاعل+مفعول می‌باشد (sov)؛ مانند جمله "کتب محمد درسه" (محمد درسش را نوشت) در زبان عربی که به صورت فوق است.

با توجه به دیدگاه گرنیبرگ (۱۰۶) فاعل در جملات بی نشان همه‌ی زبان‌های دنیا در آغاز جمله می‌آید؛ اگر نظر او درست باشد نباید زبان‌هایی باشند که از نوع سوم و سه نوع ترتیب کلمات دیگر که فاعل در آن‌ها در آغاز نمی‌آید پیروی کنند. این سه نوع زبان اینها هستند:

۴ـ نوع چهارم: مفعول + فاعل + فعل **(osv)**

۵ـ نوع پنجم: مفعول ـ فعل +فاعل **(ovs)**

۶ـ نوع ششم: فعل ـ مفعول + فاعل **(vos)**

پس مشخّص می‌شود که زبان کُردی از نظر نظام و نوع ترتیب عناصر اساسی جمله در میان زبان‌های جهان جزء نظام اول است و فعل جملات آن در آخر جمله می‌آید.

رشد و شکوفایی زبانی چیست؟

رشد و شکوفایی در زبان به معنی تغییر و توسعه‌ی زبان در نتیجه تحوّل مراحل تاریخی آن می‌باشد و زبان‌ها بخصوص زبان‌های مشابه به دلیل ارتباط خویشاوندی و شباهت واژگانی، صورت و عناصر دستور زبانی را از هم قرض می‌گیرند. این وام گیری سبب مشکل خاصی نمی‌گردد؛ به گونه‌ای که باعث تسلط یکی از آن‌ها بر دیگری شود (۱۰۷).

زبان کُردی در طول تاریخ تغییر و تحوّل خود، صدها واژه را از زبان‌های خویشاوند و مشابه اقتباس کرده است. به همان شکل زبان‌های دیگر صدها واژه رااز آن وام گرفته‌اند. برای مثال، در میان زبان‌های خویشاوند مجموعه‌ی آریایی، ده‌ها واژه‌ی فارسی، هندی و اروپایی وارد زبان کُردی و از کُردی هم کلمات بسیاری وارد آن زبان‌ها شده است. واژه‌های مشترک بسیاری هم در میان این زبان‌ها مانند ژماره، یه ک، ئیک، دوو، تو، دوی، مانگ، مون، ستار، استیره، و ... وجود دارد.

رشد و شکوفایی و تغییر زبان بر اثر چند عامل زیر است.

۱ـ انتقال زبان از گذشتگان به نسلهای بعد.

۲ـ تأثیر پذیری یک زبان از زبان‌های دیگر.

۳ـ عوامل اجتماعی، روانی، و جغرافیایی مانند تمدّن، شیوه‌ی زندگی، نظام باورها، فرهنگ و مسئله‌ی ایدوئولوژی و محیط اطراف هم هر یک به نوبه خود بر رشد و تغییر زبان‌ها تاثیرگذار هستند (۱۰۸).

با توجه به تاریخ رشد وتحوّلات تاریخی به نتایج زیر در باره‌ی زبان کُردی

می‌رسیم:

۱ـ این زبان استقلال خود را حفظ کرده است.

۲ـ دارای حالت دستوری ویژه خود مانند علامت جمع، حرف تعریف و نکره و نمود زبانی تداومی و ... می‌باشد.

۳ـ حالت نشانگر جنس مذکر و مونث در زبان نوشتار (گویش کُردی مرکزی) از بین رفته اما در گفتار تا حدودی حفظ شده است.

٤ـ از نظر واج‌شناسی دارای واجهای ویژه‌ی خود است.

مکان جغرافیایی زبان کُردی

زبان کُردی زبان ملّت کرد و در سراسر سرزمین کُردستان با آن سخن می‌گویند و دارای کاربرد است. این سرزمین در جنوب غرب قاره‌ی آسیا واقع شده است (۱۰۹). در شمال آن منطقه‌ی کردنشین ناگرنی در قره باغ در میان ارمنستان و آذربایجان قرار دارد؛ دنباله‌ی مرز شمالی آن در ترکیه تا ارزوم کشیده شده است؛ مرز جنوبی آن به قسمت پائین رشته‌کوه زاگرس یعنی پشتکوه در شرق خلیج فارس می‌رسد؛ در غرب به فلات آناتولی و در شرق هم به فلات ایران منتهی می‌گردد (۱۱۰).

جغرافیای زبان کُردی با توطئه‌ای بین المللی و به سبب منافع سیاسی با قراردادی سیاسی از هم گسسته و به پنج قسمت تقسیم شده است؛ هر قسمت آن جزء کشورهای دارای زبان‌های ملی مختلف مانند عربی، ترکی، فارسی، روسی و آذری و تحت تسلط این زبان‌ها و فرهنگ‌ها است و تأثیرات آن‌ها در گویش‌های گوناگون زبان کُردی در هر بخش آن بازتاب پیدا کرده است. برای مثال، کردهای شرق کُردستان آوای / / را در بعضی واژه‌ها با /و/ و در شمال هم آواهای /ح/ و /ک/ را با/هـ/ و /ق/ ادا می‌کنند.

در جنوب کُردستان هم چندین کلمه را تحت تأثیر آواسازی عربی ادا می‌شوند. برای نمونه: شیشان، سین، صابر، شاد، اسرائیل، فوئاد و...را به ترتیب به جای چچن، چین، سابر، چاد، اسرایل و فواد و غیره تولید می‌کنند. به جز این موارد می‌توان به استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات بسیاری از زبان‌های متفاوت ترکی، عربی، فارسی و آذری در بخشهای جدای کُردستان و به سبب موقعیّت جغرافیایی متفاوت همچون واقعیّتی در درون زبان کُردی اشاره نمود که به یکی از موانع بازدارنده در راه شکوفایی و گسترش زبان استاندارد کُردی یا آن گویشی که بخواهد نقش زبان معیار را در زمینه‌های مختلف داشته باشد تبدیل شده است. متأسفانه منابعی هستند که نویسنده‌های آن‌ها تعداد سخنوران زبان کُردی را در مناطق مختلف کُردستان نادرست نوشته‌اند و این اشتباه ناشی از تفکّری نژاد پرستانه است که از همان نگاه اول برای خواننده آشکار می‌گردد. مثلاً گویا زبان کُردی دارای ۵ میلیون سخنور در ترکیه، عراق، ایران، سوریه، واتحاد جماهیر شوروی سابق است؛ بعضی منابع جمعیت کُردها را در سه کشور (ترکیه، عراق و ایران) حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر، در سوریه دویست هزار و در شوروی سابق هم صد هزار نفر قلمداد کرده‌اند. (۱۱۱)

در واقع آمار بالا هیچگاه با واقعیّت علمی به هنگام نوشتن منابع مذکور هم خوانی نداشته است. مترجم محترم کتاب زبان‌های جهان که در سال ۱۹۷۷ نوشته شده و او بعدها آن را ترجمه کرده است بایستی اشاره می‌کرد که اکنون آن آمار درست نیست.

کتاب دیگری به نام *مقدّمه‌ی زبان‌شناسی ایرانی* که کریم کشاورز آن را به فارسی ترجمه کرده است به بحث در مورد زبان‌های ایرانی، مکان کاربرد و تعداد سخنوران آن‌ها می‌پردازد که در آن تعداد کُردها را (۷الی۸) میلیون نفر (۱۱۲) ذکر کرده است؛ همان نویسنده در سال ۱۹۷۶ تعداد کُردها را ۱۲ میلیون نفر دانسته

است (۱۱۳). از منظر علمی این آمار در سال نگارش کتاب *مقدّمه‌ای بر زبان‌شناسی ایرانی* و مخصوصاً تاریخ ترجمه آن در ۱۹۷۹ بسیار کم‌تر از واقع است و می‌توان گفت که آمار کردهای شمال کُردستان در آن زمان به تن‌هایی از آمار مذکور بیشتر بوده است. اکنون با دلایل علمی و جغرافیایی و با توجه به سرشماری‌های انجام گرفته آمارهای اشتباه فوق را تصحیح می‌کنیم.

این آمارها در زمانهای تاریخی متفاوت در سال‌های ۱۹۲۵، ۱۹۵۰، ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۲۰۰۰ از تمام بخش‌های کُردستان به استثنای کردهای شوروی سابق به دست آمده است.

سال	کردستان بزرگ	شمال	جنوب	شرق	غرب
۱۹۲۵	٤۳۸٦۰۰۰	۱۹٦٥۰۰۰	۷۷۲۰۰۰	۱٥۸٦۰۰۰	٦۳۰۰۰
۱۹٥۰	۸٥۰٤۰۰۰	۳۷٦۰۰۰	۱٤۹۳۰۰۰	۳۰٤٦۰۰۰	۲۰٥۰۰۰
۱۹۷۰	۱٥۱۱۱۰۰۰	٦۷۸٦۰۰۰	۲٦۱۲۰۰۰	٥۲۲۰۰۰۰	٤۹۳۰۰۰
۱۹۷٥	۱۷٥۰٥۰۰۰	۷۷۷۹۰۰۰	۳۰۷۷۰۰۰	٦۰۷۲۰۰۰	٥۷۷۰۰۰
۲۰۰۰	۳٥۲٤۷۰۰۰	۱٤۷٤۸۰۰۰	٦۳۹۰۰۰۰	۱۳۳٦۸۰۰۰	۷٤۱۰۰۰

برای مثال، کتاب مذکور آمار کُردها را در سال انتشار کتاب یعنی ۱۹۷۹ (۷ الی۸) میلیون نفر دانسته که بر اساس جدول مذکور در سال ۱۹۷٥ آمار کلی کُردها (۱۷٥۰۰۰۰۰) نفر و تنها در شمال (۷۷۷۹۰۰۰) نفر بوده است. آمار کلی جمعیت کُردها بدون محاسبه کردهای شوروی سابق در سال ۲۰۰۰ به (۳٥۲٤۷۰۰) میلیون نفر رسیده است (۱۱٤).

مراحل تاریخی زبان‌های ایرانی

زبان همچون پدیده‌ای زنده و اجتماعی در حال تغییر و رشد می‌باشد. جامعه‌ی انسانی متوقف نمی‌شود و همراه با خود تمام پدیده‌های زندگی را نیز تغییر می‌دهد؛ به پیش می‌تازد و از نو تازه می‌شود و سیمای زندگی به خود می‌گیرد واین تغییر و رشد در زبان هم بازتاب می‌یابد. این تغییرات را بر اساس تحوّلات تاریخی آغاز و پایان مراحل زبان کُردی با ذکر مثال مشخّص می‌نماییم. اکنون به معرفی دوره‌های تاریخی زبان‌های ایرانی و به تبع آن در کُردی با ارائه‌ی نمونه می‌پردازیم.

زبان‌های ایرانی سه دوره‌ی تاریخی را پشت سر گذاشته‌اند مانند:

۱ـ دوره‌ی باستان زبان‌های ایرانی:

حداقل، تاریخ باستان زبان‌های ایرانی به هشت تا نه قرن قبل از میلاد از آغاز بنیان گذاری دولت ماد تا پایان حکومت هخامنشیان (۱۱۵) بر می‌گردد. برخی‌ها تاریخ آن را در میان قرون (۶ـ ۸ ق.م) می‌دانند که شامل زبان مادی، زبان اوستایی، فارسی باستان و سکایی می‌گردد (۱۱۶).

آثار زبان‌های باستانی ایران به خط میخی نوشته شده و به علّت روایی بالا تاکنون باقی مانده و به دست ما رسیده است. زبان‌ها و گویش‌های قبایل و ملّت‌های باستان آن دوران خصوصیّات و ویژگی‌های کاملاً مشخّصی دارند.

کتیبه‌های آن دوران به فرمان و به نام پادشاهان سلسله‌ی هخامنشی در طی قرون ٤ الی ٦ قبل از میلاد در غرب و جنوب غربی ایران در طول راه تجاری و بر روی سنگ‌ها، مقبره‌ی پادشاهان، کاخها، تالارها، طلاها، سلاحها، خشتها، و کتیبه‌های سنگی حک شده است (١١٧). این کتیبه‌ها اسناد و مدارک تاریخی و زبان‌شناسی بسیار ارزشمندی می‌باشند و باارزش‌ترین آن‌ها به قدمت بیش از ٢٥٠٠ سال برای حفظ علم و دانش باستان به نام داریوش اول (٤٨٦ الی ٥٢٢ ق م) بر روی صخره‌های کوه بیستون در نزدیکی کرمانشاه قرار دارد.

زبان‌های دوره‌ی باستان یعنی گویش‌های مجموعه‌ی غربی ایران به دو شاخه تقسیم می‌شوند:

١ـ گویش‌های شمال غربی: مانند مادی که در شمال غربی فلات ایران کاربرد داشته است؛ زبان و گویش‌های کُردی امروزه وابسته به این شاخه می‌باشند.

٢ـ گویش‌های جنوب غربی مانند زبان پارسی که در جنوب غربی فلات ایران و در نزدیکی خلیج فارسی یعنی در استان فارس کنونی جزو این شاخه است. زبان کتیبه‌های فارسی باستان به خط میخی وابسته به این شاخه است (١١٨). به آثار زبان‌های دوره‌ی باستان ایران در تاریخ نو زبان‌های مرده اطلاق می‌گردد و هر دو زبان مادی و پارسی باستان در عصر حکومت ماد و دولت هخامنشی نمونه‌های از زبان‌های این دوره می‌باشند. زبان‌های دوره‌ی باستان این‌ها هستند:

١ـ **زبان اوستایی:** این زبان بیشتر تحت عنوان کتاب مقدس دینی معروف است (قبلا به بحث آن پرداختیم و اکنون همچون زبانی باستانی ایرانی در مورد آن بحث می‌کنیم). کهن‌ترین صورت زبان ایرانی باستان است و شباهت زیادی با کُردی دارد و بدین سبب از لحاظ شباهت واژگانی می‌تواند باستانی‌ترین صورت زبان کُردی به شمار آید. این زبان همراه با مادی دارای تاریخی بسیار کهن است. چند کتاب با زبان اوستا نوشته و محتوی آن‌ها سرودها و مقررات مذهبی ملّت‌های

باستانی ایران است (۱۱۹). به اعتقاد بعضی از زبان‌شناسان ایرانی در صورتی اوستا گویشی از زبان مادی نباشد، زبان مستقلی است. این زبان دستور زبانی قدیمی دارد.

واژه اوستا به معنی مخفیگاه، پناهگاه و مأمن می‌باشد. اوستا همچون کتاب نام آن زبانی است که کتاب با آن نگاشته شده است؛ اما تقدس مذهبی سبب شده که با نام کتاب مشهور گردد. محتوی کتاب در برگیرنده‌ی سروده‌های مذهبی متنوع با افسانه‌ها و مقررات دینی و راه و رسم مذهبی می‌باشد. برای اولین بار در قرن اول قبل از میلاد دست کاری شده و تغییر یافته است و به صورت یک زنجیره‌ی نوشتاری در آمده است (۱۲۰).

در همان زمان نگارش، اوستا زبانی مرده محسوب می‌شد. اوستا از دوره‌ی ساسانی در قرون (۳ـ ۷) میلاد یعنی در عصر آئین زردشت کتاب مقدس ایران باستان بوده است. کتاب اوستا از طرف یونانی‌ها، ایلامی‌ها، بابلی‌ها و بعداً لشکریان اسلام به هنگام ورود به کُردستان و ایران سوزانده شده است. اصل کتاب مقدس اوستا که به زبان اوستایی باستان نوشته شده به دست ما نرسیده و از بین رفته است. محتوی آن را بعداً باز تفسیر کرده‌اند؛ آنچه اکنون موجوداست رونوشت دوم اوستاست که تاریخ آن به قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی بر می‌گردد و زبان سرزمینی به نام آریاویچ بوده است.

۲ـ **زبان پارسی**: زبان قبایل باستانی ایران و یکی از زبان‌های قدیمی (۱۲۱) ایرانی می‌باشد که در نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول قبل از میلاد بخشِ جنوب غربی فلات ایران را در برگرفته است. زبان فارسی باستان با کتیبه‌های میخی به جا مانده از خاندان پارسی پادشان هخامنشی سده‌ی ششم تا چهارم قبل از میلادی شناخته می‌شود.

۳ـ **زبان سکایی (اسکینی)**: زبان قبایل سکایی در سرمدی است که در قرن

هشتم و هفتم قبل از میلاد تا قرون چهارم و پنجم بعد از میلاد در کنارههای شمالی دریای سیاه و دریای آزف اسکان داشتهاند. بیشتر اسامی خاص و اسم قبایل و اماکن اسکیتی در کتاب‌های یونانی دیده می‌شود (۱۲۲)؛ آن قبایل شامل سکی غربی در کناره‌ی دریای سیاه و دریای آزف و سکی شرقی از شرق تا مرز چین می‌گردد (۱۲۳).

٤ـ زبان مادی: زبان مادها اجداد کردهای امروز می‌باشد و در دوران حکمرانیشان، در میان قرون ٦ تا ٨ قبل از میلاد، زبان رسمی بوده است. بعضی منابع دوره‌ی آغازین آن را به نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول قبل از میلاد بر می‌گردانند؛ آن‌ها در شمال ایران و جنوب دریای قزوین (خزر) سکونت داشته‌اند. اطلاعات درباره‌ی این زبان از سکایی هم کمتر است. متون مربوط به زبان مادی در دسترس دانشمندان نیست (١٢٤) و فقط تعدادی از اندک واژه‌های آن در کتابهای هیرودت در یونان باستان و دیگر متون یونانی حفظ شده است.

در پایان بحث از مرحله‌ی اول تاریخ باستان زبان‌های ایرانی به واقعیّتی تاریخی یعنی وجود زبان‌های زاگرسی مانند سومری، گوتی، لولوبی، ایلامی، کاسی، اوراتویی و جایگاه و رد آن‌ها در سرزمین کهن کُردها می‌پردازیم. تاریخ باستان زبان‌های ایرانی و زبان کُردی دو مرحله را پشت سر گذاشته است. مرحله‌ی اول به تاریخ زبان‌های زاگرسی قبل از مادها و دولتشان و زبان اوستایی و پارسی بر می‌گردد. بعد از نابودی دولت‌های زاگرس نشین، ملّت‌هایشان در درون ملّت ماد ذوب شدند که یک واقعیّت تاریخی می‌باشد. از آن به بعد است که مرحله‌ی دوم زبان‌های باستانی ایرانی و کُردی فرا می‌رسد. بدین سبب، لازم است به این واقعیّت که از دیدگاه تاریخی و زبان‌شناسی و بالاخص زبان‌شناسان کرد پنهان مانده توجه شود.

۲ـ دوره‌ی میانه:

دوره‌ی میانه‌ی زبان‌های ملّت‌های ایرانی از قرون ۳ تا ٤ ق.م شروع و تا قرون تا ۹ میلادی تداوم می‌یابند و شامل عصر دولت‌های اشکانی و ساسانی می‌گردد. در پایان مرحله‌ی اول به دنبال سرنگونی دولت هخامنشی در ۳۳۱ قبل از میلاد (۱۲۵)، دوره‌ی باستانی زبان‌های ایرانی به پایان می‌رسد و دوره‌ی زبان پهلوی در میان سال‌های ۳۰۰ قبل از میلاد تا ۲٦٦ میلادی آغاز می‌گردد؛ عصر حکومت ساسانی هم از سال ۲۲٦ ق.م شروع و در قرن ۸ میلادی با سرنگونی آن به دست مسلمانان به پایان می‌رسد. این دوره‌ی کاملاً تاریکی در تاریخ زبان کُردی می‌باشد؛ بطوریکه هیچ سندی از آن زمان به دست ما نرسیده است. اما آثار این دوره به زبان‌های فارسی میانه، (پارتی)، سغدی، خوارزمی و سکایی در دست می‌باشد و در کاوش‌های اخیر در افغانستان آثار بعضی زبان‌هایی ایرانی این دوره به نام زبان بلخی یا تخاری کشف شده است (۱۲٦)؛ همچنین تعدادی ابزارآلات مخصوص به زبان آلانی در شمال قفقاز و جنوب روسیه به دست آمده است.

نوشته‌های زبان‌های ایرانی این مرحله (پارتی، فارسی میانه، سغدی، خوارزمی و ...) به خط آرامی می‌باشند و امور سیاسی و مذهبی دوره‌ی ساسانی همچون هخامنشیان به صورت تراشیده بر روی سنگ باقی مانده است.

ادبیات آئین زردشت و ادبیات غیر دینی این مرحله از حکومت ساسانی تا قرون ۳ الی ۷ میلادی در سده‌های اولیه اسلامی به نگارش در آمده است. تمام این آثار چه به صورت کتاب و چه جزوه به شیوه‌ای متفاوت از خط فارسی میانه (پهلوی) نوشته شده‌اند (۱۲۷). در زیر به بحث در مورد زبان‌های این دوره می‌پردازیم.

۱ـ زبان پارتی (پهلوی اشکانی): بر اساس واژه‌های مشابه با کُردی می‌توان گفت که این زبان به کُردی نزدیک است؛ نشانه‌های دال بر آنند که گویش لری و

هورامی بازمانده‌ی پهلوی می‌باشند و حتی واژه فیلی را صورت متغیر پیلی و فهلوی می‌دانند که بعداً به پهلوی تبدیل شده است. پهلوی همچون زبانی در دوره‌ی میانه در پایان هزاره‌ی اول قبل از میلاد و آغاز هزاره‌ی اول میلادی یعنی در ۳۰۰ پ م تا ۲۲٦ میلادی در قسمت‌های غرب آسیای میانه وخراسان و در دیگر بخش‌های شمال فلات ایران کاربرد داشته است.

زبان پارتی به کمک آثار مانوی تورفان و ترجمه‌ی سنگ‌ نوشته‌های پارتی به زبان پارسی باقی مانده است؛ همچنین اسناد مختلف تجاری وجود دارند که برای بررسی این زبان بسیار مفید می‌باشند (۱۲۸).

۲ـ **زبان پارسی میانه:** این گویش تأثیرات نسبتاً متنوعی را بر روی زبان‌ها بجا گذاشته است؛ بیشتر در سرزمین ایران مشاهده و با خط آرامی نوشته شده است؛ به طور کلی به سده‌های سوم و چهارم بعد از میلاد مربوط می‌شود. در زمان حکومت ساسانی یعنی در میان سده‌های سوم و چهارم بعد از میلاد تا قرن هشتم و نهم میلادی تداوم داشته است. انواع سنگ نوشته‌ها و کتب مذهبی و غیر مذهبی با این زبان مربوط به قرون سوم و چهارم میلادی می‌باشند. اسناد مانوی با آن در آثار فعالیت جامعه‌ی مانوی‌ها در تورفان یعنی (ترکستان چین) پیدا شده است و دارای ارزش بسیارمی باشد. نام گذاری پارسی میانه به نام پهلوی دقیق نیست؛ این مرحله‌ی زبانی دوره‌ی انتقال و حلقه‌ی ارتباطی زبان‌های ایرانی باستان و نو می‌باشد و دوره‌ی زبان‌های ایرانی نو را از دوره‌ی باستانی مشترک و مشابه‌ی روند طبیعی خودبیش از پیش دور می‌کند (۱۲۹).

۳ـ **زبان سغدی:** زبان سغدی‌ها یا ساکنان باستانی بلندی‌ها و دره‌های طولانی سرزمین اطراف سغد بوده است. دانشمندان شوروی در کاخ‌های ویرانی که جایگاه مغ‌ها بوده است یعنی در راه بالایی رودخانه زرافشان و شرق لنچی کنت ـ نزدیک زخمت آباد در جمهوری تاجیکستان آثار این زبان را یافته‌اند.

بیشتر آثار گرانبهای زبان سغدی در ترکستان چین به دست آمده است؛؛ زیرا سغدی‌ها در هزاره‌ی اول بعد از میلاد در طول جاده بزرگ ابریشم که راه کاروان‌های تجاری بوده و ساحل شرق و دریای میانه را به چین متصل می‌کرده است زندگی می‌کردند. آن‌ها در آنجا انجمنی تجاری را بنیاد نهادند. مجموعه‌ای از کوزه هاو پول‌های نوشته شده با زبان سغدی در ترکستان پیدا شده است. (۱۳۰)

٤ـ **زبان خوارزمی**: زبان ساکنان قدیمی باتلاقهای پائین رودخانه جیحون بوده است. اسنادی راجع به تعلق این زبان به قرون اولیه بعد از میلاد توسط باستان‌شناسان شوروی به هنگام کاوش در خوارزم پیدا شده اما تاکنون منتشر نشده است. آگاهی دانشمندان از زبان خوارزمی بیشتر وابسته به خود زبان و جملات خوارزمی باشد (۱۳۱)؛ این‌ها بسیار دیرتر از اشعار عربی در قرون ۱۳ و ١٤ میلادی سروده شده‌اند. خوارزمی خویشاوند سغدی می‌باشد و نوشته‌های باستانی آن مانند نوشته‌های ایرانی و آسیای میانه از خط آرامی گرفته شده است (۱۳۲).

٥ـ **زبان سکایی (خُتنی)**: زبان گروه‌های حامی مذهب بودایی و غیر مذهبی‌ها بوده و با الفبای شرقی (سین تسزیان) به‌ویژه در ختن به نگارش درآمده و نام گذاری شده است که تاریخ آن به قرون آخر هزاره‌ی اول میلادی بر می‌گردد (۱۳۳).

٦ـ **زبان باختری (باکتریایی)**: زبان باستانی مردم باختر یا باکتریا است که شهری تاریخی در راه بالایی رودخانه جیحون در مرکز قله شور در شمال و هندوکش در جنوب بوده است. متن متعلق به زبان باکتری در پایان دهه‌ی شصت قرن حاضر در شمال افغانستان پیدا شده است. محتوی آن شامل چند کتاب (یکی از آن‌ها بزرگ می‌باشد) یا بخشی از کتابی است که به الفبای یونانی نوشته شده و متعلق به دوره‌ی آغازین تاریخ میلادی است (١٣٤).

هورامی بازمانده‌ی پهلوی می‌باشند و حتی واژه فیلی را صورت متغیر پیلی و فهلوی می‌دانند که بعداً به پهلوی تبدیل شده است. پهلوی همچون زبانی در دوره‌ی میانه در پایان هزاره‌ی اول قبل از میلاد و آغاز هزاره‌ی اول میلادی یعنی در ۳۰۰ پ م تا ۲۲٦ میلادی در قسمت‌های غرب آسیای میانه وخراسان و در دیگر بخش‌های شمال فلات ایران کاربرد داشته است.

زبان پارتی به کمک آثار مانوی تورفان و ترجمه‌ی سنگ ـشته‌های پارتی به زبان پارسی باقی مانده است؛ همچنین اسناد مختلف تجاری وجود دارند که برای بررسی این زبان بسیار مفید می‌باشند (۱۲۸).

۲ـ **زبان پارسی میانه**: این گویش تأثیرات نسبتاً متنوعی را بر روی زبان‌ها بجا گذاشته است؛ بیشتر در سرزمین ایران مشاهده و با خط آرامی نوشته شده است؛ به طور کلی به سده‌های سوم و چهارم بعد از میلاد مربوط می‌شود. در زمان حکومت ساسانی یعنی در میان سده‌های سوم و چهارم بعد از میلاد تا قرن هشتم و نهم میلادی تداوم داشته است. انواع سنگ نوشته‌ها و کتب مذهبی و غیر مذهبی با این زبان مربوط به قرون سوم و چهارم میلادی می‌باشند. اسناد مانوی با آن در آثار فعالیت جامعه‌ی مانوی‌ها در تورفان یعنی (ترکستان چین) پیدا شده است و دارای ارزش بسیارمی باشد. نام گذاری پارسی میانه به نام پهلوی دقیق نیست؛ این مرحله‌ی زبانی دوره‌ی انتقال و حلقه‌ی ارتباطی زبان‌های ایرانی باستان و نو می‌باشد و دوره‌ی زبان‌های ایرانی نو را از دوره‌ی باستانی مشترک و مشابه‌ی روند طبیعی خودبیش از پیش دور می‌کند (۱۲۹).

۳ـ **زبان سغدی**: زبان سغدی‌ها یا ساکنان باستانی بلندی‌ها و دره‌های طولانی سرزمین اطراف سغد بوده است. دانشمندان شوروی در کاخ‌های ویرانی که جایگاه مغ‌ها بوده است یعنی در راه بالایی رودخانه زرافشان و شرق لنچی کنت ـ نزدیک زخمت آباد در جمهوری تاجیکستان آثار این زبان را یافته‌اند.

بیشتر آثار گرانبهای زبان سغدی در ترکستان چین به دست آمده است؛ زیرا سغدی‌ها در هزاره‌ی اول بعد از میلاد در طول جاده بزرگ ابریشم که راه کاروان‌های تجاری بوده و ساحل شرق و دریای میانه را به چین متصل می‌کرده است زندگی می‌کردند. آن‌ها در آنجا انجمنی تجاری را بنیاد نهادند. مجموعه‌ای از کوزه هاو پول‌های نوشته شده با زبان سغدی در ترکستان پیدا شده است. (۱۳۰)

٤ـ **زبان خوارزمی:** زبان ساکنان قدیمی باتلاقهای پائین رودخانه جیحون بوده است. اسنادی راجع به تعلق این زبان به قرون اولیه بعد از میلاد توسط باستان‌شناسان شوروی به هنگام کاووش در خوارزم پیدا شده اما تاکنون منتشر نشده است. آگاهی دانشمندان از زبان خوارزمی بیشتر وابسته به خود زبان و جملات خوارزمی باشد (۱۳۱)؛ این‌ها بسیار دیرتر از اشعار عربی در قرون ۱۳ و ١٤ میلادی سروده شده‌اند. خوارزمی خویشاوند سغدی می‌باشد و نوشته‌های باستانی آن مانند نوشته‌های ایرانی و آسیای میانه از خط آرامی گرفته شده است (۱۳۲).

٥ـ **زبان سکایی (خُتنی):** زبان گروه‌های حامی مذهب بودایی و غیر مذهبی‌ها بوده و با الفبای شرقی (سین تسزیان) به‌ویژه در ختن به نگارش درآمده و نام گذاری شده است که تاریخ آن به قرون آخر هزاره‌ی اول میلادی بر می‌گردد (۱۳۳).

٦ـ **زبان باختری (باکتریایی):** زبان باستانی مردم باختر یا باکتریا است که شهری تاریخی در راه بالایی رودخانه جیحون در مرکز قله شور در شمال و هندوکش در جنوب بوده است. متن متعلق به زبان باکتری در پایان دهه‌ی شصت قرن حاضر در شمال افغانستان پیدا شده است. محتوی آن شامل چند کتاب (یکی از آن‌ها بزرگ می‌باشد) یا بخشی از کتابی است که به الفبای یونانی نوشته شده و متعلق به دوره‌ی آغازین تاریخ میلادی است (١٣٤).

۷ـ **زبان آلانی**: آلانی‌ها یکی از قبایل و گروه‌های ساکن دشت‌های جنوب روسیه و شمال قفقاز در قرون میانه بوده‌اند. بعضی از کلمات و جملات این زبان در اشعار شاعران قرون میانه حفظ شده است.

به جز زبان‌های مذکور، زبان‌های دیگری متعلق به خانواده ایرانی وجود دارند، اما اطلاعاتی در مورد آن در دست نیست. احتمال دارد هر سال مورد تازه‌ای کشف و آن گاه منتشر شود؛ برای مثال، تا نیمه اول قرن بیستم در مورد زبان‌های پارتی، سغدی، سکائی، ختنی و خوارزمی اطلاعی در دست نبود تا اینکه بعداً دانسته‌هایی در مورد آن‌ها انتشار یافت (۱۳۵). به علاوه، زبان گیلکی هم متعلق به زبان‌های نو ایرانی می‌باشد.

۳ـ دوره‌ی نوین زبان‌های ایرانی

این مرحله به دنبال دوره‌ی وحدت دین و زبان حکومت اسلامی یعنی عربی در سال‌های میان قرون ۹ الی ۱۰ میلادی بر می‌گردد. به نظر می‌رسد ملّت‌های مسلمان غیر عرب برای مدت دو قرن تمام یعنی از میانه‌ی قرون ۷ تا ۹ میلادی از زبان عربی برای نگاشتن امور زندگی و ادبیات استفاده کرده باشند. دلیل اینکار در مقدس پنداشتن دین و آئین اسلام و زبان قرآن و شریعت اسلامی بوده است.

بعد از این تاریخ، به ویژه بعد از قرن نهم میلادی به طور کلی و از سده‌ی دهم میلادی برای زبان کُردی، تحوّل و بازگشت به زبان‌های بومی ملّت‌های مسلمان بوقوع پیوست. شاعران و نویسندگان ملّت‌های غیر عرب مانند کرد، فارس، ترک، افغانی، هند و ... که اسلام را پذیرفته بودند به استفاده از زبان مادری خود رجوع کردند و در بسیاری جاها در درون مرزهای سرزمین‌های خود امیر نشین‌ها و حکومت‌های کوچکی تشکیل دادند و زبان مادری خود را در آنجا بردند. کُردها هم همچون یکی از این ملّت‌ها در قرن ۱۰ میلادی به استفاده از زبان خویش

بازگشتند؛ باباطاهر همدانی در میانه‌ی قرون ۱۰ و ۱۱ میلادی یعنی در اوج این واقعیّت تحوّل تاریخی در میانه سال‌های ۹۳۵ تا ۱۰۱۰ میلادی به گویش لری بلندترین اشعارش را به شکل دو بیتی با محتوای تصوف، جوانی و عشق سرود که برارزش آن هر روزافزوده می‌شود. اشعار این شاعر بزرگ به دلایلی بطور کامل به دست ما نرسیده است.

این مرحله از زبان‌های ایرانی بعد از مرحله‌ی میانه‌ی زبان‌های پهلوی و ساسانی قرار دارد. اگر چه این مرحله برای ملّت‌های ایرانی به ویژه کُردها بسیار اهمیّت دارد و به عنوان دوره‌ی گویش‌ها به شمار می‌رود، اما تنها انتشار اولین روزنامه‌ی کُردی به نام کُردستان بود که سبب گشت کُردی وارد دوره‌ی نوین تاریخ زبانی خویش گردد.از آن به بعد تأثیر زبان‌های بیگانه بر آن کم شده و بتدریج به سوی زبانی کارآمدتر و شکوفاتر به پیش رفته است که آن رشد و شکوفایی تاکنون هم ادامه دارد.

زبان‌های ایرانی دوره‌ی نوین

اکنون به زبان‌های این مرحله مانند: کردی، فارسی، پشتو، تاجیکی، اُسیتی، تاتی، تالشی، بلوچی و و دیگر زبان‌ها و گویش‌ها در زیر می‌پردازیم.

زبان کُردی: زبان مردم کرد و از زبان‌های ایرانی نو می‌باشد. در تمام خاک کُردستان و خارج از مرزهای جغرافیایی آن در چندین کشور مختلف توسط کرد زبان‌ها کاربرد دارد. جایگاه زبان کُردی در میان کشورهای ترکیه، ایران، عراق، سوریه، شوروی سابق از جمله کشورهای ارمنستان و آذربایجان، منطقه‌ی ناگرنی قره باغ، گرجستان، ترکمنستان (۱۳٦)، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، و شمال خراسان ایران واقع شده است؛ در مناطق دیگر خارج از خاک کردستان، کردهای مهاجر بطور پراکنده با آن صحبت می‌کنند؛ کُردها در اطراف دیلمان

(شمال شهر قزوین به طرف راست سفید رود) و دو طرف شاهرود، اطراف کلون عبد و فارس (شمال غرب شیراز)، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ خانوار در شمال خراسان و نزدیک نیشاپور، بجنورد، شیروان و قوچان در طول مرز ایران و شوروی سابق ساکن هستند. اینها بازمانده‌ی آن قبایل کُردی هستند که شاه عباس اول برای مقابله با ورود قبایل ترک تبار به مرزهای شمال خراسان کوچاند. نادر شاه هم (۱۷۳٦ـ ۱۷٤۷) تعدادی از قبایل کرد را به این منطقه انتقال د (۱۳۷).

کردها همچنین در ترکیه، دشت ارمنستان و قسمت علیایی بین دو رود و پیرامون آن سکنا گزیده‌اند. سراسر سرزمین‌های مذکور از اطراف مرزهای جنوبی ارمنستان، شمال غرب ایران (بعداً آن را مشخّص می‌کنیم)، مرز میان ترکیه و سوریه، بخش‌های علیای رود دجله (شاخه‌های پایین بوتان و زاب بزرگ)، اطراف فرات و شعبه‌های آن از مرادسو در منطقه‌ی بوتان و غرب درسیم تا آن سوی مناطق بایزید و شمزینان شامل شهرهای: اورفه، دیاربکر، العزیز، بدلیس، ماردین، وان، سرت، جوله میرگ، آگری، شمزینان، موش، خارپوت، سیورک، چولک یعنی مناطق درسیم، ارزنجان، ملاتیه، قارس، اردهان، مرعش، سیواس، ارزروم، دارای ساکنان کرد زبان می‌باشند.

این مناطق جدای از نقاط دیگری در داخل ترکیه مانند استانبول، آنکارا، مرسین، فلات آناتولی و قونیه می‌باشند که بر اثر شورشهای کُردها بعد از جنگ جهانی اول در میان سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ (۱۳۸) و حوادث متعاقب آن به این مکانها مهاجرت کرده‌اند.

در کُردستان جنوبی هم در داخل کشور عراق کُردها در منطقه‌ی بادینان (شرق رود دجله تا بالای منطقه‌ی قندیل) و منطقه‌ی سوران (میان هر دو زاب کوچک)، منطقه‌ی کرکوک و ییلاق تا زرباتیه، منطقه‌ی سلیمانی (شهرزور، شارباژیر و دره‌ی سورداش تا دربند بازیان) و تا حدود یک ملیون هم در بغداد ساکن می‌باشند.

در کُردستان غربی در شمال سوریه در مناطقی مانند قامیشلی، حسکه، دیرک، دربسیه، عفرین، کوبانی، کُردها ساکن هستند. در اسرائیل هم تعدادی کرد وجود دارند. در ارمنستان اکثراً در اطراف کوه پمبک و غرب دریاچه‌ی سواندراچمیاد زین، اشترک، تاسین، ثوربایات و اله گز، در اطراف رشته‌کوه‌های جنوب غربی آذربایجان مانند کلباجار و لاچین و شورشه، و قوتابلی در شرق سکونت دارند.

در غرب کُردستان کُردها در مناطق لرستان، سرپل، ایلام، کرمانشاه و همدان و منطقه اردلان (سنندج و پیرامون)، اورمان تخت و لهون، منطقه مکریان، ارومیه تا رود ارس جای گرفته‌اند.

کردها در گرجستان و تفلیس و تعداد کمی در ترکمنستان نزدیک مرز ایران مانند فیروزه و در جنوب عشق آباد زندگی می‌کنند که از خراسان به آنجا رفته‌اند و به گویش کرمانجی سخن می‌گویند.

در افغانستان و پاکستان و به ویژه در منطقه‌ی مولانی افغانستان حدود شانزده هزار کرد زندگی می‌کنند (۱۳۹).

آمار کرد زبان‌ها در سراسر جهان حدود (۳۵ تا ۴۰) میلیون می‌باشد (۱٤۰). بعضی از زبان‌شناسان ایرانی، گویش‌های لری و بختیاری و گورانی را در ردیف زبان‌های نو ایرانی طبقه‌بندی کرده‌اند. اما، آن‌ها بر اساس دلایل علمی دستور زبانی از لحاظ آواشناسی، ساخت واژه، تصریف و جمله سازی جزء گویش‌های زبان کُردی به شمار می‌آیند و مانند هر گویش دیگر زبان کُردی دارای شباهت و تفاوت خاص با زبان کُردی به طور کلی می‌باشند و با توجه به سرشت تشکیل گویش‌ها در میان یک زبان پدید آمده‌اند (۱٤۱).

نام کرد برای اولین بار توسط گزنفون در کورش نامه آمده است. از سوی نویسندگان ارمنی به نام سرزمین (کردوک) و در متون سریانی به نام کردو (قردو) اشاره شده است. در اسناد پارسی میانه (پهلوی ساسانی) در قرن ششم میلادی با

نام کردهای شبانان معرفی شده‌اند.

باباطاهر همدانی اشعارش را به گویش لری (کُردی جنوب) در دوره پیدایش گویش‌ها در میان سال‌های (۹۳۵ تا ۱۰۱۰) میلادی سروده است که به دوره‌ی تجزیه‌ی حکومت متحد اسلامی یعنی اوان جدایی دین و دولت و بازگشت ملّت‌های مسلمان غیر عرب برای کاربرد زبان مادری و ملی خود باز می‌گردد.

بعد از گویش لری (کُردی جنوبی)، در میان سده‌های پانزده و هفده‌ی میلادی، گویش کرمانجی بوتانی به زبان شعر کُردی تبدیل شد و سپس در آغاز قرن ۱۹ گویش کُردی مرکزی نقش زبان شعر را توسط شاعر کرد نالی پیدا کرد. بعداً هم این گویش در زمینه خواندن ادبیات، رسانه، دانش و موضوعات آکادمیک به نقش خود هم چون زبان معیار کُردی ادامه داد و اکنون نیز در مسیر رشد و شکوفایی به پیش می‌رود.

خط زبان کُردی در جنوب و شرق کُردستان یعنی در ایران و عراق با اندکی تغییر از الفبای عربی گرفته شده است. در شمال و غرب کُردستان یعنی در ترکیه و سوریه از الفبای لاتینی استفاده می‌شود و در سوریه در سال ۱۹۳۷، کُردها الفبای انجمن خاوری را اقتباس کردند؛ در شوروی هم الفبای لاتینی و اکثراً سر یلک به کار می‌رود.

زبان فارسی: زبان جنوب غربی و زبان رسمی دولت ایران است. بعد از دولت‌های قاجاری، صفوی و پهلوی پیشرفت زیادی کرده است. آثار علمی بسیار فراوانی از زبان‌های اروپا به آن ترجمه شده است. این زبان در جنوب غربی آسیا هم کاربرد دارد. اکثراً مردم فارس زبان در کلان شهرها و شهرهای بزرگ جنوب و مرکز ایران مانند شیراز، اصفهان، کرمان، تهران، یزد و ... زندگی می‌کنند. در افغانستان هم آن را به کار می‌برند و تا سال ۱۹۳۳ میلادی زبان رسمی افغانستان بوده است اما اکنون همگام با زبان افغانی از آن استفاده می‌شود. در تاجیکستان هم

در بسیاری نقاط به کار می‌رود و در دیگر جاهای شوروی سابق مانند بخارا و سمرقند هم فارسی زبان‌ها وجود دارند. (١٤٢). این زبان از الفبای عربی با تغییراتی در نوشتار استفاده می‌کند. فرهنگ‌های لغت پیشرفته، مناسب و گوناگون و حتی دایره المعارفهاهم برای این زبان نوشته شده است. (١٤٣).

زبان بلوچی: بلوچها بیشتر در جنوب شرق فلات ایران در مکانی بنام بلوچستان زندگی می‌کنند و با زبان بلوچی سخن می‌گویند. بلوچستان از طرف جنوب هم مرز با دریای عمان است؛ از طرف شرق به پستی و بلندی‌های رود سند منتهی می‌شود؛ در غرب و شمال غربی به بیابان لوت و فلات مقاس در رودخانه سند می‌رسد و تا نزدیکیهای دریاچه‌ی آموریان را هم در بر می‌گیرد.

سرزمین بلوچستان پهناور و به‌ویژه از شرق در برگیرنده کوه‌های سلیمان، مکران، کرتار و بیابانها و دشت‌های وسیع می‌باشد. خاک بلوچستان در دو طرف مرز ایران و پاکستان قرار دارد و شامل بخش شرقی بلوچستان (بلوچستان ایران) و قسمت غربی یعنی بلوچستان مستعمره‌ی قبلی انگلیس و یکی از ایالت‌های کنونی پاکستان است. بلوچها در شوروی سابق مانند بخش مار در ترکمنستان هم زندگی می‌کنند. بلوچها در شبه جزیره‌ی عربستان شامل مسقط، عمان و اطراف شارجه هم وجود دارند. به انتشار نوشته‌های بلوچی زیاد توجه نشده است و تنها در این اواخر آن هم اکثراً به صورت شعر و روزنامه پخش و منتشر شده است؛ بلوچها از زبان فارسی برای خواندن و نوشتن استفاده می‌کنند. بلوچهای پاکستان از خط و نوشتار زبان اردو کمک می‌گیرند. فرهنگ و فولکلور زبان بلوچی بسیار غنی است و دانشمندان شوروی در راستای جمع آوری و انتشار آن‌ها تلاش زیادی کرده‌اند (١٤٤).

زبان پشتو: یعنی زبان رسمی افغانستان که در بیشتر منابع مخصوصاً منابع قدیمی به زبان افغانی معروف است. این زبان حدود سال ۱۹۳۰ به عنوان زبان

دولت‌شناسایی و بعنوان زبان رسمی دولت افغانستان به کار رفت (١٤٥) و به طور کامل در میان سال‌های ١٩٣٢ تا ١٩٣٦ به عنوان زبان رسمی افغانستان تثبیت شد. ایالت‌های شمال غربی پاکستان با زبان پشتو حرف می‌زنند (١٤٦). تعداد سخنوران آن حدود ١١ تا ١٢ میلیون نفر است؛ حدود ٥/٥ میلیون در پاکستان، ٢٠٠ هزار در بلوچستان و ٥٠ هزار هم در ایران افغانی زندگی می‌کنند. این زبان از الفبای عربی در نوشتن استفاده می‌کند؛ تاریخ آن در نقش زبان ادبی به قرن شانزده‌ی میلادی بر می‌گردد. پشتو به صورت پخشتو هم نوشته می‌شود (١٤٧)؛ اولین سند قابل اعتماد به این زبان مربوط به قرن ١٥ پانزدهم و اثری تاریخی می‌باشد؛ اثر تاریخی قدیمی‌تر از این، کتاب شیخ مالییه در مورد تاریخ قبایل یوسف زای در امیر نشین سوات (١٤١٢ الی ١٤٢٤ میلادی) است.

زبان تاجیکی: این زبان در آسیای مرکزی و بیشتر در جنوب شرق آن گسترش یافته است؛ چند میلیون از مردم جمهوری تاجیکستان و پیرامون آن به این زبان سخن می‌گویند. مردم اطراف شهر تاشکند، از شمال شرق تا داخل خاک جمهوری قزاقستان در اطراف (پریچ مول) و (باستاندیک) از زبان تاجیکی استفاده می‌کنند. در جاهای مانند جمهوری قرقیزستان، شهرهای ترکمنستان و اطراف جلال آباد و اوش نیز تاجیک زبان‌ها وجود دارند. صدرالدین عینی (١٨٧٨ـ ١٩٥٤) استاد ادبیات، نویسنده و شاعر و مرد فرزانه و اجتماعی تاجیکی می‌باشد (١٤٨).

زبان اوستی: زبان اکثریت مردم جمهوری خود مختار اوستیای شمالی و استان خودمختار اوستیای جنوبی در گرجستان می‌باشد. این زبان در پیرامون رشته‌کوه‌های قفقاز پراکنده شده است. شهر بزرگ اوستیای شمالی ارزنکیدزه و شهر عمده‌ی اوستیای جنوبی استالینی ری می‌باشد. این زبان به دو گویش اصلی به نام ایرونی در شرق و دیگوری در غرب تقسیم می‌شود. گویش ایرونی از نظر تاریخ زبان‌شناسی دارای قدمت بیشتری است (١٤٩). نوشته‌های زبان اوستی در

پایان قرن هجدهم (۱۷۹۸) نگاشته شده‌اند. اولین نوشته‌های این زبان به منظور تبلیغات مذهبی و بر اساس خط مذهبی اسلاوی می‌باشد؛ اما بعداً الفبایی غیر مذهبی مبنای آن اعلام شد.

زبان تاتی: بیشتر سخنوران این زبان تاتی نژاد هستند. آن‌ها ملّتی هستند که در بعضی نقاط اطراف آذربایجان و داغستان شوروی زندگی می‌کنند. بعضی هم در شبه جزیره آب شور در اطراف شمال سوراخانی و بالاخانی و دیگر مناطق آذربایجان شوروی ساکن هستند و تعدادی در اطراف داغستان مانند کایتاگو ـ تبسران و شهر گروزنی به زبان تاتی حرف می‌زنند. در چهل تا پنجا سال اخیر کتاب‌ها و نثرهای فراوانی به زبان تاتی انتشار یافته است. برای مثال، می‌توان اشعار و داستانهای فکاهی پیه س م بخشی اوف (متولّد ۱۹۱۰)، اشعار و داستانهای د.آتنی لف (متولّد ۱۹۱۳) و افسانه‌های خ.دادش ئوف بیشتر در سال ۱۹٤۷ را نام برد؛ در سال ۱۹٤۰ نیز مجموعه‌ای از فولکلور تاتی چاپ و بخش شد. الفبای تاتی بر اساس لاتینی در سال ۱۹۲۸ برای ساکنان تاتی در داغستان اقتباس شد و بعداً در سال ۱۹۳۸ به الفبای روس تبدیل شد. زبان تاتی به ویژه از نظر واژ گان و تا حدودی هم از نظر آواشناسی تحت تأثیر ترکی آذری می‌باشد.

زبان مدارس تاتی‌ها آذربایجانی می‌باشد، اما آن‌ها ادبیات خویش را در آذربایجان و داغستان به زبان مادری می‌نویسند (۱۵۰).

زبان تالشی: زبان تالشی‌ها، جزء خانواده‌ی زبانی ایرانی و در مناطق آذربایجان به طور پراکنده وجود دارد. تعداد آن‌ها زیاد نیست و خوَد را بنام تولشی می‌خوانند؛ آن‌ها در قسمت غرب دریای خزر و مناطق کوهستانی اطراف آن زندگی می‌کنند. تالشی‌ها اکثریت (٪۸۰) مردم اطراف لنکران و ژند و استانهای مرز آذربایجان (شوروی) را تشکیل می‌دهند. مرز این زبان در شمال تا روستای بردیک گسترده است؛ در غرب به کوه‌های مرز ایران و در جنوب تا مرز زبان گیلکی

می‌رسد. روستاهای تالشی در پیرامون کوه‌های داخل مرز ایران در نزدیکی اردبیل و کناره‌های دریای خزر وجود دارند.

آیا امکان دارد که گویش‌های لری و بختیاری ـ که جزء زبان‌های ایرانی می‌باشند ـ با توجه به منابع زبان‌شناسی فارسی مستقل از گویش‌های کُردی به شمار آیند؟ شباهت کم و بیش و تفاوت دستوری حاکی از خویشاوندی یااستقلال یک زبان و گویش یا دو یا چند زبان و گویش می‌باشد. در تمام گویش‌های هر زبان شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سه سطح آوایی، واجی و جمله سازی دیده می‌شود. میزان شباهت و تفاوت در سطوح مذکور نسبی است؛ یعنی عناصر زبان‌ها یا گویش‌ها نه کاملاً مشابه و نه تماماً متفاوت می‌باشد؛؛ زیرا اگر از هر نظر شباهت در میان گویش یک زبان و خود آن زبان وجود داشته باشد، آن گویش به وجود نمی‌آید و اگر میزان تفاوت هم بسیار زیاد باشد، دیگر گویش آن زبان به شمار نمی‌رود و زبانی مستقل به حساب می‌آید.

تفاوت و شباهت در میان گویش یک زبان و خود آن زبان شامل آواها، واژگان و حالت دستوری آن‌ها به شکل زیر است: هر گویش دارای چند همخوان و واکه مختص خویش است؛ از نظر ساخت واژه دارای واژه‌ها و تکواژه‌های ویژه خود است؛ حالت دستوری خاص خویش را داراست و در همان حال دارای واجها، تکواژها، واژه‌ها و حالات دستوری عمومی هماهنگ است که دستور آن زبان راشکل می‌دهند؛ چنین پدیده‌ای (تفاوت‌های ویژه و شباهت‌های کلی) در میان تمام گویش‌های یک زبان وجود دارد.

تفاوت از نظر آوا در گویش لری و مجموعه گویش کُردی جنوب عدم وجود /u:/ بلند است که در گویش لری به /wi/ تبدیل می‌گردد؛ مانند دوور که به دویر تبدیل می‌شود و این آوا در کرمانجی هم وجود دارد. وجود آوای /wi/ به جای /we/ در کُردی مرکزی مانند: xwen ـ Xwin؛ در بعضی از واژه‌های: /swer/ ـ ـ

/su:r/ـ ـ //u، وجود / /uکوتاه به جای :/ /uکشیده در واژه یSu:r، از نظر ساخت واژه وجود واژه‌ی (سپیاتی) در گویش کُردی جنوب که کلهوری نیز یکی از گویش‌های آن است و وجود همان واژه در کُردی کرمانجی؛ نه رده وان در کُردی جنوبی و شمالی و (پله کانه ی) در کُردی مرکزی؛ وجود دویت در لری و شوانی و خانه قینی و مجموعه گویش‌های کُردی جنوب و همچنین در کرمانجی مانند (دویت مام) از جمله تفاوت هاو شباهت‌های کُردی جنوبی با دیگر گویش‌های کُردی می‌باشند.

به علاوه، از نظر ساخت گروه دستوری نقش نمای اضافی در مجموعه گویش جنوب، کرکوکی و گرمیانی مانند (شارکورد) ـ (مال برام) ـ (مال باوکم) و تکواژ زمان استمراری (ده) در کرمانجی و لری مانند ده چم = چم به یک شکل حذف می‌شوند. ده‌ها واژه‌ی کُردی ناب گویش لری به کار رفته در اشعار باباطاهر همدانی در دیگر گویش‌های کُردی دیده می‌شوند:

وینه م /وینم= ده بینم

نیمه شه و ـ نیوه شه و

دامان ـ داما ن ـداوین

سرتاپا ـ سه رتاپا

به دلیل وجود نمونه‌های مشابه بسیار در اشعار باباطاهر و گویش لری و زبان کُردی امروز می‌توان گفت لری گویشی از زبان کُردی و وابسته به مجموعه گویش کُردی جنوب یعنی لکی، کلهوری، کرماشانی، فیلی، خانقینی، گروسی، شوانی کشیک است؛ این در جواب به منابعی می‌باشد که لری را زبانی مستقل محسوب می‌کنند و می‌گویند که لری و بختیاری ـ از قبایل جنوب غرب ایران ـ به طور کامل وابسته به مجموعه گویشهای ایرانی جنوب غربی و جزو گویشهای فارسی می‌باشند و با گویش کُردی متفاوت هستند (۱۵۱).در نتیجه، گویش لری و همه

گویش‌های کُردی گویشهای ایرانی شمال غربی قلمداد می‌شوند و جدای از زبان فارسی هستند؛ بنا بر این، دستکاری متن اشعار باباطاهر همدانی و نزدیک سازی آن‌ها به زبان فارسی به دلیل تکبر و نژاد پرستی به اعلام چنین حکم غیر علمی منجر شده است.

برای نشان دادن شباهت هر دو خانواده زبانی ایرانی و هندی و برای مشخّص کردن هویت و جایگاه زبان کُردی در میان مجموعه زبانی آریایی به بحث در باره زبان‌های گوناگونی می‌پردازیم که خانواده زبان هندی را تشکیل داده‌اند.

زبان‌های هندی:

در کشور هند تعدادزیادی از زبان‌های متفاوت وجود دارد و هند به کشور تنوع زبان‌ها شهرت دارد. زبان انگلیسی در میان ساکنان هند زبان ارتباطی، رسمی، و کمکی است و زبان هندی هم زبان دولت می‌باشد.

در این کشور دوازده زبان قانونی مانند: تلوگو، ماراتی، تامیل، بنگالی، گجراتی، اردو، کناره‌ای، مالایالم، اوریه‌ای، آسامی، کشمیری، و پنجابی وجود دارد. علاوه بر اینها زبان سانسکریت هم وجود دارد که اکنون دارای سخنور نیست، اما نشانه‌ی استمرار زندگی فرهنگی و تاریخی آن کشور است. جدای از گویش‌ها در این کشور بیش از یکصد زبان وجود دارد.

زبان‌های هندی با الفبا و خط گوناگون از جمله دوانگری، نگالی، عربی ـ فارسی، گورمخی کجراتی، اریه‌ای، تلوگو، کناره‌ای، مالایالم، تامیل، لاتینی و تبتی نوشته می‌شوند.

زبان بیش از ۹۵٪ درصد از ساکنان هندوستان از دو مجموعه‌ی هند و آریایی و دراویدی تشکیل می‌شود. مجموعه‌ی اول شامل هندی شمالی است و مجموعه‌ی دوم یک سوم جمعیت جنوب شبه قاره هند را تشکیل می‌دهد؛ هندی مهم‌ترین

زبانی است که در هند شمالی توسط یک سوم ساکنان آنجا تکلّم می‌شود که جمعاً دویست میلیون نفر می‌باشد؛ تمام دیگر زبان‌های شمالی از نظر واژگان و حتی الفبا دارای نقاط مشترکی با زبان هندی می‌باشد، اما همانند زبان‌های فرانسوی و ایتالیایی در بعضی جنبه‌ها دارای شباهت کمی می‌باشد. در زبان هندی جنوبی چهار زبان دراویدی، تامیل، تلوگو، کناره‌ای، مالایام دارای شباهت‌های بسیاری هستند.

به علاوه، هندوها که دارای دو مجموعه‌ی مهمّ زبانی هندی شمالی و دراویدی با واژه‌های مشابه هستند، عموماً فرهنگ آن‌ها ۵۰٪ دارای وابسته به برهمایی می‌باشد؛ گروه موندایی و ساکنان مناطق هیمالایا و گروه تبتی و برمه‌ای دارای فرهنگ کوچک نشینی و چادرنشینی می‌باشند (۱۵۲). بعد از زبان چینی پکن و انگلیسی، زبان هندی سومین زبان بزرگ دنیاست و در شمال هند و اطراف دریاچه‌ی گنگ به کار می‌رود؛زبان رسمی ایالات‌های بهار، ماهیا، پرداش و ایالات‌های مرکزی و کوهستانی پوشیده از برف هیمالیا و منطقه دهلی می‌باشد؛ این زبان همراه با پنجابی و گجراتی دارای حدود دویست و پنجاه تا سیصد و پنجاه میلیون سخنور است.

زبان پنجابی:

زبان سیک مذهب‌هایی است که به خدای یگانه اعتقاد دارند و استاد نانک در قرن شانزدهم آن آیین را پایه‌گذاری کرده است. پنجاب در سال ۱۹۴۷ در میان هند و پاکستان تقسیم شده است. این زبان به هندی نزدیکتر است؛ با این حال، دارای زبان نوشتاری نیست، امادر پاکستان مهمّ‌ترین زبان می‌باشد و به عنوان زبان نوشتاری به کار می‌رود. پنجابی را با الفبای ویژه‌ای از خط دوانگاری به اسم گورمخی می‌نویسند و حدود پانزده میلیون سخنور دارد.

زبان گجراتی:

در ایلات گجرات در سواحل اقیانوس هند و در مرز پاکستان و بمبئی به کار می‌رود. این زبان حدود سی میلیون نفر سخنوردارد و دارای خویشاوندی نزدیکی با زبان هندی است، اما دارای خط ویژه‌ای است؛ گجراتی زبان رسمی هند و هفتمین زبان مهمّ اینّ کشور است.

زبان مراتی (بهاراتی):

زبان رسمی ایالت مهارشتار به مرکزیت شهر بمبئی است. این زبان مانند زبان هندی به الفبای دوانگری نوشته می‌شود و به زبان سنهالی شباهت دارد. حدود پنجاه میلیون نفر در هند با آن حرف می‌زنند که بیست و پنج میلیون نفر آن‌ها در ایالات مهاشتار هستند و چهارمین زبان مهمّ هند به شمار می‌رود.

زبان بنگالی:

زبان رسمی بنگلادش در ایالت بنگال هند است، سخنوران آن مسلمان و هندو هستند؛ شرقی‌ترین زبان هند و اروپایی محسوب می‌شود و از نظر تعداد سخنوران هشتمین زبان جهان است که قبل از فرانسوی و بعد از هندی قرار دارد. برای بیان ارزش ادبی و فرهنگی آن شایسته است از نویسنده بزرگ بنگالی رابیندرانات تاگور نام ببریم که در سال ۱۹۱۳ جایزه ادبی نوبل را کسب کرد.

زبان آسامی:

به زبان بنگالی نزدیک است و با همان الفبا نوشته می‌شود؛ دارای حدود ده میلیون سخنور در سواحل رودخانه براهابوترا مرکز ایالت آسام می‌باشد و زبان

رسمی آن ایالت است.

زبان اردو:

این اسم (اردو) از واژه‌ی ترکی اردو به معنای سپاه گرفته شده است؛ واژه «اوردی» فرانسوی هم به همین صورت می‌باشد. زبان ارتباطی حاکمان مغول در قرن هشتم بوده است و نام اردو هم مربوط به آن دوران است؛ پس زبان دربار بوده است. خط این زبان به صورت خط نپالی است که زبان رسمی کشور نپال و برگرفته از خط عربی است و شیوه نگارش آن بیشتر به فارسی شباهت دارد. حدود ۲۰۰ میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند که دوسوم آن‌ها در پاکستان و یک سوم آن‌ها در هند زندگی می‌کنند.

زبان نپالی:

زبان رسمی نپال و نیمی از مردم آن است که مجموعاً جمعیت آن‌ها دوازده میلیون نفر می‌باشد. آنهااکثراً دارای گویش تبتی هستند که شاخص‌ترین گونه‌ی آن نواری نام دارد؛ در هند هم حدود یک میلیون و نیم با آن صحبت می‌کنند.

زبان سنهالی:

یکی از جنوبی‌ترین زبان‌های هندواروپایی محسوب می‌شود. نزدیک به دوسوم مردم سریلانکا (سیلان پیشین) به زبان سنهالی سخن می‌گویند که البته تعدادی هم در آنجا از زبان تامیلی استفاده می‌کنند.

زبان کشمیری (۱۵۳).

زبان مردم کشمیر در میان زبان‌های هندی وایرانی قرار دارد. این زبان در قرن چهاردهم میلادی دارای ادبیات و خط مخصوص خود یعنی الفبای شارادا بود که از عربی گرفته شده و اکنون در حال از بین رفتن است؛ این زبان تنها دارای سه میلیون سخنور و یکی از زبان‌های رسمی هند است. تا حدود زیادی منشا اختلاف میان هند و پاکستان بر سر سرزمین کشمیر می‌باشد.

دوره‌های تاریخی تغییر در زبان کُردی

مراحل تغییراتی را که زبان کُردی در طول تاریخ سپری کرده بر اساس شـواهد به شکل زیر مشخّص می‌کنیم.

۱.دوره‌ی زبان کُردی باستان

این مرحله از آغاز تأسیس دولت ماد شروع می‌شود؛ در میان سال‌های ۷۷۰ تـا ۵۵۰ قبل از میلاد زبان مادی زمان رسمی دولت ماد بوده است (۱٥٤). هرچند کـه شواهد نوشتاری به این زبان کشف نشده‌اند اما می‌توان ادعا کرد که قـدیمی‌تـرین سند نوشتاری مرحله باستان آن زبان گاتاهای اوستا بوده که بخش کاملاً برجسته‌ی آئین زردشت است که شامل سرودهای مذهبی خود زردشت و شالوده و اساس آن آئین می‌باشد و در میان جوامع آریایی مانند کرد، فارس، هندی و ... انتشـار یافتـه است. هنوز هم زردشتی‌هایی در ایران، بمبئی و کشور پاکستان وجود دارند که بـر این آیین هستند و راه و رسم آن را حفظ کرده‌اند.

۲ـ دوره‌ی زبان کُردی میانه

این مرحله از تاریخ زبان کُردی از آغاز حکومت هلینی‌ها (سـلوکیان) تـا پایـان دوره‌ی ساسانیان ادامه داشته است (۱٥٥)؛ این دوره در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و سند نوشتاری مشخّصی در باره‌ی آن یافت نشده است؛ این مدت تا زمـان پهلـوی

اشکانی (پهلوی شمالی) در ۲۲۱ قبل از میلاد تا ۲۲٤ میلادی و پهلوی ساسانی (پهلوی جنوبی) در میان سال‌های ۲۲۵ تا ٦٥۰ میلادی طول کشیده است (۱٥٦)؛ می‌توان از دومی (پهلوی جنوبی) به عنوان پیشینه‌ی تاریخی مجموعه گویش‌های جنوبی زبان کوردی مانند فیلی و لری یاد کرد.

اسناد هورامان نمونه‌های از این دوره می‌باشند (۱٥۷). زند و پازند اسناد نوشتاری این دوره در زمان ساسانیان هستند که به فرمان اردشیر بابکان از طرف مغان زردشتی بعد از بین رفتن و سوختن اوستای اول نوشته شده‌اند. این اوستا تا زمان انتشار آئین اسلام در قرن ۷ میلادی در کُردستان باقی مانده است. دلیل عدم وجود مدارک نوشتاری این مرحله از زبان کُردی چپاول، غارت و دست درازی بیگانگان در کُردستان بوده است.

۳ـ دوره‌ی گویش‌های زبان کُردی

این مرحله از تغییر و تحوّلات تاریخی به دوره‌ی شکل گیری و استفاده از گویش‌های زبان کوردی بر می‌گردد. این مرحله به دنبال از بین رفتن و متلاشی شدن دوَل اسلامی از قرن ۱۰ میلادی آغاز می‌گردد که در آن ملّت‌های مسلمان غیر عرب مانند: کرد، فارس، و... دولت‌های کوچک و امیر نشین‌ها را تأسیس کردند و در درون مرزهای امیر نشین‌ها به استفاده از زبان‌های مادری خود بازگشت نمودند.

بعد از دوقرنِ رکود و عدم شکوفایی زبان کُردی، دوبیتی‌های باباطاهر همدانی به گویش لری نمونه‌ای از متن و سند نوشتاری زبان کُردی در آن دوره یعنی در قرون ۱۰ الی ۱۱ میلادی می‌باشد (۱٥۸).

بعدها دوره‌ی گویش‌ها در تاریخ زبان کُردی به صورت هورامی در میانه‌ی نیمه‌ی دوم قرن ۱۷ میلادی تا آغاز قرن بیستم در آثار و اشعار بیسارانی، ملای

جزیری، مولوی، و سید یعقوب و دیگر شاعران ادامه می‌یابد.

این دوره از تاریخ تغییرات زبان کُردی مدت زیادی استمرار داشته است و در میان سده‌های ۱۵ الی ۱۷ میلادی در شعر شاعران شمال مانند علی جزیری، فقیه تیران، ملای جزیری و خانی به شکل اسناد نوشتاری بازنمود پیدا کرده است. در آغاز قرن ۱۹ میلادی هم گویش کُردی مرکزی به صورت مدارک نوشتاری در اشعار نالی، سالم و کُردی تظاهر یافته است. این مرحله در پایان قرن ۱۹ میلادی با انتشار روزنامه کوردستان در ۱۸۹۸/٤/۲۲ به پایان می‌رسد.

٤ـ دوره‌ی نوین زبان کُردی

نویسندگان به ندرت و تنها در دو تا سه مورد به تاریخ و دوره‌های زبان کُردی پرداخته‌اند که در آن‌ها هم تنها سه مرحله را در باره‌ی تحوّلات تاریخی زبان کوردی مشخّص کرده‌اند. (۱۵۹)

هر مرحله از تحوّل در تاریخ زبان کُردی به رویداد تاریخی معینی مربوط می‌گردد که آغاز و پایان آن در تاریخ آشکار است؛ تا کنون تنها سه دوره برای این منظور ارائه شده است. بر اساس نظر بعضی‌ها همراه با رشد دین اسلام آن دوره‌ها پایان یافته است. بعد از آن مراحل دیگر مشخّص نشده‌اند واگر هم شده‌اند به روشنی تبیین نشده‌اند.

بنا بر این،، می‌توان آغاز مرحله‌ی چهارم یعنی مرحله‌ی شکوفایی و تحوّل در زبان کُردی را زمان انتشار اولین روزنامه‌ی کُردی به نام کُردستان ۱۸۹۸/٤/۲۲ دانست. از آن تاریخ به بعد زبان کُردی، علاوه بر زبان شعر، نقش زبان نوشتار را هم پیدا کرده و ماهیت آن تغییرات زیادی کرده است. قبل از آن تاریخ، زبان کُردی در سطح نازلی از زبان شعر بازنمود می‌یافت، اما از ان تاریخ به بعد گامهای بلندی را در روند رو به رشد خویش برداشت؛ به زبان روزنامه نگاری در حوزه‌های

گوناگون شامل نگارش مقالات متنوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ادبی، تاریخی، مذهبی و تبلیغاتی تبدیل شد؛ حتی آگهی‌های بازرگانی و اقتصادی هم در روزنامه‌ی کُردستان پخش می‌شدند. به دلایل بالا سزاوار است از تاریخ انتشار اولین روزنامه‌ی کُردی یعنی کُردستان به عنوان سرآغاز مرحله‌ی نوین زبان کُردی یاد کنیم؛ از آن به بعدِ زبان کُردی به تدریج شکوفاتر شده و فرهنگ واژگان آن در نتیجه کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات نوین و فراوان روزنامه نگاری غنی‌تر گشته است. به علاوه زبان کُردی گام‌های بلندی را در راستای استفاده از واژه‌های ناب و اصیل کُردی به جلو برداشته است. کاربرد واژه‌های بیگانه و از زمان انتشار روزنامه‌ی کُردستان به بعد در روزنامه‌های دیگر هم روز به روز کاهش یافته است. فرایند مذکور از روزنامه‌های زمان شیخ محمود در دهه‌های چهل و پنجاه میلادی و سپس در بیانیه‌ی ۱۱ آزار و از قیام بهار ۱۹۹۱ به بعد با شکوفایی روزن افزونتر ادامه داشته است تا جایی که اکنون در مجامع بین المللی از آن استفاده می‌شود؛ پس می‌توان این مرحله را مرحله‌ی بالندگی و نوین زبان کُردی به شمار آورد.

ویژگی‌های مرحله‌ی نوین زبان کُردی

در حقیقت، استفاده از زبان کُردی در زندگی امروز کُردها چه در داخل کُردستان و چه در خارج از کردستان، از طرف مهاجران کرد در اروپا، دچار تغییراتی تاریخی شده است و می‌توان ویژگی‌های زیر را به آن نسبت داد:

۱ـ زبان کُردی از زبان شعر به زبان روزنامه نگاری و نوشتار تبدیل شده است.

۲ـ زبان کُردی به طور مداوم به سوی استاندارد شدن و نو آوری قدم بر داشته است.

۳ـ دامنه‌ی کاربردآن بیشتر و گسترده‌تر شده است.

٤ـ از ۱۹۹۱ به بعد به صورت زبان دیپلماسی در آمده است.

۵ـ به زبان ایستگاه‌های خبری گوناگون در رادیو، ماهواره، اینترنت، و رادیوی آمریکا بدل شده است.

٦ـ به زبان رسمی ادارات و سازمانهای دولتی و حکومتی تبدیل گشته است.

۷ـ نقش زبان علمی و دانشگاهی را به‌ویژه در علوم انسانی به شکلی کارآمد به عهده گرفته و همچنان به این روند ادامه می‌دهد.

۸ـ در حوزه‌ی کاربرد واژگان و سبک‌های متنوع، شاهد رشد و شکوفایی بوده است.

دلایل معیارشدن گویش کُردی مرکزی

گویش کُردی مرکزی که بر اساس گویش‌های مناطق سلیمانی، کرکوک، موکریان، اردلان و سوران قرار دارد، به دلایل زیر نقش زبان استاندارد را پیدا کرده است:

۱.به طور مستمر در حال خدمت به فرهنگ ملی می‌باشد. دامنه‌ی کاربرد این گویش بدون وقفه در حوزه‌های مختلف شکوفاتر شده است.

۲ـ در میان گویش‌های دیگر اولین گویشی است که پیوسته نقش زبان نوشتاری را به عهده داشته است.

۳ـ معرفی ملّت کرد را از طریق ترجمه وشناساندن فرهنگ و بزرگان ادبی، اجتماعی و ملی چه در داخل و چه در خارج انجام داده است. این گویش از نظر شعر، ادبیات، روشنفکری و روزنامه نگاری کردهای شورویِ سابق را به ملّت خودشناسانده است.

٤ـ برخلاف دیگر گویش‌های زبان کُردی، گویش مرکزی از زبان شعر و ادبیات به زبان خواندن، روشنفکری، روزنامه نگاری، علم و دانشگاه مبدل شده است. ده‌ها و صدها پایان نامه علمی و دانشگاهی در علوم مختلف انسانی به این گویش

به نگارش در آمده‌اند.

۵ـ همچون زبان رسمی، امور ادارات و سازمانهای حکومت جنوب کُردستان را به پیش برده است.

٦ـ از طرف سیاستمداران و مسئولان در گردهمایی‌ها و دیدارهای خارج بواسطه‌ی ترجمه به کار گرفته شده است.

٧ـ در شبکه اینترنت و سایت‌های آن، برای ارسال اخبار، علوم و دانستنی‌ها به کار می‌رود و اطلاعات انواع موبایل از جمله ال جی هم با آن نوشته شده است.

٨ـ مرکز و جایگاه گویش کُردی میانه از نظر فرهنگی، ادبی و شهر نشینی از مناطق دیگر کوردستان بیشتر پیشرفت کرده و همیشه پایگاه شاعران، نویسندگان و انتشار روزنامه و مجله‌ی کُردی بوده است.

۹ـ نگارش کتاب در باره‌ی زبان و دستور زبان کُردی به گویش کُردی مرکزی در آغاز قرن بیستم نشانه‌ی شکوفایی و معیار شدن این گویش می‌باشد. اولین نقش نوین را در تاریخ مطالعات زبان کوردی بر عهده داشته است؛ برای مثال، می‌توان از آثار سعید صدقی کابان (۱۹۲۸) در مورد دستور زبان کوردی و ساخت واژه و نحو و توفیق وهبی (۱۹۲۹) در باره‌ی دستور زبان کوردی نام برد. این پدیده به صورت مدام در زمینه‌های مختلف زبان‌شناسی مانند رسم الخط، تعین واج‌های زبان، دستور، چگونگی پیدایش زبان و تبدیل آن به زبان ملی همانند زبان‌های ملّت‌های مختلف اروپایی و رشد آن‌ها بعد از انقراض زبان لاتین در قرن ١٦ ادامه داشته است. با این همه، لازم است که این گویش با واژه‌های گویش‌ها و گونه‌های مناطق دیگر کوردستان غنی‌تر شود؛این همان چیزی است که روشنفکران این سرزمین چشم انتظار آنند.

معرفی گویش‌های زبان کُردی و تعیین گویش معیار در میانشان

در خاتمه‌ی این بحث لازم است گویش‌های زبان کُردی را به طور خلاصه بر اساس ترتیب زمانی تبدیل آن‌ها به زبان شعر و ادبیات و زبان نوشتار در آینه‌ی تاریخ و تغییر و تحوّلات این ملّت مشخّص کنیم:

۱ـ مجموعه گویش‌های کُردی جنوب: لُری (فَیلی)، بختیاری، کرماشانی، لکی، کلهوری، خانقینی، گروسی، شوانی، کشیک ـ دربندی و قروه ای

۲ـ مجموعه گویش‌های گوران: هورامی، باجلانی، ماچو (کاکایی، زنگنه و شیخانی) یعنی گوران اصیل و زازایی

۳ـ مجموعه گویش‌های کرمانجی: بوتانی، بادینی، بایزیدی، هکاری، شکاکی و غربی

٤ـ مجموعه گویش‌های مرکزی: سلیمانی، گرمسیری و جافی، مکری، اردلانی (سنندجی) و سورانی.

گونه‌ی سلیمانی یا هسته‌ی گویش کُردی مرکزی اکنون نقش زبان استاندارد کوردی را دارد؛ زیرا به طور مداوم از آغاز قرن ۱۹ میلادی تا حالا نقش زبان شعر، ادبیات، آموزش، رسانه (رادیو و تلویزیون)، روزنامه نگاری، زبان منابع و مأخذ فرهنگی، زبان علمی و آکادمیک و مؤسسات اطلاع رسانی، زبان انجمن و کنفرانس‌ها و کنگره‌های علمی، زبان کانالهای ماهواره‌ای، اینترنت و دستگاه‌های ارتباط فوری را عهده دار بوده است. از این رو در آینده هم به طور مداوم در حال پیشرفت و شکوفایی روز افزون است.

به علاوه، از همان آغاز روشنفکران برای تحقیقات در مورد ادبیات و تاریخ کرد اهمیّت قابل توجهی قائل شدند که زمینه را برای تبدیل جنوب کُردستان به مرکز پژوهش‌های زبان و ادبیات فراهم کرد تا آنجا که چندین روزنامه و مجله‌ی معتبر علمی در آنجاانتشار یافت.

نگاه کنید به د. رفیق شوانی، تقسیم‌بندی نوین لهجه‌های کردی، گفتاری آکادمیک و نیمه میدانی است که در مجله‌ی

دانشکده‌ی زبان دانشگاه بغداد، شماره‌ی (۵۹) در ۲۰۰۵/۹/۱۲ منتشرشده است.

دلایل پیدایش زبان ملی (زبان نوشتار، زبان رسمی و زبان دولت)

تجارب در حوزه‌ی دانش‌های زبانی بیانگر آن است که یکی از دلایل مذهبی، اقتصادی، سیاسی و فرَهنگی یا دوتای آن‌ها سبب می‌شوند یکی از گویش‌های زبان ملّتی به زبان ملی و سراسری یا زبان معیار آن تبدیل شود. در تاریخ زبان‌ها هر کدام از دلایل مذکور باعث شکل گیری زبان ملی ملّت‌هایی شده‌اند. برای مثال، در تاریخ کهن در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد، زبان آئین هندو، سانسکریت، به زبان ملّت‌های هند باستان تبدیل شد.

گویش لندن هم به دلایل فرهنگی یعنی بواسطه نمایش موفقیت آمیز نمایشنامه‌های شکسپیر به زبان رسمی انگلستان بدل شد. گونه‌ی قبیله‌ی قریش هم به علل فرهنگی و شعر خوانی قبایل عرب در روزهای جمعه در بازار عکاظ، روابط بازرگانی و اقتصادی میان فرزندان دو خانواده‌ی بنی هاشم و بنی امیه در حجاز با سرزمین شام و بعداً ظهور اسلام به زبان ملی و رسمی کشورهای عربی از اقیانوس آرام تا خلیج فارس تبدیل شد. به علاوه، به سبب وجود آثار ادبی به هر دو گویش ساکسونی در کشور آلمان و توسکانی در ایتالیا و عدم وجود چنین آثاری به گویش‌های دیگر، گویش ساسکونی به زبان دولت (رسمیـنوشتاری) کشور آلمان و گویش توسکانی به زبان ملی ایتالیا تبدیل شد (۱۶۰). گویش مردم پایتخت اسپانیا، مادریدی، هم به زبان همه‌ی کشور اسپانیا بدل گشت.

دلایل مذهبی هم در تاریخ شکل دهی زبان ملی نقش مهمّ و پیشروی راایفا کرده‌اند. زبان سانسکریت به سبب آئین هندو به صورت زبان نوشتار و دستور زبان در آمد. دانشمند هند پانینی حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد تحقیقاتی را در مورد دستور زبان هندی به زبان سانسکریت انجام داد؛ به نظر بعضی از دانشمندان این

زبان یکی از بنیان‌های زبان‌های هندو اروپایی را تشکیل می‌دهد. از این دیگاه می‌توان به زبان اوستا، زبان نوشتاری آین زردشت، به عنوان کهن‌ترین شیوه‌ی زبان کوردی و سایر زبان‌های ایرانی در قرن ۷ قبل ازمیلاد نگریست. اوستا تا زمان انتشار آئین اسلام در قرن هفتم میلادی به علل مذهبی نقش زبان ملی را بر عهده داشته که بعداً به دلیل ظهور اسلام و زبان عربی نقش خود را از دست داد. بدین ترتیب اگر چه عوامل دینی در آغاز زمینه را برای پیدایش زبان ملی مساعد نموده، اما بعداً آن زبان به دلایلی نتوانسته تداوم یابد و ظهور آئین دیگر موجب حذف آن شده است.

بدین ترتیب، عامل آئین نیز نتوانست برای ایجاد زبان ملی کُردی ایفای نقش کند، پس در اینجا به دلایل دیگر می‌پردازیم.

در مورد نقش عامل اقتصادی در دانش و تاریخ زبان برای تشکیل زبان ملی بسیار بحث شده است. از این نظر گاهی مرکزی برای فعالیت تجاری و اقتصادی در سرزمینی تشکیل و سبب پیدایش ارتباط میان آن مرکز و مناطق دیگر آن سرزمین می‌گردد. به سبب تحوّلات تجاری و خرید و فروش، رفت و آمد مداوم ایجاد می‌شود و گویش آن منطقه یا گویشی دیگر نقش زبان ارتباطی میان مردم را برای فهم متقابل پیدا می‌کنند؛ رفته رفته آن گونه‌ی گفتاری در نگارش امور بازرگانی و اقتصادی هم به خدمت گرفته می‌شود و اگر تداوم یابد به زبان نوشتار در اداره‌ی دستگاه‌های رسمی و حکومتی مبدل می‌شود. اکثراً این مراکز اقتصادی و تجاری در مکانی نزدیک به دریا یا رودخانه‌ای بزرگ که آن کشور را با کشوری دیگر می‌پیوندد به وجود می‌آیند. درآنجا کشتی‌های تجاری و مسافربری رفت و آمد می‌کنند و هزاران نفر را گرد هم می‌آورند. از این نظر هیچ بخشی از کُردستان به دریا متصل نیست و مرزهای دولتی هم ارتباطات را از بین برده‌اند؛ پس اقتصاد هیچ نقشی را در شکل دهی زبان ملی برای کرد نداشته و ندارد؛ زیرا کُردستان

سرزمینی جدا از هم و پاره پاره است و ارتباط آنچنانی میان گویشوران آن از نظر اقتصادی به وجود نیامده است. بعد از عوامل دینی، اقتصادی، دلایل فرهنگی و سیاسی برای ایجاد زبان ملی یا فراهم کردن زمینه‌ی ایجاد آن وجود دارند که اکنون به علل فرهنگی می‌پردازیم.

به دنبال دوره‌ی پیدایش گویش‌های زبان کُردی بعد از جدایی دین و دولت و بازگشت ملّت کورد به کاربرد زبان خود، عوامل فرهنگی در تاریخ این زبان نقش بسزایی داشته است. در آغاز این دوران، در میانه‌ی سده‌ی ۱۰ تا ۱۱ میلادی، زبان کُردی به زبان شعر تبدیل گشت. گویش گوران هورامی در نیمه‌ی دوم قرن ۱۷ میلادی تا آغاز سده‌ی بیستم از طرف کسانی از جمله بیسارانی (۱۷۰۲ـ ۱٦٤۱ میلادی) ملای جزیری (۱۸۷٦ـ ۱۸۰٦ میلادی)، مولوی (۱۸۸۲ـ ۱۸۰٦ میلادی)، سید یعقوب (۱۸۸۱ـ ۱۸۰٦ میلادی) و شاعران پس از آن مانند محمدآقای دربند فقره، خانای قبادی و ... با نوشتن شعر در مناطق هورامان و کرکوک به کار رفته است. اما این گویش در آغاز قرن بیستم دیگر کاربرد نداشته و به جای آن گویش کُردی مرکزی رواج بیشتری یافته است.

در آغاز قرن ۱۹ میلادی گویش کُردی مرکزی از طرف علی بردشانی، نالی (۱۸۵٦ـ ۱۸۰۰ میلادی)، سالم (۱۸٦٦ـ۱۸۰۰ میلادی)، و کُردی (۱۸٤۹ـ ۱۸۰۹ میلادی) به زبان شعر تبدیل گشت و به تبع آن ده‌ها و صدها شاعر دیگر نیز بدین گویش شعر سرودند (۱٦۱).

آنچه که گویش کُردی مرکزی را فراتر از زبان شعر از دیگر گویش‌های کوردی متمایز می‌کند، تداوم این گویش در نقش زبان ادبیات، روزنامه نگاری و بعداً زبان نوشتن و خواندن، علم و دانشگاه، رادیو و تلویزیون، کانالهای ماهواره‌ای و شبکه اینترنت می‌باشد.

به این ترتیب، علّت فرهنگی افزونتر از دیگر دلایل در ایجاد زبان معیار کُردی

نقش داشته و باعث حرکت سریعتر کُردی مرکزی به سوی زبان معیار گشته است.

علل سیاسی: علاوه بر دلایل مذکور، حکومت و قدرت سیاسی به سبب اوضاع سیاسی مطلوب در عصر دولت‌ملت می‌تواند گویشی را به زبان رسمی و ملی یا حداقل زبان معیار مبدل کند؛ در مورد زبان کوردی، حکومت باید اوضاع فرهنگی حاکم براین زبان را در نظر بگیرد و توجه کند که کدام گونه بهتر می‌تواند چنین نقشی را ایفا نماید و به طور مداوم در خدمت زبان نوشتار باشد. به نظر می‌رسد این چنین حکمی شامل حال کُردی مرکزی شود تا به سبب آمادگی زمینه، شرایط و تناسب تاریخیش به زبان استاندارد تبدیل گردد.

از این نظر لازم است حکم سیاسی از طرف مردم، روشنفکران و حکام قاطعیت و تضمین اجرایی داشته باشد. پس در تاریخ زبان کُردی عوامل فرهنگی در کنار علل سیاسی باهم می‌توانند گویشی از زبان کوردی را به زبان ملی تبدیل نمایند؛ زیرا عوامل دینی، تجاری، و اقتصادی نتوانستند گویشی را به زبان معیار تبدیل کنند.

عامل سیاسی یکی از آن اسبابی است که گویش یا گونه‌ی از زبان را به میدان کاربرد می‌آورد و در ادبیات و اجرای امور از آن استفاده می‌کند. در عصر اعلان قیام و مبارزه، به سبب سیاسی اعلامیه‌ها در مطبوعات و روزنامه‌ها و رادیو و غیره به یک گویش پخش می‌شود و کم کم به پیش می‌رود و حیطه استفاده از آن توسعه می‌یابد. آن گویش به سبب آگاهی و رشد حس ملی گرایی و وطن پرستی در میان روشنفکران، باسوادان و نویسندگان به کار می‌رود و کاربرد آن به نگارش آثار فرهنگی متنوع می‌انجامد. کاربرد و انتشار وسیع آن زمینه را برای اعلام حکم سیاسی مساعد می‌کند تا با آن رسماً به زبان ملی تبدیل یا حداقل در اداره‌ی دستگاه‌های آموزشی، خدماتی و اطلاع رسانی در رسانه‌های عمومی به خدمت گرفته شود و از گویش‌های دیگر همگام با آن استفاده نشود.

به علاوه، اگر آن گویش از آن مرکز حکومت و پایتخت باشد، شانس بهتری برای تبدیل به زبان رسمی و عمومی دارد.

لازم به ذکر است که آن ابلاغ سیاسی باید ملاحظه کند که آیا آن گویش یا گونه دارای سابقه‌ای شایسته درارائه‌ی خدمات مداوم بوده و مهم‌تر از آن آیا قبلاً زبان خواندن و علم بوده است تا به منبع و سرمایه‌ی فرهنگی و نوشتاری ملّت خویش تبدیل شود. همچنین نباید عمداً در راه رشد آن گویش مانع ایجاد کرد؛ زیرا به صورت طبیعی امروز یا فردا به زبان ملی مبدل می‌گردد و حکم سیاسی هم آن را تثبیت خواهد کرد.

کردی مرکزی دارای شرایط و عوامل فرهنگی مذکور است؛ زیرا در کارنامه اش گذشته‌ای درخشان و پر از آثار و خدمات رسانی دارد و ضروری است بدون مانع با فرمانی سیاسی به زبان ملی بدل گردد.

ارتباط زبان کُردی با زبان‌های کهن رشته‌کوه زاگرس

بیشتر منابع زبان‌شناسی با زبان فارسی بر ارتباط زبان کُردی از نظر وجود واژگان مشترک و مشابه با زبان‌های کهن ملّت‌های ساکن رشته‌کوه زاگرس تأکید دارند و این را بر اساس مشاهده‌ی تغییرات قاعده مند بعضی از واج‌های زبان‌های همچون سومری، ایلامی، لولوبی، گوتی، کاسی، اوراتایی ... در کُردی در می‌یابند.

دلیل اساسی این پدیده سکونت ملّت‌های دارای زبان‌های گوناگون در دامن رشته‌کوه زاگرس می‌باشد که یکی پس از دیگری یا همزمان در پیرامون یکدیگر زیسته‌اند. پس ریشه‌ی زبان کُردی در طول تاریخ پر از تغییر و تحوّلات خود به زبان‌های ملل متفاوت ساکن در رشته‌کوه زاگرس بر می‌گردد. بنا بر این، از نظر علمی می‌توان به زبان کوردی زبانی زاگرسی گفت و کرد امروز را باقیمانده‌ی ملّت‌های لولوبی، گوتی، کاسی، اوراتویی، و سوبارتوی دانست و آن‌ها را پیشینیان کردهای امروزی خواند. به این سبب نام کوه زاگروس نزد مردم کرد مقدس و تاریخی است که خود سندی بر اصالت کرد می‌باشد. رشته‌کوه زاگرس مهد رشد و شکوفایی ملّت‌های زاگرس نشین و کرد بوده است. در زیر به ارتباط میان کُردی و آن زبان‌ها از نظر شباهت واژگان می‌پردازیم.

ارتباط زبان سومری و زبان کوردی: زبان کُردی دارای واژه‌های مشابه فراوانی با واژه‌های سومری که در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد (۱۶۲) در سرزمین میان دو رود دجله و فرات زیسته‌اند می‌باشد. باستان‌شناسان در کاوش‌ها و تحقیقات خود کشف کرده‌اند که خاک سرزمین کنونی ایران از شمال در گیلان و مازندران تا کناره‌های خلیج فارس دارای رد پای زندگی این ملّت‌های زاگرسی

می‌باشد. اگر کتب و سنگ نوشته‌های بازمانده از سومریها؛ ایلامی‌ها و بقیه‌ی ملّت‌های رشته‌کوه زاگرس را با دقت و و به صورت علمی مطالعه کینم، تأثیر عمیق آن‌ها را بر ریشه، فرهنگ، نژاد و زبان کُردی احساس می‌کنیم. با بررسی زبان سومری، به موارد زیر بر می‌خوریم. واژه‌ی گه نه **(gena)** در سومری به معنای دختر به صورت‌های زیر در کُردی هم وجود دارد: که ن، که نا، که ناچی، کینی، که نیشک.

گه‌ل در سومری به معنی بسیار در کوردی هم هست مثلاً گه لی یا گه لیک شما را دوست دارم. که ل به معنای بزرگ و عظیم الجثه در کوردی به صورت که له پیاو (مرد بزرگ) و که له کیوی موجود است. نین**(nin)** در سومری لقب خدای مؤنث، نه نه اسم خداوند لولوی و اسم مکان‌هایی مثل نینوا در آشوری، نینوس یا نین نام دختر نمرود هم ریشه‌ی نه نه، نه نی، نه نک در کوردی و فارسی است.

شاور در سومری خداوند شهر، در ایلامی و اکدی به صورت (شارو، شهر)، در مادی (سار)، و در سومری اور با (اورمی و ورمی)، اورشیم، اوربیلوم (اربیل، هه ولیر) هم ریشه هستند.

(گابا، گاب) سومری، گوان دار (پستاندار) کردی، به معنی سینه می‌باشند. (ایگ، ایگی) سومری، (کی) ایلامی، (ئک) میتانی، (آیکا) سانسکریتی، (ئیو) مادی، (پیکی) پشتو و (یو) گورانی، هم ریشه‌های (یک) کوردی و فارسی می‌باشند.

(شوشا)ی سومری به شه ش کُردی (شش فارسی) تبدیل شده است. پسوند (گین) در سومری به معنای (مانند، شبیه) مانند وادگین در گورانی و کُردی به صورت‌های ژورگین، خوارگین، زه رد گین، غمگین به یادگار مانده‌اند.

(ایکور) سومری برگرفته از دو واژه‌ی (ای) به معنای خانه و (کور) به معنای کوه در کوردی و گورانی به شکل‌های (که ویل، که و یر، گه ور، گه وه ر) مانده‌اند. (ای) سومری به معنای پرستشگاه، در خوزی (ایبار)، (باره گا)، در

کوردی به شکل (هیوان، ایوان، هال، و راره و)؛ و هیلان به معنی لانه به یادگار مانده‌اند. علامت نفی ایلامی (noa نوو)، در کوردی و فارسی (نه) و در گورانی (نا) می‌باشد.

ارتباط زبان کوردی و لولوبی:

ابتدا لازم است زیستگاه لولوبی‌ها را مشخّص کنیم تا شکل ارتباط آن رابا کُردی بهتر دریابیم. لولوبی‌ها ملّتی بودند که در میان رشته‌کوه زاگرس در حلوان یعنی در ذهاب و شهرزور و سلیمانی زندگی می‌کردند. بعضی محققان بر این باورند که فرهنگ و زبان لری (١٦٣) بازمانده‌ی فرهنگ و زبان لولوبی می‌باشد. قدیمی‌ترین سند در این باره کتاب آرام سین می‌باشد که در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده است. سند دوم لولوبی نقش برجسته‌ی آنوپانیتی پادشاه خویان می‌باشد که در اطراف کرمانشاه واقع و شکل لباس پادشاه و خداوندگان در آن پدیدار است، اما باران نصف آن را شسته است. جرج کامرون و سپایزر بر این باورند که لولوبی‌ها و گوتی‌ها هم از ملّت‌های رشته‌کوه زاگرس، آریایی و اصالتاً قفقازی می‌باشند.

سند زبانی واژه‌ی (بل) (١٦٤) اسم خداوند لولوبی است که به معنی شادی و خوشی و اسم سرچشمه‌ی آب طبیعی می‌باشد که از کوه‌های اورامان می‌جوشد. در اورامان روستایی هم به نام (بلبر) وجود دارد که به این واژه شبیه است و (بلو) نیز نام چشمه‌ای در کُردستان است؛ روی هم رفته این واژه به معنی چشمه و آبی است که به صورت فصلی به بیرون می‌خروشد. واژه‌ی بوم در لۆلۆی به معنای وطن و اصالت این واژه را (بومه له رزه) به معنی زمین لرزه مشخّص می‌کند.

زبان کُردی و گوتی:

زبان گوتی‌ها هم به‌ترین مدرک برای تایید و اثبات خویشاوندی زبان کُردی با ملّت‌های دیرین می‌باشد. منشا گوتی‌ها شمال و شرق شهرزور و از ملّت‌های دامن رشته‌کوه زاگرس بوده‌اندو در آنجا حدود ۱۲۵ سال حکومت کرده‌اند. برای تایید این ادعا به وجود چنَد اسم مکان کنونی که نام پادشاهان گوتی بوده‌اند مانند (یارلا)، (سیوم)، (تیر یگان)، (کوروم) و (آراپها) یعنی کرکوت پایتخت آن‌ها در هزاره‌ی سوم قبل از میلاد اشاره می‌شود (۱٦۵).

ویژگی ساخت ـ آوایی زبان‌های زاگروس قدیم قابلیت تبدیل متقابل آواهای (ه، خ، س، ش) بود که اکنون نیزاین تغییر آوایی در (سار) شار، هوری یعنی حوری، کاسی یعنی کاشی، نیسابور یعنی نیشابور، هوزی یعنی خوزی، و هوژی در کُردی قابل مشاهده است. از این رو آواهای ایلامی مانند: (پ، ب، د، ت، گ، ز، س) هم اکنون هم در زبان کُردی امروزین به جای هم دیگر به کار می‌روند.

ارتباط زبان کُردی و کاسی:

تمام مدارک موجود دال بر قرابت کاسی‌ها با تمام ملّت‌های رشته‌کوه زاگرس از ایلامی‌ها گرفته تا اوراتوها می‌باشد. آثار و ردپای کاسی‌ها در غرب، شمال و خلیج (فارس) نمایان و قابل رؤیت است.

کاسی‌ها از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در غرب فلات ایران فرمانروایی را در دست داشتند. اگر چه مرزهای جغرافیایی سیاسی این ملّت به روشنی مشخّص نشده است، اما بر اساس مدارک موجود آن‌ها در لرستان، همدان، قزوین، کاشان و جنوب حوزه‌ی دریای خزر اسکان داشته‌اند. آن‌ها با زور توانستند بابل را اشغال و حدود ۷۵ سال در بین النهرین حکومت کنند. برای تائید پیوند زبان کوردی با زبان کاسی به واژه‌های زیر اشاره می‌کنیم:

گیدا یعنی فرمانروا، در ایلامی (کوته)، در کوردی و فارسی (کیخوا، کدخدا) می‌باشد. (سور) (خور) در کوردی و (هور) در گویش گورانی هر دو از (سوری) کاسی گرفته شده‌اند. در اصل (سوریاش) نام یکی از خدایان کاسی هم ریشه با نام روستای در هه ورامان به نام (سه ریاس) است (١٦٦). واژه‌ی سوریاش دارای گونه‌های آشور، سوریا، ئاسورا، ئاسور می‌باشد. واژه‌ی آسو در کوردی به معنای افق می‌باشد، آسیا یعنی مشرق و در کتاب شرق آسو به معنی مشرق می‌باشد و ریشه در زبان کاسی دارد. آسن، آهن، ماسی، ماهی شواهد دیگری بر ارتباط کوردی و کاسی می‌باشند.

واژه‌های آهور، آور، آیر، ایر، آگر، آتر، آهوار، اگر، آتر، اهورا هم ریشه‌های واژه‌ی آسورا هستند. (ای) در سومری یعنی ایانه در گورانی قدیم و (یانه، یانی) در گورانی نو به معنی خانه می‌باشند. واژه‌ی (هیلانه) از پیشوند هی و لان یعنی مکان و خانه گرفته شده‌اند.

(کاششو) خداوند مردم، (خودا، خدا) در کوردی و فارسی، (هود) در عربی و (خوتای) در پهلوی می‌باشد. واژه‌ی (هویر) کاسی در کوردی (هوز) به معنای قبیله و عشیره است. در کاسی (خیزان) به خانواده‌ی در حال انجام کار کشاورزی و کشت گفته می‌شود؛ همان واژه در کوردی به معنای خانواده و صورت جمع واژه‌ی (خیز) می‌باشد که در کوردی و گویش گورانی و فارسی واج‌های (خ، ه) به هم قابل تبدیل هستند.

اوراتوی و زبان کُردی:

در قرن نهم قبل از میلاد در اطراف دریاچه وان دولتی به نام (هالیدا) یا خالدی تأسیس شد که آشوری‌ها به آن‌ها (اوراشطو)، عبریها به آن‌ها (آرارات) و یونانی‌ها به آن‌ها (الارودی)، (خالدی) و (خالایوی) می‌گفتند. این حکومت تا قرن ششم

قبل از میلاد باقی ماند و با به حکومت رسیدن ارامنه از بین رفت و در آن‌ها ادغام گشت؛ به هر حال برخی از شرق‌شناسان بر این باورند که کوردها باقیمانده خالدیها (اوراتوها) هستند.

زبان اوراتوی در آذربایجان و ارمنستان (محل اسکان این ملّت ها) همگام با زبان سومری‌ها به کار می‌رفته است . ابر به معنی پرستشگاه، (ای) درسومری، (بارگاه)، (باردان)، (باردادن) در کوردی و فارسی دارای ریشه‌ی اوراتوی هستند. واژه‌ی (جبه ر) یعنی بیرون و خارج از خانه و (باله خانه) از همان ریشه می‌باشد، واژه (ساردور) در کوردی به صورت (سه ردار) می‌باشد که لقب بزرگان و فرماندهان اوراتوی بوده است؛ واژه‌ی (اخلات)، نام شهری در شمال کوردستان، و (کیله شین) نام مکانی در شرق کوردستان دو واژه‌ی اوراتوی هستند

سوبارتو و زبان کوردی

سوبارتو نام ملّت و حکومتی بود که مرز جنوبی آن در شمال غرب ایلام و مرز شمالی آن کوه‌های (آماتوس) بوده است. ملّت‌های میتانی، ناثیری (ناهاری) به آن تعلق داشته‌اند. مصری‌ها به آن‌ها (ناهاری) گفته‌اند؛ در تورات به نام (آرام، ناهارام) ذکر شده است. شاید روستای نایر در هورامان و نه هری در شمزینان باقیمانده نام آن‌ها باشد؛ در کرکوک و بوغاز کوی مدارک فراوانی در مورد میتانی‌ها پیدا شده است. مستر جانسن می‌گوید: اسم حکومت آنها (هانی گالبات) بوده و این از راه تخته سنگ‌های کشف شده در کرکوک به دست آمده است (١٦٧). آن‌ها به خدای خورشید (هوار) می‌گفته‌اند. آن‌ها در میان ملّت‌های زاگروس مشهور و به همین دلیل به (هوری) معروفند؛ هم چنین، این نام در منابع به صورت‌های (هه وار، هور، وه ر) در گویش هورامی و خور در کوردی ذکر شده‌اند که همه دارای یک معنی هستند.

واژه‌ی (هه وار داتا) در سورباتو به معنی بخشش خداوند خورشید در زبان بابلی به (اُمرداتو) (خورداتو) و سپس (خورمرداتو) و بعد به دلیل تغییرات رده شناختی زبانی به واژه‌ی (خورماتو)، شهری در جنوب کرکوک، تبدیل شده است که ترکمن‌ها آن را به (توزخورماتو) تغییر داده‌اند که در اصل باقی مانده‌ی واژه‌ی خداوند سورباتویی می‌باشد.

هیتی و زبان کُردی:

هیتی هم زبانی بود که در هزاره‌ی دوم قبل از میلاد در آسیای صغیر از آن استفاده می‌شد، واژه‌های ضمایر شخصی آن به شکل مو (به من)، تا (به تو)، سی (به او) بوده‌اند.

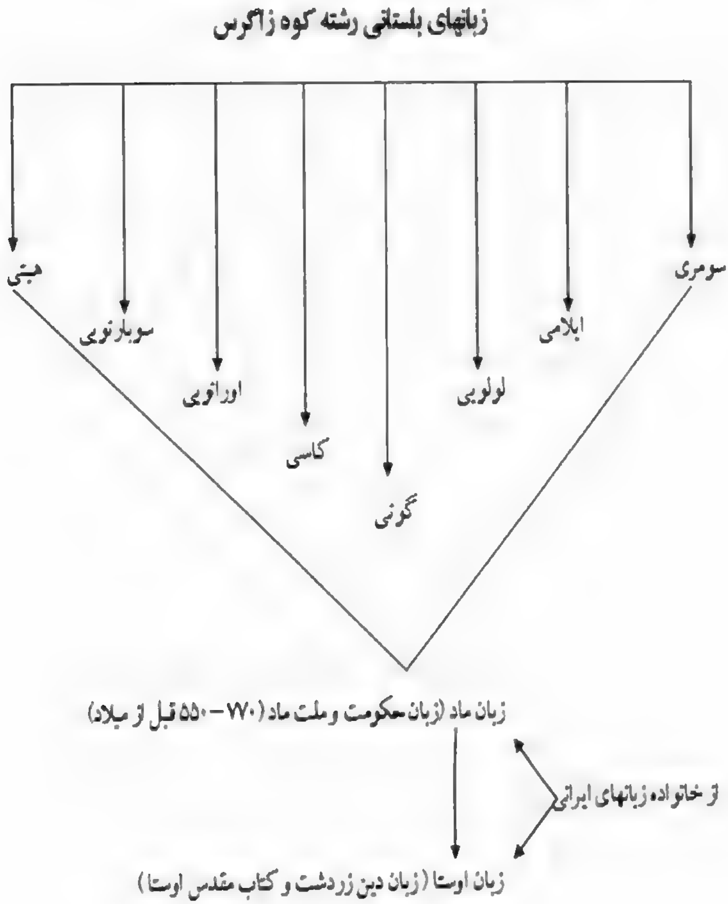
واژه‌ی (استخوان) هیتی در کُردی به (ایسک) و در مجموعه گویش‌های کوردی جنوب مثلاً در خانقین و شوان به آن (سوقان) تبدیل شده است؛ این واژه در انگلیسی (آستیو) است. در گویش گورانی واژه‌ی (وادار) به معنی آب، در انگلیسی **water**، در اوستایی و سانسکریتی به صورت (ئاد) و (ئاو)، و در ارمنی اورد آمده است.

واژه‌ی (آیکاآرتانا) در هیتی به معنی (یک چرخی)، (تراوارتانا): شش چرخی، (هه‌فت): نه وت، و (ناوا): نه می‌باشد (۱۶۸). واژه‌ی (وارتانا) در کُردی (وردینه) به معنی شخم زدن زمین برای بار دوم می‌باشد.

این مثال‌ها مدارکی دال بر وجود پیوند در میان زبان‌های رشته‌کوه زاگرس و زبان کُردی به ویژه از لحاظ واژه‌های مشابه و یکسان می‌باشد. با توجه به شواهد مذکور، زبان کوردی در گذر از تغییرات تاریخی استقلال خود را حفظ کرده است. وجود واژه‌ها و واج‌های مشترک با ملّت‌های پیشین همچون سومری، لولوبی، گوتی، ایلامی، کاسی، سورباتویی و اروراتویی نشانه‌ی آنند که کُردی در گذر زمان

از اصالت خویش پاسداری کرده است؛ این ملّت‌ها همه زاییده‌ی رشته‌کوه زاگرس بوده‌اند و کرد از نژاد آن‌ها می‌باشد و این مطلب از راه بقای واژه‌ها و نام مکانهای آن‌ها در کُردستان تأئید می‌شود.این ملّت در طول تاریخ در دامن رشته‌کوه زاگرس زیسته و رشد کرده است و زبان او جزء لاینفک وجود تاریخی کُردها می‌باشند. از نظر زبان‌شناسی و تاریخی، شایسته است به زبان‌های باستانی ادغام شده در زبان مادها و سپس در کُردی امروز زبان‌های زاگرسی گفته شود چراکه آن‌ها ریشه در سرزمین زاگرس دارند و زاگرس زادگاهشان بوده است.

نمودار (۱۸) - زبان های زاگرسی (ریشه ی زبان کوردی)



خلاصه و نتیجه‌گیری

۱) کاربرد عبارت هندو اروپایی به جای آریایی یا هندو آریایی برای آن مجموعه‌ی زبانی و ملّت‌های آن‌ها که در اصل بومی و ساکن منطقه‌ی آریا و فلات ایران می‌باشند، خطای علمی است، چونکه این اصطلاح تمام خانواده‌های زبانی و ملّت‌های این ناحیه مانند ایرانی، هندی، اروپایی، هیتی و ارمنی را در بر نمی‌گیرد. در این اصطلاح هیچ وجه مشترکی برای نامیدن این چهار خانواده‌ی زبانی دیده نمی‌شود. اما اصطلاح آری یا هندوآری شامل هر چهار خانواده می‌شود؛ اروپایی خود خانواده‌ای در این مجموعه زبانی می‌باشد.

۲) وجود واژه‌ها و اصطلاحات آریایی به طور پراکنده در میان آن چهار خانواده زبانی در زیر شاخه‌ی مجموعه‌ی زبانی آری و هندو آریایی و عبری دلیلی بر این ادعاست که همه از واژه‌ی آریا منشاء گرفته‌اند و این خود مایه‌ی افتخار ملّت‌های آریایی می‌باشد. از میان آن واژه‌ها و اصطلاحات می‌توان به اورشلیم، ایرلند، آذربایجان، ارمنستان، اروپا، ورمی (اومی ـ اورمیه)، ایران (ایران ایرانیوم، آریانیوم)، آگر، ناور، ارتش، آتش اشاره کرد که همه از واژی آریا مشتق شده‌اند.

۳) برخی پژوهش‌های زبان‌شناسی نشان داده‌اند که زبان سانسکریت (هندوی) کهن‌ترین زبان مجموعه‌ی زبانی آری می‌باشد و می‌توان گفت که ریشه‌ی همه یا بیشتر زبان‌های آن مجموعه می‌باشد.

٤) ویژگی مشترک و مشابهی که تمام زبان‌های این مجموعه زبانی را به هم پیوند می‌دهد و آنهم وجود زبانی آغازین و مقدس و کتاب‌های دینی سانسکریت،

اوستا و انجیل (لاتینی) می‌باشد که کهن‌ترین متون نوشتاری به حساب می‌آیند.

۵) از نظر تاریخی ریشه‌ی زبان کُردی به عنوان زبان رسمی دولت و اساس تمدّن حدود ۲۵۰ سال قدیمی‌تر از زبان هخامنشیان یعنی فارسی می‌باشد. به دنبال حکومت مادها در میان سال‌های (۷۷۰ ـ ۵۵۰) هخامنشیان (از سال ۵۵۰ قبل از میلاد) به بعد حکومتِ کردند.

٦) زبان کُردی، زبان مستقل ملّت کرد است که در نتیجه‌ی تغییر وتحوّل از زبان‌های زاگرسی مانند سومری، لۆلۆی، گوتی، کاسی، اوراتوی، ایلامی، منشاء گرفته و بعداً در زبان مادها حل شده است. این زبان از زبان‌های مادی و اوستای سرچشمه گرفته و رشد کرده و شکوفا شده و به سطح کنونی رسیده است. نمونه‌ی واژه‌های مشترک میان آن‌ها شاهد علمی این نظر می‌باشند. پس ریشه‌ی کُردی قبل از زبان‌های مادی و اوستایی به زبان‌های زاگرسی بر می‌گردد که قبل از زبان‌های مادی، اوستا و فارسی هخامنشی وجود داشته‌اند.

۷) زبان پهلوی ساسانی مرحله‌ی میانی زبان‌های ایرانی و به تبع آن زبان کُردی را تشکیل می‌دهد. این حکومت را اردشیر بابکان از قبیله‌ی شبانکارهای کرد تأسیس کرد که حدود ۵ قرن دوام داشت.

۸) مرحله‌ی چهارم تاریخی زبان کُردی یعنی مرحله‌ی استاندارد شدن و نوگرایی آن با انتشار اولین روزنامه کُردی (کردستان) در پایان نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی (۱۸۹۸/٤/۲۲) شروع می‌شود.

۹) در مورد مرحله‌ی میانی زبان کُردی مدارک نوشتاری آنچنانی یافت نمی‌شود. این مرحله در هاله‌ی از ابهام و تاریکی است؛! زیرا دوران تحت سلطه قرار گرفتن ملّت کرد را بعد از سرنگونی دولت ماد نشان می‌ده. به علّت عدم وجود مدارک نوشتاری به این زبان در آن زمان، آن دوره‌ای خاموش از تاریخ زبان کُردی محسوب می‌گردد.

۱۰) جایگاه زبان کُردی در میان زبان‌های جهان از لحاظ: مجموعه و خانواده‌ی زبانی، تفاوت دستور زبان، مکان جغرافیایی، ساخت واژه، جمله سازی، پیشرفت و شکوفایی، نظام تربیت عناصر واژه‌ها در جمله، تعداد آواها و واج‌ها مشخّص شده است و این وضعیت تاییدی بر منزلت و استقلال این زبان است.

۱۱) در خارج از کُردستان هم مکان‌هایی هستند که کُردها در آن ساکن می‌باشند مانند: خراسان، کلون عبد و کازرون در شیراز، جمهوریهای قفقاز و شوری سابق مانند ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، گرجستان، ازبکستان، و کشورهای سوریه، لبنان، اسرائیل، افغانستان، پاکستان، بغداد، آنکارا و استانبول؛ بعد از سال ۱۹۹۱ در بیشتر کشورهای اروپایی نیز کُردها وجود دارند.

۱۲) زبان‌های دنیا به چهار مجموعه و حتی تا پنج و هشت مجموعه هم تقسیم‌بندی شده‌اند. چهار مجموعه شامل آری، سامی ـ حامی، چینی ـ تبتی، اورال ـ آلتیکی می‌باشد. هشت مجموعه شامل آری، سامی، دراویدی، زبان‌های نواختی آسیا، زبان‌های پیوندی پولنزیابی و مالایی، استرواندونزیایی و زبان‌های سیاهان آفریقا می‌باشد. می‌توان زبان‌ها را بر اساس مکان جغرافیایی به پنج گروه آسیایی، اروپایی، آفریقایی، آمریکایی، و زبان‌های اقیانوسیه تقسیم کرد. یکی دیگر از تقسیم بندی‌ها شامل پنج مجموعه‌ی هندوآری (آری)، سامی، آلتایی، و زبان‌های تک می‌باشد که اکنون در حال بررسی هستند.

۱۳) در یک کشور ممکن است چندین زبان متفاوت یا مشابه در یک خانواده یا یک مجموعه وجود داشته باشد. مثلاً در ایران زبان‌های کردی، فارسی، بلوچی و ... از یک خانواده زبانی وجود دارند ودر حالی که عربی هم در ایران وجود دارد که با آن‌ها از نظر زبانی بسیار دور است.

۱٤) مناسب‌ترین تقسیم‌بندی زبانی بر اساس شباهت زبان‌شناسی و ارتباط خویشاوندی است.

۱۵) بر اساس فوق، مناسب‌ترین شیوه‌ی‌شناسایی زبان کُردی در میان زبان‌های جهان این است که زبانی از خانواده‌ی ایرانی شمال غربی نوین در شاخه‌ی شرقی مجموعه‌ی زبان‌های آری (هندوآری) می‌باشد.

۱٦) شناسایی زبان کُردی در میان زبان‌های آری به شکل فوق دارای دو جنبه می‌باشد. از یک طرف، از لحاظ دستوری، زبانی شمال غربی در میان زبان‌های ایرانی است و از این نظر با دیگر زبان‌های ایرانی تفاوت دارد. و از سوی دیگر از نظر جغرافیایی متعلق به شاخه زبان‌های شرقی مانند زبان‌های ایرانی و هندی است و از این لحاظ از دیگر زبان‌های اروپایی که جزء شاخه غربی هستند جدا می‌شود. پس از لحاظ ارتباط خویشاوندی در زیر شاخه‌ی مجموعه‌ی آری است؛ زیرا در اصل ملّت‌های دارای این زبان‌ها در مناطق آریایی ساکن و این مناطق سرزمین آن‌ها بوده است.

۱۷) زبان کُردی زبان ملّت کرد است؛ مشخّصه‌های بالا نشان می‌دهند که اگر چه کُردها از نژاد آریایی می‌باشند، اما زبان کُردی گویش و شاخه‌ای از زبان ملّت دیگری نیست؛ زیرا زبان و نژاد دو پدیده جدا از همدیگر هستند. ممکن است در میان دو ملّت هم نژاد وجوه مشترکی باشد و زبان آن‌ها دارای نظام ساخت واژه مشابهی باشد، با این حال لازم نیست زبان یکدیگر را بدانند. اگر برای فهم زبان، نژاد و خویشاوندی زبانی به هم وابسته باشند، می‌بایست هر یک از مردم دارای زبان‌های کردی، فارسی، بلوچی، افغانی، آلمانی، و انگلیسی و غیره زبا ن همدیگر را می‌دانستند.

۱۸) وجود گویش‌ها و گونه‌های متنوع در زبان کُردی به دلیل آن است که زبان کُردی از زبان‌های مختلف لولوبی، گوتی، ایلامی، و... منشاء گرفته است. ماندگاری تأثیرات آن زبان‌ها در کُردی امروز به اضافه تقسیم کُردستان باعث اختلاف شدیدتر و جدایی بیشتر این گویش‌ها از هم شده است.

۱۹) علّت عدم وجود زبان کُردی فراگیر و واحد قبل از هر چیز به نبودن حکومت و استقلال کُردها در طول تاریخ بعد از مادها بر می‌گردد. شرایط مناسب فرهنگی و رشد روشنفکری کُردها تنها راهی است که برای ایجاد زبان سراسری در صورت فراهم شدن اوضاع مناسب سیاسی برای کُردها باقی مانده است.

۲۰) زبان کُردی زبان ملّتی تحت سلطه و بدون حکومت بوده است، با اینحال همگام با تغییرات و رویدادهای تاریخی در حال رشد و شکوفایی بوده و استقلال خود را حفظ کرده و بر گنجینه‌ی واژگان آن افزوده شده است.

۲۱) بین زبان کُردی و زبان ارمنی (ارمنی جزء خانواده‌ی زبانی آریایی می‌باشد) از نظر وجود واژه‌های مشابه و همانند خویشاوندی وجود دارد؛ علاوه بر آن از نظر جغرافیایی هم همسایه بوده و باهم زیسته‌اند.

۲۲) مکان جغرافیایی کاربرد زبان کُردی در میان قاره‌ی آسیا و کوه‌های قفقاز یعنی مرز آسیا و اروپا است و به طور کلی در جنوب غربی قاره آسیا یعنی کُردستان می‌باشد. زبان کُردی از لحاظ ساختار واژه سازی و جمله سازی زبانی پیوندی محسوب می‌شود.؛ زیرا بیشتر تکواژهای آن در ساخت یک واژه به هم می‌چسبند و واژه‌ها از راه ترکیب تکواژه‌ها یا وندهای مشخّصی با هم ساخته می‌شوند. باوجود این، کُردی دارای تعداد کمی واژه‌های زبان‌های مستقل (گسسته) است که صرف نمی‌شوند و در نتیجه تکواژ وابسته را نمی‌گیرند. این زبان دارای نمونه‌هایی از واژه‌های زبان‌های تصریفی ـ نقشی نیز می‌باشد که در آن‌ها وند وابسته با ریشه‌ای ترکیب می‌شود و بیانگر چندین معنا و حالت دِستوری می‌باشد.

۲۳) تعداد همخوانها این زبان شامل ۳۷ واج می‌باشد.

۲٤) ترتیب اجزای اصلی کلام در جملات زبان کُردی به صورت (فاعل، مفعول و فعل) و نهاد و گزاره می‌باشد که فعل آن در پایان جمله‌ی می‌آید.

۲۵) مرحله‌ی باستانی زبان کُردی، یعنی مرحله اول در دو دوره‌ی زمانی قرار

می‌گیرد. زمان اول در عصر ملّت‌های دامنه‌ی زاگرس مانند سومری، گوتی، لولوبی، کاسی، ایلامی و اوراتویی است، و زمان دوم آن شامل از بین رفتن زبان‌های دوره‌ی اول و تحلیل آن‌ها در درون ملّت و زبان ماد می‌باشد.

۲٦) موضوع بسیار مهمی که در هیچ منبعی ذکر نشده وجود زبان‌های زاگرسی می‌باشد؛ نام آن‌ها در مراحل باستانی زبان‌های ایرانی نمی‌آید و فقط از زبان مادی، اوستا (تاحدود زیادی) و زبان پارسی باستان مانند مرحله‌ی اول زبان‌های ایرانی یاد می‌شود. پس، ضرورتی تاریخی است که زبان‌شناسان و پژوهشگران کرد به زبان‌های زاگرسی به عنوان نقطه‌ی آغاز تاریخ زبان کُردی اشاره کنند و بعد به زبان‌های مادی و اوستای بپردازند.

۲۷) تا کنون تمامی زبان‌های جهان در زیر مجموعه‌های زمانی طبقه‌بندی نشده‌اند؛ زیرا زبان‌هایی هستند که در زیر شاخه‌ی مجموعه‌های چهار، پنج یا هشت تایی موجود قرار نمی‌گیرند. حتی زبان‌ها و گویش‌هایی هستند که هنوز ناشناخته مانده‌اند و بررسی نشده‌اند یا در حال بررسی هستند که علّت آن می‌تواند شمار بسیار زبان‌های ملّت‌های جهان باشد.

۲۸) زبان‌شناسان بر این باورند که شماره‌ی زبان‌های زنده‌ی دنیا به ۲۵۰۰ زبان می‌رسد؛ یعنی حدود پنج (شش) میلیارد نفر در جهان به هفت تا چهل هزار زبان صحبت می‌کنند. تعیین تعداد خانواده‌های زبانی در میان این همه زبان کار آسانی نیست و به کوشش و هزینه‌ی تمام ملّت‌های جهان نیاز دارد.

۲۹) تعیین وشناسایی مجموعه‌ها و خانواده‌های زبانی باید براساس شباهت‌ها و مشترکات میان آن‌ها صورت گیرد.

۳۰) براساس نظریه‌ای، شمار مجموعه‌های زبانی در میان همه‌ی زبان‌ها به ۱۵۰ خانواده می‌رسد که تنها یازده تا از آن‌ها معرفی شده‌اند، مانند: ۱ـ آریایی (هندوآریایی) ۲ـ آفریقایی ـ آسیایی ۳ـ چینی ـ بتی ٤ـ آلتایی دراویدی ۵ـ اورالی

(فینو ـ ایگوری) ٦ـ نیجیریه‌ای ۷ـ کنگویی ۸ـ ژاپنی ۹ـ باسکی ۱۰ سیاهان امریکایی ۱۱ـ مالایی ـ پولنزیایی. جایگاه زبان کُردی از نظر خویشاوندی به مجموعه‌ی اول و از نظر جغرافیایی به مجموعه‌ی دوم یعنی آسیایی تعلق دارد.

۳۱) بعضی از زبان‌شناسان معتقدند که متوسط شمار واج‌های زبان‌های دنیا ۲۵ تا می‌باشد، این نظریه در مورد زبان کُردی درست نیست؛ زیرا کُردی به اضافه‌ی همزه دارای ۳٦ تا ۳۷ واج می‌باشد.

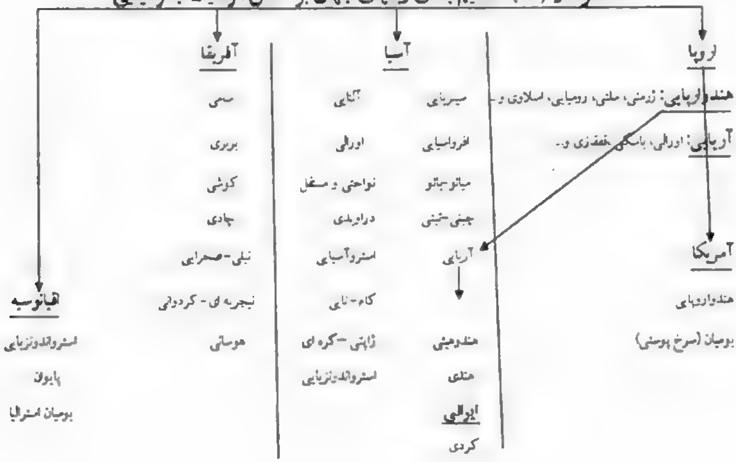
۳۲) لازمه‌ی زندگی، برقراری ارتباط در اجتماع یا در محل کار می‌باشد و اختلاف زبانی به ایجاد زبانی سوم و جدا از زبان دو طرف به نام پچین (میانجی) و کریول (آمیخته‌ی مادری) می‌انجامد. تاریخ ایجاد چنین زبانی به قرن ۱۷ بر می‌گردد و بازرگانی و فعالیت تجاری از علل اصلی شکل گیری آن می‌باشد.

۳۳) زبان معیار به خودی خود و با دستکاری و اختلاط ایجاد نمی‌شود. تجربه‌ی ملّت‌های جهان ثابت کرده است که یکی از عوامل مذهبی، اقتصادی، فعالیت‌های تجاری، فرهنگی و سیاسی یا بیشتر از یکی از آن‌ها برای معیار سازی زبان ضروری است.

۳٤) تشکیل کنگره و کنفرانس به هیچ وجه نمی‌تواند زبان را بیافریند؛ بلکه این تغییرات تاریخی است که به ایجاد زبان منجر می‌شود. اگر خلق زبان توسط بشر موفق از آب در می‌آمد می‌بایست اسپرانتو زبان جهانی می‌شد!

۳۵) بیشتر زبان‌های پیجین (میانجی) یا کریول (آمیخته‌ی مادری) بر بنیاد یکی از زبان‌های اروپایی می‌باشند که نشانه‌ی تأثیرات عصر امپریالیزم و افزایش منافع اقتصادی و تجاری است؛ به همین سبب این زبان‌های تجاری هستند و اکثراً در مناطق تماس زبان‌ها در آفریقا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای جنوبی به وجود آمده‌اند.

نمودار (۱۹)- تقسیم بندی زبانهای جهان بر اساس موقعیت جغرافیایی



پی‌نوشت‌ها

۱ـ م/دکتر محمود سعران، علـم اللغـه، مصـر۱۹٦۲، ص ۲۷۲، ب/عبـدالرحمان زبیحی قاموسی زمانی کوردی، بغداد۱۹۸۷، ص٣٤.

۲ـ ا.د. یحیی عبانیه، د.امنه الزغبی، علـم الغـه المعاصـر، مقـدمات و تطبیقـات، الاردن۲۰۰٥، ص۹

۳ـ کارا دیتر بونتیج، المدخل الی علم اللغه، ترجمه تعلیق:د.سعیدحسن بحیری، مصر۲۰۰۳، ص.٥

٤ـ کارا دیتر بونتیج، المدخل الی علم اللغه، همان صفحه .

٥ـ زبیر بلال اسماعیل، تاریخ زبان کُردی، ترجمه ی:یوسف رئوف علی، بغـداد ۱۹۸٤ ص۱۱.

٦ـ برنارد کـامری و دیگـران، زبـان‌هـای دنیـا، چهـار مقالـه در زبـان‌شناسـی، برگردان:کورش صفوی، تهران ـ سعاد۱۳۸٤، ص۸

۷ـ زبیر بلال اسماعیل، همان منبع و همان صفحه.

۸ـ بابا شیخ حسینی، هامشی بر دانش زبان‌شناسی، سنندج۱۳۸۳، ص ۲۲۰.

۹ـ د.علی عبدالواحد وافی، علم اللغه، مصر۱۹۷۲، ص ۱۹٦ـ

۱۰ ـ ایران کنونی از آریـا گرفتـه شـده اسـت و شـامل فـلات ایـران از شـرق رودخانه سند تا رشته‌کوه زاگرس در غرب می‌شود.

۱۱ـ د. فهمی الشناوی، الاکراد یتامی المسلین، القاهره۱۹۹۱، ص٤۹.

۱۲ـ د. فهمی الشناوی، همان منبع، ص ۱۸۰.

۱۳ـ د. علی عبدالواحد وافی، ص ۱۹۹.

۱٤ـ برنارد کامری و دیگران، زبان‌های دنیا، ص ۹.

۱۵ـ برنارد کامری و دیگران، زبان‌های دنیا، ص ۹.

۱٦ـ بابا شیخ حسینی، هامشی بر دانش زبان‌شناسی،، ص۲,۹.

۱۷ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ترجمه، عفت ملانظر، تهران۱۳۸۲، ص۳۷۹.

۱۸ـ دکتر ابراهیم چگنی، فرهنگ دائره المعارف زبان وزبان‌ها، چ۲، تهران۱۳۸۲، ص۳۹۷.

۱۹ـ ی. م. ارانسکی، مقدم اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص۳۳، ۳٤.

۲۰ـ دکتر ابراهیم چگنی، فرهنگ دائره المعارف زبان وزبان‌ها، ل۲٦۰.

۲۱ـ برنارد کامری و دیگران، زبان‌های دنیا، ص۱۵.

۲۲ـ برنارد کامری و دیگران، زبان‌های دنیا، ص۱٦.

۲۳ـ بابا شیخ حسینی، ص۲۷۳.

۲٤ـ یوسف م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی، ترجمه:دکتر علیاشرف صادقی، تهران ۱۳۷۸، ص۳۳، ۳٤.

۲۵ـ بابا شیخ حسینی، ص .۲٤.

۲٦ـ باباشیخ حسینی در ص ۲۲۰ آن را به هند و اروپایی نام می‌برد .

۲۷ـ همان منبع و همان صفحه، آن‌ها را به نام ملّت هند و اروپایی می‌شناسد. واقعیّت علمی اینست که آریایی هستند اگرچه منظور همان است ولی متفاوتند.

۲۸ـ همان منبع و همان صفحه.

۲۹ـ همان منبع و همان صفحه.

۲۹ـ همان منبع، ص ۲۲۰، ۲۲۱.

۳۰ـ زبیر بلال اسماعیل، ص۱۱.

۳۱ـ دکتر کمال فواد، گویش‌های زبان کوردی و نوشتار آنها، مجله زانیاری، شماره ٤١، بغداد ۱۹۷۱، ص ١٦، ٢٤، اولین نویسنده و زبان‌شناس است که این موضوع را به کوردی انتشار می‌دهد.

۳۲ـ د. کمال فواد، همان منبع و همان صفحه.

۳۳ـ همان منبع، ص ۲۲۰

٣٤ـ زبیر بلال اسماعیل، ص١٦.

۳۵ـ ئه وره حمانی حاجی مارف، واژ گان زبان کوردی، بغداد۱۹۷۵، ص۳۲.

٣٦ـ بابا شیخ حسینی، ص ۳۰۷.

۳۷ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم اللغه النظری، بیروت ـ لبنان۱۹۸۲، ص١٤٨.

۳۸ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم اللغه النظری، ص٦٥.

۳۹ـ همان منبع، ص ٩٦.

٤٠ـ همان منبع و همان صفحه.

٤١ـ برای نظر اوستین به کتاب زیر نگاه کنید:فواد حمه خورشید، اللغه الکردیه، التوزیع الجغرافی للهجتها، بغداد ٢٠٠٥، ص٢.

٤٢ـ نظر سون در فواد حمه خورشید، اللغه الکردیه، ص٣.

٤٣ـ د علی عبدالواحد وافی، ص١٩٩.

٤٤ـ جمال رشید، تاریخ الکوردالقدیم، هه ولیر ۱۹۸۰، ص ۳.

٤٥ـ چه رمو: به گویش گرمسیر به معنای رنگ سفید می‌آید,و این واژه در زبان عربی تغییر کرده و به جرمو تبدیل شده است. در واقع صدای چ به ج تبدیل شده است.

٤٦ـ ا. د. یحیی عبانیه، د. امنه الزغبی، علم اللغه المعاصر، الاردن٢٠٠٥، ص ٩.

٤٧ـ علی عبدالواحد وافی، ص ۲۰۳، از طرف زبیر اسماعیل، تاریخ زبان

کوردی، ص ۱۵ به روش دیگر تقسیم‌بندی شده است.

٤٨ـ همان منبع و همان صفحه.

٤٩ـ همان منبع و همان صفحه.

۵۰ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ترجمه، عفـت ملانظـر، تهـران۱۳۸۲، ص۲٤۹، این تقسیم‌بندی به شیوه‌های دیگر هم وجود دارد.

۵۱ـ میشل مالرب، همان منبع، ص ۱۵٤.

۵۲ـ بابا شیخ حسینی، ص۲۳۲، ۲۳۳.

۵۳ـ آنتونی ارلاتو، در آمـدی بـر زبـان‌شناسـی تـاریخی، ترجمـه دکتـر یحیـی مدرسی، تهران۱۳۸٤، ص٥٦.

٥٤ـ بابا شیخ حسینی، ص ۲۳۹.

۵۵ـ آنتونی ارلاتو، در آمدی بر زبان‌شناسی ...، ص۵۹.

٥٦ـ همان منبع و همان صفحه.

۵۷ـ برنارد کامری، ص۳۷.

۵۸ـ میشل مالرب، ص۱۵۲ـ ۱۵۳.

۵۹ـ آنتونی ارلاتو، ص٦۲، ٦۳.

٦۰ـ برنارد کامری، ص۱۷ـ

٦۱ـ آنتونی ارلاتو، در آمدی بر، ص٦۳.

٦۲ـ میشل مالرب، ۲۳۷.

٦۳ـ برنارد کامری، ص۲٦.

٦٤ـ میشل مالبرب، زبان‌هـای مـردم جهـان، ص ۳۵۷، ۳۵۵ اسـم خوسـائین را نژادشناسان از اسم ملّت هوتنتوت **Khoin** گرفته‌اند و خویشاوند آن‌هـا یعنـی بـو شمن‌ها از **san** درست شده است.

٦۵ـ برنارد کامری، ص۲۵ـ

٦٦ـ آنتونی ارلاتو، در آمدی بر، ص٥٧.

٦٧ـ آنتونی ارلاتو، در آمدی بر، ص٥٦، ٥٧.

٦٨ـ به دو منبع زیر نگاه کنید: م. آنتوی ارلاتو، ص٦٦، ٦٧.

برنارد کامری و ... ص ٥

٦٩ـ برنارد کامری، ص ٥٠

٧٠ـ میشل مالرب، ص١٥٣، و د. علی عبدالواحد وافی، علم الغه، ص١٩٧ـ

٧١ـ بابا شیخ حسینی، ص ٢٤٨، ٢٠٥.

٧٢ـ میشل مالرب، ص١٥٣

٧٣ـ بابا شیخ حسینی، ص ١٩٨.

٧٤ـ همان منبع و همان صفحه.

٧٥ـ همان منبع ص ٢٠٠.

٧٦ـ همان منبع، ص٢٠٥، ٢٤٨.

٧٧ـ آنتونی ارلاتو، در آمدی ...، ص٥١.

٧٨ـ برنارد کامری، زبان‌های دنیا، ص ٨

٧٩ـ برنارد کامری، ص٢٥.

٨٠ـ برنارد کامری، ص٥٠.

٨١ـ برنارد کامری، ص٩ـ ٢٩ـ

٨٢ ـ برای این زبان برنارد کامری و ... ص ٢٠ نگاه کنید. در مورد آن‌ها بر اساس مکان جغرافیای بحث شده است.

٨٣ـ همان منبع ص ١٤، ١٥.

٨٤ـ برنارد کامری، ص١٨.

٨٥ـ همان منبع، ص٢٧.

٨٦ـ تا حالا هیچ منبع زبان‌شناسی کُردی ندیده ام که در مورد این گونه زبان

باشد.

۸۷ـ دکتر ابراهیم چگنی، فرهنگ دائره المعارف زبان وزبان‌ها، ل۳۵۲.

۸۸ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ص۳۸۷.

۸۹ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ص۳۸۸.

۹۰ـ دکتر ابراهیم چگنی، فرهنگ دائره المعارفی زبان و زبان‌ها، ل۳۵۲.

۹۱ـ بریجیته بارتشت، مناهج علم اللغه، من هرمان باول حتی نوام چامسکی، ت:ا، د.حسن بحیری القاهره ۲۰۰٤، ۷۲ـ ۷۳.

۹۲ـ بابا شیخ حسینی، ص۱۹۹.

۹۳ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم اللغه...، ص۹..

۹٤ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ص۳۰۹.

۹۵ـ بابا شیخ حسینی، ص۱۹۹

۹٦ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم اللغه...، ص۱٤۰

۹۷ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ص۳۰۹.

۹۸ـ بابا شیخ حسینی، ص۲٤۳

۹۹ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ص۳۰۹.

۱۰۰ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم اللغه...، ص۱۳۱.

۱۰۱ـ بابا شیخ حسینی، ص۱۹۹.

۱۰۲ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم اللغه...، ص۱۲۸.

۱۰۳ـ د. علی عبدالواحد، علم اللغه، ص۲٤۸.

۱۰٤ـ د. محمد علی الخولی، معجم علم الغه...، ص۲۲۰.

۱۰۵ـ ا/ بابا شیخ حسینی، ص ۱۹۹.

ب/د. رفیق شوانی (و) همزه درزبان کُردی واج و حرف می‌باشد، پاشکوی روژنامه‌ی عراق، ژ (۳۲۲)، ۱۹۹۵/۲/۲٦، ص.

۱۰۶ـ وریاعمرامین، چند تاسویه کی زمانه وانی، ب۱، هه ولیر ۲۰۰٤، ص۲۳۸ـ کاربرد واژه‌ی (چند) دراینجا نامناسب است، بهتر بود (افق زبان‌شناسی) نوشته می‌شد زیر یک کتاب است و یک افق، و نه چند افق را ایجاد می‌کند. بعداً نویسنده به منبع اشاره نکرده است؛؛ زیرا مشخّص کردن این نوع نظام زبانی در نتیجه تحقیق بر روی تمام زبان‌ها حاصل می‌شود.

۱۰۷ـ د. علی عبدالواحد وافی، ص ۲٤۸.

۱۰۸ـ همان منبع و همان صفحه.

۱۰۹ـ عبدالله غفور، جغرافیای کردستان، هه ولیر۲۰۰، ص۱۵.

۱۱۰ـ د.احمد خلیل، تاریخ الکرد فی الحضاره الاسلامیه، دارهیرو، لبنان ـ بیروت ۲۰۰۷، ص۳۷، ۳۸.

۱۱۱ـ کینیت کاتسنر، زبان‌های جهان، ترجمه ی: رضا هیرمندی (خدادادی)، تهران۱۳٦۷، ص ۱۹۲، ۱۹۳.

۱۱۲ـ ی. م. ارانسکی، مقدم فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص۳۰۷.

۱۱۳ـــ یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی. ترجمه: دکتر علی اشرف صادقی.تهران ۱۳۷۸، ص ۱۲۷ـ شمار کوردها را درسال ۱۹۷٦ حدود ۱۲ میلیون دانسته است.

۱۱٤ـ عبدالله غفور، جغرافیای، ص۱٤۹.

۱۱۵ـ محمد امین هه ورامی میژوی ریبازی زمانی کوردی، به غدا۱۹۹۰، ص ۲٤.

۱۱٦ـ ی. م. ارانسکی، مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ٤۹.

۱۱۷ـ یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی، ص ٤۹ـ

۱۱۸ـ یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی، ص ٤٩، متأسفانه نویسندگان فارس بسیار مختصر به بحث در مورد شاخه‌ی باستان زبان‌های ایرانی شمال غربی مانند ماد می‌پردازند که کوردی به آن وابسته است. این به علّت کمبود اسناد تاریخی یا به علّت نژاد پرستانه‌ی دیگر می‌باشد. حتی آن‌ها در بحث از زبان‌های ایرانی به فارسی باستان قبل از این شاخه اصیل زبان‌های ایرانی می‌پردازند. در حالی که تاریخ فارسی باستان اخیرتر است؛ زیرا دولت هخامنشی حدود ۲۵۰ سال بعد از مادها آمده است.

۱۱۹ـ ی. م. ارانسکی، مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص۱۰۳.

۱۲۰ـ ی. م. ارانسکی، مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۸.

۱۲۱ـ همان منبع و همان صفحه.

۱۲۲ـ همان منبع، ص۱۹.

۱۲۳ـ یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی، ص۲۵.

۱۲٤ـ ی. م. ارانسکی، مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص ۱۹.

۱۲۵ـ زبیر بلال اسماعیل، میژوی زمانی کوردی، ص٦٦.

۱۲٦ـ یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی، ص ۱۰۰.

۱۲۷ـ همان منبع، ص۷۷، ۷۸.

۱۲۸ـ . ی. م. ارانسکی، مقدم فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص۱۹.

۱۲۹ـ ی. م. ارانسکی، مقدم فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص۱۲۵.

۱۳۰ـ ی. م. ارانسکی، مقدم فقه‌اللغه ایرانی، ترجمه، کریم کشاورز، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۰.

۱۳۱ـ همان منبع.

۱۳۲ـ یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی، ص ۹۰.

۱۳۳ـ میشل مالرب، زبان‌های مردم جهان، ص ١٦٤.

١٣٤ـ همان منبع و همان صفحه.

۱۳۵ـ همان منبع و همان صفحه.

١٣٦ـ بابا شیخ حسین، ص ۲۹۱، در این چهار جمهوری هم به دستور استالین در سال ۱۹۳۷، یکبار دیگر کوردهای مرز شوری در ارمنستان و آذربایجان و غیره مانند انفال سال ۱۹۸۸ کوچانده شدند و در میان ۹ جمهوری مانند قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان و ... پخش شده‌اند.

۱۳۷ـ مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ص۳۰۵.

۱۳۸ـ همان منبع.

۱۳۹ـ در سال ١٩٩٦ گروهی از کوردهای افغانستان به سرپرستی عبدالرحمن پاشا از پارلمان کوردستان در اربیل دیدار کردند، من این خبر را از رادیوی صدای گه لی کوردستان شنیدم.

١٤٠ـ در کتاب م . ارانسکی، زبان‌های مردم جهان، در سال ١٩٧٦ تعدا هم کُردها را ۱۲ میلیون دانسته است که این تعداد برای آن زبان کم است،؛ زیرا در سال ۱۹۷۵ بر اساس منبع جغرافیای کُردستان نوشته عبدا... غفور، در پاورقی ١١٤ جمعیت کوردها ۱۷/۵ میلیون دانسته شده است.

١٤١ـ د.رفیق شوانی، سبب پیدایش گویش‌ها وظهور زبان ملی، مجله دانشگاه دهوک، ب۲، ش (٦)، ١٩٩٦، ص۷۹۱ـ ۸۰۸

١٤٢ـ مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ص۲۷۸.

۱۴۳ـ مانند فرهنگنامه‌ی دهخدا که ۱٦ جلد است.

۱٤٤ـ مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ص۲۷۸.

۱٤٥ـ مانند فرهنگنامه‌ی دهخدا که ۱٦ جلد است.

۱٤٦ـ همان منبع و همان صفحه.

۱٤۷ـ همان منبع، ص ۲۹۸، ۲۹۷ـ در اینجا لازم به ذکر است که نویسنده این کتاب در ص ۲۹۸ و پاورقی (۱) به وجود کورد، بلوچ و بختیاری در افغانستان اشاره کرده است. اینها گروه‌های کوچکی هستند که در سرزمین افغانستان زندگی می‌کنند. او بختیاری و کرد را متفاوت و مستقل از هم دانسته است.

۱٤۸ـ مقدّمه فقه‌اللغه ایرانی، ص ۲۸۹.

۱٤۹ـ همان منبع، ص۳۰۳.

۱٥۰ـ م . ارانسکی، زبان‌های مردم جهان، ص۱۳۷.

۱٥۱ـ بعلاوه، برای مثال، م.ارانسکی، مقدّمه فقه‌اللغه، ص۳۱۱ .

۱٥۲ـ میشل مالرب، ص٦۰.

۱٥۳ـ برای آگاهی از زبان‌های خانواده‌ی هندی که نشان داده شدند به منابع زیر نگاه کنید:

ا/میشل مالرب، ۲۳۱، ۲۳۷.

ب/فرهنگ دایره‌المعارف زبان و زبان‌ها.

د/باباشیخ حسینی، هامشی بر دانش زبان‌شناسی، ص۲۲۳ـ ۲۲۷.

۱٥٤ـ عبدالرحمان زبیحی، قاموسی زمانی کوردی (و، ب) انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳٦۷، ص۲۲.

۱٥٥ـ محمد امین هه ورامی، میژوی ریبازی زمانی کوردی، به غدا۱۹۹۰، ص۲٤.

۱٥٦ـ عبدالرحمان زبیحی، قاموسی زمانی کوردی (و، ب) انتشارات

صلاح‌الدین ایوبی، ۱۳٦۷، ص٢٦ـ

۱۵۷ـ محمد امین هه ورامی، میـژوی ریبـازی زمـانی کـوردی، بـه غـدا۱۹۹۰، ص٢٤.

۱۵۸ـ شاعر داری ساری حیدر شاعر فیلی ساکن بغداد. شـاعر سـال‌هـای دهـه هفتاد که به لوری شعر نوشته است. در مهرجان اول شعر کرد در کرکـوک کـه در سال ۱۹۷۰ برگزار شد شرکت کرد. او دارای اشعار میهنی بلند پایه‌ای اسـت. چنـد سال قبل در بغداد درگذشت.

۱۵۹ـ زبیر بلال اسماعیل، میژوی زمانی کوردی، ص ۷۹، ٦٢، ۵۷ آن را به سـه مرحله و محمد امین هورامی هم در میژوی ریبازی زمانی کوردی ص ٢٤ مرحلـه چهارم را به نام مرحله نو بدون توضیح مشخّص کرده است.

۱٦۰ـ د.علی عبدالوافی؛ص۱۸٢، ۱۸۳.

۱٦۱.برای اطلاع از تاریخ زندگی این شاعران به علاالدین سجادی ادب کُـردی ج٢ بغداد۱۹۷۱ص٢۰٦، ۳۱۹، ۳٢۰.

۱٦۱ـ باباشیخ حسینی، هامشی بر دانش زبان‌شناسی، ص٢۹۷.

۱٦٢ـ باباشیخ حسینی، هامشی بر دانش زبان‌شناسی، ص٢۱٤.

۱٦۳.همان منبع، ص۳۱٦.

۱٦٤ـ همان منبع، ص۳۱٦.

۱٦۵ـ همان منبع، ص۳۱۹.

۱٦٦ـ باباشیخ حسینی، ص۳٢۳.

۱٦۷ـ باباشیخ حسینی، ص۳٢۷.

۱٦۸ـ همان منبع، ص۳۳۱، ۳۳٢.

منابع

١. احمدالخليل، تاريخ الكرد فى الحضاره الاسلاميه، دارهيرو، لبنان- بيروت،٢٠٠٧.

٢. ئەورەحمانی حاجی مارف، وشەی زمانی کوردی، بە غذا ١٩٧٥.

٣. ابراهيم چگنی، فرهنگ دائره المعارف زبان و زبانها، چاپ دوم، تهران ١٣٨٢.

٤. آنتونی ارلاتو، درآمدی بر زبانشناسی تاريخی، ترجمه دكتر يحيی مدرسی، تهران١٣٨٤.

٥. ای، ام. ارانسكی. مقدمه فقه اللغه ايرانی، ترجمه، كريم كشاورز، تهران ١٣٧٩.

٦. بريجته بارتشت. مناهج علم الغه من هرمان حتی ناعوم چامسكی، ترجمه: ا.د. سعيد سعيد بخيری،القاهيره ٢٠٠٤.

٧. باباشيخ حسينی، هامشی بر دانش زبانشناسی، سنندج ١٣٨٣.

٨. برناردكامری، جان ماونتفورد، ويوين لا، د. اكروز، زبانهای دنيا چهار مقاله در زبانشناسی، برگردان: كوروش صفوی، تهران- سعاد ١٣٨٤.

٩. د. جمال رشيد احمد، تاريخ الكورد القديم، هولير ١٩٨٠.

١٠. رفيق شوانی، (ع) هه مزه ده نگ و فونيمه لە زمانی کوردیدا، پاشکوی رۆژنامەی عيراق، ژ (٣٢٢)، ١٩٩٥/٢/٢٦، ل ٦.

١١. رفيق شوانی، هۆی پەيدابوونی زار و سەرهەڵدانی زمانی نەتەوەيی، گۆڤاری زانکۆی دهۆک، بەرگی ٦ ژ (٢)١٩٩٩.

١٢. زوبير بيلال اسماعيل، مێژووی زمانی کوردی: یوسف رئوف علی، بغدا ١٩٨٤.

١٣. سالی ویهمایەر، فەرهەنگی ئۆکسفۆرد بۆ فێربوانی پێشکەوتوو، ج٧، زانکۆی ئۆکسفۆرد ٢٠٠٦. ***Oxford Advanced Learners Dictionary***

١٤. عبدالرحمن امين زبيحی، قاموسی زمانی کوردی، به غدا ١٩٧٥.

١٥. عبدالله غفور، جوگرافیای کوردستان، کوردستان-هولیر ٢٠٠٠.

١٦. عبدالرحمن قاسملو، کوردستان و کورد، وه رگیر عبدالله حسن زاده، بنکەی پیشوا ١٣٧٣.

١٧. علی عبدالواحید وافی، علماللغه، القاهیره النجاله ١٩٧١.

١٨. علادين سجادی، میژوی ئه دبی کوردی، ج ٢ به غدا ١٩٧١.

١٩. فهمی الشناوی، الاکراد يتامی مسلمين القاهره ١٩٩١.

٢٠. فؤاد حمه خورشيد، الغه الکورديه، التوزيع الجغرافی للهجتها، بغداد ١٩٨٣.

٢١. کارل ديتر بونج، المدخل الی علم الالغه، ترجمه و تعليق: د. سعيد حسن بحيری، مصر ٢٠٠٣.

٢٢. کمال فؤاد، زاره وه کانی زمانی کوردی و زمانی ادبی و نوسينيان، گوفاری زانياری، ژ(٤)، به غدا ١٩٧١.

٢٣. کینت کاستر، زبانهای جهان، وەرگێرانی: رەزا هیرمندی (خدادادی)، تهران ١٣٧٧.

٢٤. محمدامين هورامی، مێژووی ريبازی زمانی کوردی؛ بغداد ١٩٩٠.

٢٥. مسعود السعران، علم اللغه، مصر ١٩٦٢.

٢٦. محمود السعران، علم اللغه، مصر ١٩٦٢.

٢٧. میشل مالبرب، زبان‌های مردم جهان، *ترجمه:عیفت ملا نظر، تهران ١٣٨٢.*

٢٨. وریا عمر ئەمین، چند *ئاسۆیەکی* زمانەوانی، ب١، هەولێر ٢٠٠٤.

٢٩. یوسف.م.ارانسکی، زبان‌های ایرانی. ترجمه: دکتر علی اشرف صادقی.تهران

.۱۳۷۸

۳۰. *أ.د. یحی عباینه، د. أمنه الزعبی، علم الغه المعاصر، الاردن-اربد ۲۰۰۵.*

31. Ernest N. McCarus, A Kurdish Grammar: Discriptive Analysis of Kurdish of the Sulaimaniya, Iraq, New York1958.



کانی کتێب
سنندج، کانـی کتـێب
۰۸۷ - ۳۳ ۱۲ ۵۲ ۵۹
+۹۸ ۹۱۸ ۱۷۱ ۷۲۵۷
kani.kteb@gmail.com

Design:
+98 918 373 4551

978-600-7968-22-2